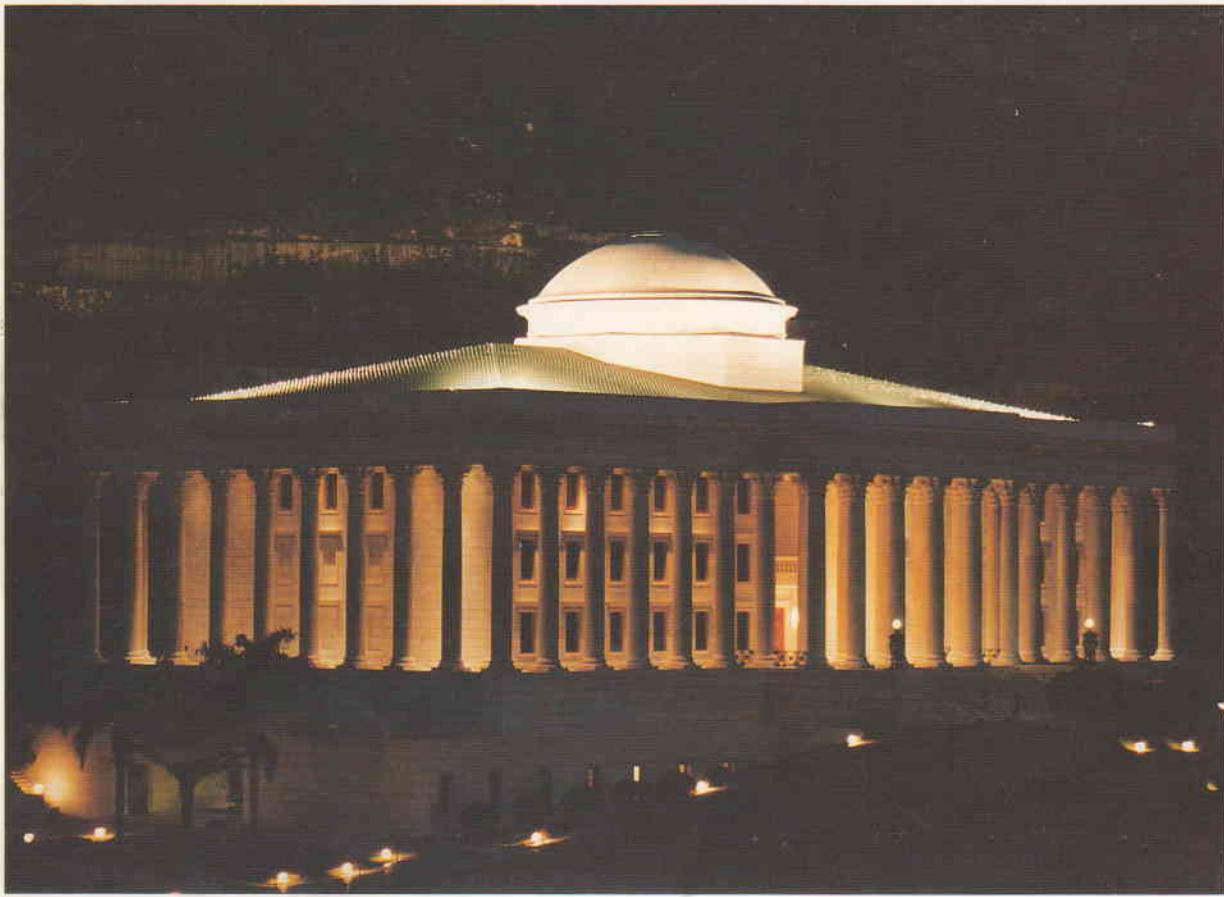
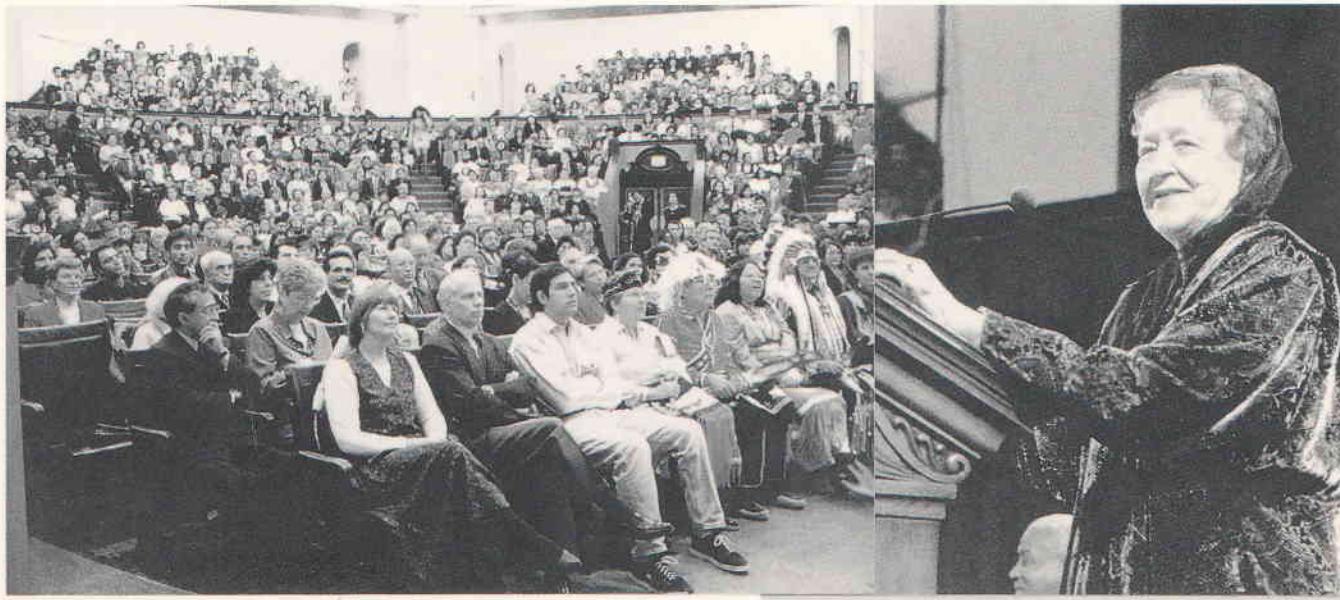


عندليب





عبدالیب

نشریه محل و حانی ملی بھائیان کانادا
بربان فارسی

شماره ۵۶ «مسئل»

No. 56

سال چاردهم

Volume 14

پائیزہ ۱۵۲ بیع
۱۳۷۴ شمسی

Fall 1995

'Andalib
7200 Leslie Street, Toronto, ON, Canada, L3T 6L8

CANADA POST CANADIAN

PUBLICATIONS MAIL SALES

PRODUCT AGREEMENT NO. 680400

RETURN POSTAGE GUARANTEED

«حق چاپ محفوظ است»

فهرست مندرجات

صفحه	
۲	- لوح مبارک جمال قدم جل جلاله
۶	- لوح مبارک حضرت عبدالبهاء عظم شانه
۷	- پیام بیت العدل اعظم الهی مورخ ۱۲۹ اکتبر ۱۹۹۵
۹	- سخن روز - سفر امة البهاء روحیه خانم به کانادا
۱۲	- خدمت تبلیغ
۱۵	- پیشروفتیای قوس کوه کرمل
۱۷	- آفرینش (اراده یا اتفاق)
۲۲	- شرح حال شهید مجید جناب یدالله صابریان
۲۴	- شعر و ادب فارسی
۲۵	- سیری در آثار مبارکه
۲۸	- درخواست عندهای
۲۹	- شعر (لذت روحانی و مبنای داوری)
۳۰	- طه
۳۲	- چاج احمد حمدی ملاحسین
۴۴	- معرفی کتاب
۴۶	- تلکراف معهد اعلی و پیام روحیه خانم حرم مبارک بمناسبت صعود جناب سهیل علانی
۴۷	- شرح حال و خدمات جناب سهیل علانی
۵۰	- شرح حیات جناب دکتر ایرج مدارانی
۵۱	- حکایت گرتیس
۵۹	- دو کنفرانس تاریخی
۶۱	- تأسیس دانشگاه صنعتی در شهر ساتراکروز
۶۲	- حسن خاتمه
۶۴	- قسمت جوانان : (۱) چرا بهانی هستم - شعر (میآید آن زمان)
۶۷	- اخبار و بشارات امریه
۷۴	- اخبار مصور
۷۸	- نامه هانی از دوستان

عکسها :

روی جلد :

خارج : مقر بیت العدل اعظم . عکاس (Charles Bancroft)

داخل : عکسهای مربوط به سفر اخیر امة البهاء روحیه خانم به کانادا .

پشت جلد :

خارج : اعضاء محفل روحانی نجف آباد اصفهان در ۵۶ سال قبل . (فرستنده خانم میمنت هانی) نورده

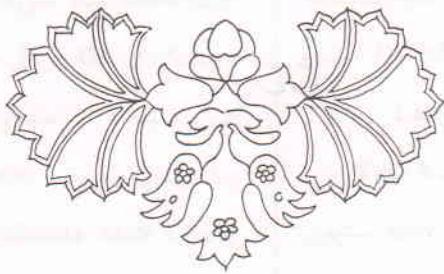
داخل : عکس والدین حضرت حرم روحیه خانم Mr & Mrs. Maxwell

بِسْمِ الْمَلِكِ الْأَنْعَامِ

حمد محبوب على الأطراق راكب بفضل واسع ورحمت منبسطة احتمى خود را بر جسبش مستيقظ فرمود بشیخ
تفاق اولی الشفاق ایشان را رسیل حمن منع نمود، و رسیل آله حل شد اند نموده اند و ارسطوت
ملوک و احتجی بات نمود از ملک الملوك متحجج نماده اند، ولکن اگر قاصدان کعبه حمن نصوحه را
گوش جان اصغا نمینموده بین بلایایی وارد مبتلا نمیشند، اگرچه بلا در رسیل او محبوب جان مقصود
روان است ولکن این مقام مخصوص مخصوصین نبوده، و آن اضعاف و موارد افتتان و امتحان مضطرب و
مشترذ مشاهده میشود، لذا تکلیف حکمت ناموره تابد بیرحمانی حقایق نابالغه انسانی را بمعارج بیون اتفاقا
و هند، تاکل بذکر شش عمل شوند، ایوم احدی باید از حکمت غافل شود، مثلاً مشاهده عیو و بعضی
قوی از نفسی ثباتی مطمئن میشود که جمیع امور این غیر حجاب ذکر نمایند، این محض غفت است، ابد
از نفسی مطمئن مشود، وزیاده ارشان و مقدار او لکلم مناید، بسا از نفس از نفس شیطانیه محض
تفحص و تجسس لحاشته و میگارند تا بدیس دوستی از اسرار احتما مطلع شوند، چنانچه در بعضی از مدن

بعضی اطماد دوستی نموده اند و اتفاقی امور مطلع شده با مثال خود اخبار داده اند، بشویند مای قلم علیا
واز حکمت خارج مشوید، و اذن داده نشده که احدی من غیر اذن باین شرط توجه نماید، باید دوستان
حق در جمیع بلدان با تحداد حرکت نمایند، بقسمیکه روابح اختلاف مابین نماند، نه از اهل صادم و
نه از اهل کاف وغیره اهل سرادر و فایند و اصحاب جنت ای بھی، این حروفات معایر را محو
نمایند و در هوا می روئانی اتحاد طیران نمایند، و از نهر صاد که از نین عرش و داد جاری است
بسیاش مند، الطاف حق با شما بوده و خواهد بود، عقریب نقوس معرضه که با هل بھا ظلم نموده
در کمال ندامت مشاهده شوند، ان الرحمٰن مَعْلُومٌ وَ الْحَسَنُ إِن لَّهُمْ وَ عَلِيهِمْ، ائمَّةُ أُسْرَايْلَ فِي الدَّيَارِ
این شان کبیر است همیر شمارید عقریب ذکر شما و سایر دوستان حق در جمیع بقاع ارض مشری
شود، چنانچه حال در ملکوت الهی اسمی کل مذکور است، ای دوستان من شاصل بتو
امریه اید، اگر صول محکم باشد بیوت مستقر نماند، و مبدع چشمها می ارض عرفان نماید، مبدع اگر
کل آنوده شود در تمامی انهار متسشته سرایت نماید و کل تیره شوند، اینم ارقیل با صحاب خود فرموده
شما می ارضید بیخ که فاسد بکدام چیز نمکین خواهد گردید، در این صورت مصرفی ازا و مشهود نه جز

آنکه دور افکنده و پایمایل شود، اقبال و انقطاع و توجه شما باید من علی الارض را جذب نماید
و بعرضه حیوه ابدی کشاند، و نویسیده در این فتنه بگری تمرکز و مضرب شده اند بجمع مطفّ
و محبه بانی نماید و بمواعظ حسن شریعه احمدیه دلالت کنید، چه که حق دوست داشته نفسی محروم نماید
محخصوص نویسیده و سیل حق محل شتم و ذلت واقع شده اند ولو فی ساعیه، آن لهو الغفور الرحیم،
نفس مطمئنه قویه ثابتة اقل انجیرت احمر بوده و خواهد بود، باید امثال این نفوس ضعیفه انجواد
و انگذارند و بلطائف بیانات آنست ایشان را مجد و بجهیه باقیه کشاند، طوبی از برای نفوسی که
خدمت و رعایت دوستان حق را مطهور دارند، چنانچه بعضی بین مقام فائز شده اند، و مهاجران
دوستان را بقدر وسع محبت نموده اند، آن شاهد کل بی مقام عالی فائز شوند، اجره بیچ علی
صایع خواهد شد، آن علیم بایمدون حبات، آن لهو حکیم انجیر.



امّةٌ تَبَدَّى هُدًىٰ مُّكَلَّا يَنْ

هُوَ اللَّهُ

ای کنیز الٰی ، نامه تو رسید ، احمد لند دلالت بر اینان و ایقان و انجذاب
بملکوت رحمان داشت . تکلیف خویش را خواسته بودی ، باید بمحب و صایا
و اصلاح حال ابھی سُوک و رفاقتمنی و تبریزی نفوس پردازی و سبب ہدایت
سازین گردی و با خلاق رحمانی و نهایت محشر بانی به جمیع احزاب حتی دشمن
پردازی ، از نفسی دلگیر مشوونگاه باعمال و افعال او منما و باستعداد و استحقاق او
رفاقتمن بظہر بحقیقت ما و تعالیم الھی . لہذا باید با كل محشر بانی باشی و ہموار
مقصودت این باشد که ولی راشادمان کنی و جانی را کامران فرمائی ...

ع ع

ترجمه پیام بیت العدل اعظم الهی

خطاب به بهائیان سراسر عالم

مورخ ۲۹ اکتبر ۱۹۹۵

یاران عزیز الهی :

ال اچ بی دلاهانت Jacqueline LHB Delahunt ویلما
الیس Wilma Ellis تاد یوینگ Tod Ewing لیندا
گرشونی Linda Gershuny عبدالمحیث قدیریان
Peter Abdul-Missagh Ghadirian پیتر مکلرن
(امین صندوق قاره ای) ، الهاندرا میلر
Ruth Pringle Alejandra Miller کارمن
الیسا د صادقیان Carmen Elisa de Sadeghian ایزابل
Errol Sealy Isabel de Sanchez ارول سیلی
Farhad Arturo Serrano فرهاد شایانی
آرتورو سرانو Arturo Serrano دیوید اسمیت
Shayani David Smith رودریگو
توماس Rodrigo Thomas .
آسیا (۱۸ مشاور) برهان الدین افشین Borhanoddin
Afshin فاضل اردکانی Fadel Ardekani جبار
Bijan Farid Jabbar Eidelkhani بیژن فرید
النا گروزکووا Elena Gruzkova دیوید هوانگ
Huang (امین صندوق قاره ای) ، ثبکو ایواکورا
Abbas Katirai Nobuko Iwakura کیم
Lee Myung Jung Kim لی لوهر
Lee Luher پیام مهاجر Payam Mohajer پرین علیانی
Zenaida Ramierz Perin Olyai سیروس
Vicente Cyrus Rohani ویست سامانیگو
روحانی Zena Sorabjee Samaniego جرج ثریا
Rosalie Tran روزالی George Soraya
اقیانوسیه (۱۱ مشاور) : بن آیلا Ben Ayela
بناتریس بنسن Beatrice Benson آفماتا ملی چنگ
David Afemata Moli Chang دیوید چیتلبرو
(امین صندوق قاره ای) ، ویولت
Betra Majmeto Violette Haake هاک

در یوم میشان که مصادف با ۲۶ نوامبر ۱۹۹۵
است دوره پنجم ساله جدید خدمات اعضای هیئت های
مشاورین قاره ای برای نشر نفحات الله و صیانت امراه الهی
آغاز می گردد . بنا بر تصمیم این هیئت تعداد این
خدمات عالی رتبه امر الهی از هفتاد و دو به هشتاد و
یک نفر افزایش می یابد . خوشقتیم که اسامی نفوysi
را که برای دوره جدید منصوب شده اند اعلام داریم :
آفریقا (۱۹ مشاور) جورج الن George Allen
بناتریس اسار Beatrice Asare نیاز بشرونی Niaz
Bushrui پروین جنیدی Parvine Djoneydi مهراز
احسانی Mehraz Ehsani (امین صندوق قاره ای)
شیدان فتح اعظم Shidan Fat'he-Aazam کوبینا فین
Ibrahim Galadima ابراهیم کالادیما Kobina Fynn
هیزاپا هیسانی Hizzaya Hissani فریدون جواهری
Zekrullah Kazemi Firaydoun Javaheri ذکرالله کاظمی
ادی لوقمایا Eddy Lutchmaya اباینه مرهاتسیون
Muhammad Abaineh Merhatsion ادیث Daniel Ramoroesi
دانیل رامورونسی Othomani ای وارن Edith Senoga
سنوكا لی وارن Lally Warren وینگی
Mabukو Wingi Mabuku تیاتی ا زوک Tiaty A Zock
امریکا (۱۹ مشاور) ایلوی انلو Eloy Anello ستیون
Gustavo بركلند Stephen Birkland گوستاوو کورنا
Rolf Von Czekus Correa رولف فن چکوس جکلین

در مرحله بعدی نقشه الهی که در رضوان آغاز می کردد وظيفة اساسی مشاورین و هیئت های معاونتشان در جریان کار نظم اداری بهانی بیشتر آشکار خواهد شد . در دوران بحرانی و حساسی که در پیش است مشاورین باید هرچه بیشتر توجهات و قوای خود را صرف توسعه و تکامل مؤسستات محلی و ملی بهانی کنند و جمهور مؤمنین را مساعدت نمایند تا بر مراتب انقباد و عبودیت خود به حضرت بهاء الله بیفزایند و شوق و ذوق نفوس را در تبلیغ امرالله افزایش دهند و در تزیید استعداد و قابلیت آنان به منظور جلب قوای عظیمه ای که در روح وحدت و اتحاد اعمال و اقدامات جوامع بهانی مکنون است همت کمارند .

از مشاورین جمیع قارات دعوت می شود تا در کنفرانسی که از ۲۶ تا ۲۱ دسامبر ۱۹۹۵ به منظور مشاوره در باره امور و امکانات سالهانی که بلافضله در پیش است در مرکز جهانی بهانی منعقد می گردد شرکت نمایند .

دعای صمیمانه این مشتاقان آنست که مساعی هیئت هانی که جدیدا منصوب شده اند در مساعی متنوعه یاران در سراسر جهان تحرکی شدید ایجاد نماید .

با تحيات ابدع ابهی - بیت العدل اعظم



سیروس نراقی Sirus Naraqi بروس ساندرز Bruce Sanders هذر سیمپسن Heather Simpson اrama اوگایا Robin White Erama Ugaia اروپا (۱۴ مشاور) : هوشیدر بالازاده Hooshidar اوتا ون بُت Uta Von Both پاتریشیا کلز Balazadeh لوئی انوژه Louis Henuzet پتریک امara Patrick O'Mara (امین صندوق قاره ای) ، نبیل Nabil Perdu مایجا پیلانن Naija Pihlainen پولین Shapour Rassek Polin Rafat شاپور راسخ ایلخان سزگین Ilhan Sezgin نصرت تیرانداز Larissa Tsutskova لریسا تسوتسکوا تیبریو وجدا Sohrab Tiberiu Vajda سهرباب یوسفیان Youssefian .

پانزده نفر اعضاء ذیل از عضویت در هیئت های مشاورین معاف می گردند : صابر آفاقی Saber Afaqi هوشنگ عهده Hushang Ahdieh جیلا مایکل باتا Friday Ekpe Gila Michael Bahta اشراقیان Kamran Eshraghian کسیمی فانا Kassimi جان فوزدار John Fozdar تینای هنکاگ Tinai فواد کاظم زاده Foad Kazemzadeh هانکوک Hancock ماریسون Rose Ong Gayle Morrison روز اُنگ William Roberts پال سمنف Paul الن اسمیث Alan Smith شانتا سوندرام Shantha Sundram . این خادمان برجسته امر الهی با مساعی شایان توجه و همراه با فدایکاری در سبیل پیشرفت امرالله موجب امتنان بی پایان این هیئت گشته اند . ادعیه صمیمانه این مشتاقان بدרכه مراحل بعدی خدماتشان به امرالله است .

سخن روز :

بُرد شتا ظاهر و حیات کائنات را تجدید می نماید هنگام بهار معنوی یعنی زمان ظهور مطالع احديه حقائق کائنات تجلی بدیعی یافته و باش ظهور ربيع معانی تحولات و تغییرات در جمیع اشیاء ظاهر کشته و استعدادهای نهفته در عالم وجود و نهاد آدمی آشکار شده و فضائل و کمالات انسانی که اساس و مبنای تربیت روحانی است سمت کمال می یابد . بنابراین ظهور و طلوع شموس احديه در هر دور و زمان موحد ربيع معانی بوده و تعالیم بدیعه آنان باقتضاء زمان سبب هدایت رستکاری .

تاریخ قرن نوزدهم نمایانگر این واقعیت است که قرن مزبور قرن بغض و عناد و دوران شدت تعصبات نژادی و خونی و مذهبی و ملی گرانی بوده و استعمار و استثمار و تجاوز حقوق کشورهای غیر صنعتی رواج کامل داشته و زمان خروج از اعتدال در نفسانیات و شهوت و تمایل بازاری مفرطه بوده است .

در چنین قرن هولناک مصیبت باری حضرت بهاء الله مطلع رحمان ظاهر و رایت صلح و سلام و وحدت من فی الامکان را بلند فرموده و در آثار منیعه خود مقصد از ظهورش را علاوه بر تربیت روحانی و تجدید حیات معنوی بشروحدت عالم انسانی و صلح عمومی بیان فرمود . در سنه ۱۹۱۹ حضرت عبدالبهاء پس از دریافت نامه عده خیرخواه عالم انسانی که در حین جنگ اول در سنه ۱۹۱۵ در لاهای بمنظور مذاکره و کمک باستقرار صلح انجمنی آراسته بودند لوحی صادر و مضرات جنگ و فوائد صلح و آشتی و یکانگی را با توجه بتعالیم بدیعه بهانی تشريح و امکان وقوع صلح پایداری را با توجه

پنجاه سال قبل بعد از جنگ جهانی دوم در آپریل ۱۹۴۵ در شهر سانفرانسیسکو کنفرانسی از ۵۰ کشور جهان بریاست رئیس جمهور وقت امریکا آفای تروممن تشکیل و بعد از یک سلسله مذاکرات و مشاورات و مناقشات منشور سازمان ملل متحد تهیه و تنظیم و در اکتبر همانسال رسما سازمان ملل متحد تشکیل گردید .

کرچه هنوز گیتی آرامش و آسایش نیافته و در این پنجاه سال نیز فارغ از جنگ و جدال و خونریزی و قتال بوده و تبعیضات نژادی و تعصبات دینی و سیاسی از صفحه جهان پاک نشده ، معهداً انصاف آنست که سازمان ملل متحدد از تاریخ تاسیس تا حال خدمات شایان توجیهی در مورد رفع استعمار و میانجیگری میان کشورهای متخاصم و کمک به پناهندگان و قحطی زدگان و بسیاری دیگر که نفعش باهل عالم راجع بوده نموده است ، باید خدمات سازمان مزبور را قدر دانست و ارج نهاد . شرح اقدامات سازمان ملل متحدد و قسمتهای آن و سازمانهای وابسته بدان و تفصیل میثاقهای بین المللی که اکثراً مورد تصویب و تائید و قبول مجالس مقتنه ممالک قرار گرفته در این مختصر نگنجد و مورد نظر برای نگارش هم نیست (۱)

باعتقد اهل بها زمان ظهور مظاهر مقدسه ربيع معنوی الهی است همانطور که بهار ظاهری سالی یکبار پس از

(۱) خوانندگان عزیز برای اطلاع بیشتر میتوانند به مجله پیام بهانی شماره ۱۹۱ اکتبر ۱۹۹۵ مراجعه فرمایند .

بارز این گفتار ترقیات علمی و عملی و صنایع این عصر است و نیز کرایش جهان بسوی صلح و سلام . در سال ۱۹۹۵ برحسب دستور معهد اعلیٰ جامعه بهائی مبادرت به تهیه بیانیه ای بنام رفاه عالم انسانی نموده چه که صلح بدون رفاه عمومی پایدار نماند و رفاه بدون صلح هرگز تحقق نیابد .

در باره این بیانیه معهد اعلیٰ دستخطی صادر فرموده اند که شاید بتوان آنرا معرفی نامه این بیانیه دانست . در دستخط مذبور معهد اعلیٰ توجیه میفرمایند ، حال که قرن بیستم در شرف پایان یافتن است کوششهای وسیعی از جانب دول و مردم جهان بعمل میآید که در مساله ای که در آینده بشریت مؤثر خواهد بود به تفاهم مشترکی برسند و سپس بذکر بعضی از کنفرانس های جهانی اخیر میپردازند از جمله کنفرانس محیط زیست و توسعه در ریودوژانیرو (۱۹۹۲) ، کنفرانس جهانی حقوق بشر در وین (۱۹۹۲) ، کنفرانس بین المللی جمعیت و توسعه قاهره (۱۹۹۴) ، کنفرانس سران برای توسعه اجتماعی کپنهاك (۱۹۹۵) ، چهارمین کنفرانس زنان در بلژیک (۱۹۹۵) تشکیل اینکونه کنفرانسها شواهد بارزی از این کوششهای است و بمنزله سنگهای رو بنا است که سنگهای بسیاری از سوی سازمانهای غیر دولتی بصورت زیربنای آن ساخته و پرداخته اند . در این برهه از زمان آثار جمع و تلفیق و وحدت نظر و اندیشه در زمینه (وحدت اندیشه در جهان) راجع به بسیاری از مسائل که جنبه جهانی و عمومی دارند دیده میشود و سریعاً در حال تشكل است . نظر باهیت خاصی که پس از کنفرانس سران در ریو ۱۹۹۲ ملاحظه گردید از جامعه بهائی خوستیم بیانیه ای

باشار حضرت بهاء الله باهل عالم اعلام داشتند و در صدر لوح مبارک مذبور چنین میفرمایند :

" ای اهل اشخاص خیرخواه عالم انسانی نامه های شما که در این مدت حرب ارسال نمودید نرسید ، در این ایام یک نامه بتاريخ ۱۱ فوریه ۱۹۱۶ رسیده و فوراً جواب تحریر میگردد ... "

جنگ اول جهانی که بیانیه رسید مجمع اتفاق ملل تشکیل شد .

براستی میتوان گفت منشور مجمع مذبور باقتباس از تعالیم بهائی تنظیم یافته بوده است . متأسفانه بعد از جنگ اول مجمع اتفاق ملل که مجمع ملل متفق هم گفته شده توانست مانع از جنگ دیگری شود لذا جنگ دوم جهانی آغاز شد که ملیونها نفوس بیگناه را بخاک و خون کشید و یا مجرح و علیل نمود و بعد از جنگ جهانی ثانی سازمان ملل متحد تشکیل گردید که امروز با عضویت ۱۸۰ کشور کارش را ادامه میدهد و در این پنجاه سال کامهای موثری در خدمت بعلم انسانی و صلح برداشته است .

ده سال قبل بیت العدل اعظم الهی پیام صلح را صادر و بمردمان جهان عموماً بزماداران و بزرگان عالم خصوصاً ابلاغ گردید و حجت الهی بر کل بالغ گشت . خوشبختانه امروز افکار بشر که سابق جز جنگ نمی‌اندیشید تغییر یافته و بسیاری از بزرگان و هوشمندان بر خلاف گذشتگان رستگاری را در صلح همکاری میدانند . این همان تأثیر انوار شمس معانی است که در بهار روحانی همواره ظهور و بروز داشته و استعدادها را شکوفا نموده و عقول و افکار را دگرگون کرده و بطريق صواب رهنمون شده و میشود . شاهد

یعنی صلح جهانی بکار بست و کوشش ارادی را برای انجام این اقدامات نمیتوان فقط بوسیله دعوت به مبارزه علیه بیماریها و مشکلات برانگیخت بلکه باید آنرا از طریق دورنمائی کامل عیار از رفاه عالم انسانی تهییج کرد . طرز تفکر باید آن باشد که همه ساکنان کره ارض بدون تفاوت و تبعیض از تسایج آن برخوردار شوند و در ایجاد شهیم و صاحب نظر باشند . تجربه تاریخی تا حال بیشتر مربوط بقبائل ، فرهنگها ، طبقات اجتماعی و ملت‌ها بوده و هست اکنون با ایجاد وحدت فیزیکی بین کشورهای کره خالک و پذیرفتن وابستگی‌های متقابل تاریخ بشر بصورت " مردمی واحد " اغزار میشود .

باید دانست که علیرغم این تحولات حاصله نمیتوان بدون باز نگری دقیق در طرز افکار و مفروضاتی که اکنون اساس اقدامات توسعه اقتصادی و اجتماعی است به دور نمای بعدی پیشرفت تمدن بشری دست یافت که افراد بشر اختیار اعمال و تنایج عمومی را بدست کیرند واضح است که چنین باز اندیشه باید متوجه جنبه‌های عملی ، خط مشی‌ها ، استفاده از منابع ، طرز تنظیم برنامه‌ها ، روش‌های اجرانی و سازماندهی باشد که بدون شک مشکلاتی در بر دارد .

لکن در جریان این تجدید نظر ناچار در جستجوی توافق نظر در باره طبیعت خود انسان خواهیم بود .

برای بحث در باره این موضوعها چه از جنبه عم و چه از لحاظ نظری دو راه مستقیم وجود دارد . در نظر است از این دو راه با توجه باین بیانیه به موضوع نحوه اقدام برای توسعه و عمران جهانی رسیدگی کنیم . ابتدا عقاید جاری و متداول را در باره طبیعت و

در باره رفاه جهانی در قالب تعالیم بهانی تهیه نمایند این حاصل آنست که اکنون در دسترس شما است . بیت العدل اعظم در این دستخط مقرر میفرمایند که محافل روحانیه ملیه ضمن تماسهایشان با دولت‌ها ، سازمانها ، مردم از بیانیه مزبور استفاده نموده و اظهار امیدواری میفرمایند که جوامع بهانی نیز نسبت باین موضوع بسیار مهم در جامعه‌ای که در آن زندگی میکنند از آن بهره و مدد گیرند .

اما اصل بیانیه " رفاه عالم انسانی " The Prosperity of Humankind از یک مقدمه و ۷ بخش تشکیل شده در مقدمه چنین آمده .

۱ - صلح جهانی که تا ده سال قبل ۱۹۸۵ (سال صدور پیام صلح جهانی) بمنزله کمال مطلوب تلقی میشد حالیه بصورتی غیر قابل تصور در شرف شکل گرفتن و قوام یافتن است .

۲ - موانع موجود در راه این صلح که بنظر تزلزل ناپذیر مینمود اکنون در حال فرو ریختن شدید است .

۳ - روش‌های شور و مذاکره بتدریج اعمال میکردد .

۴ - تمایل باستفاده از قوای متحد جهانی در مقابله با تجاوزات نظامی قوت گرفته . جمیع این امور ایجاد امید بین رهبران جهان و مردمان کرده است .

۵ - در سراسر جهان نیروهای عظیم عقلانی و روحانی در شرف جلوه و بروزند ، نیروهایی که فشار روز افزون آنان با ناکامیهای دهه اخیر نسبت مستقیم دارند .

۶ - همه جا نشانه‌هایی از آرزوی مردم جهان به پایان گرفتن اختلافات بچشم میخورد و روز بروز رو بافزایش است . این جنبشها و تفکرات را باید ارج نهاد و در مسیر غلبه بر موانع باقیمانده تحقق رویای دیرینه بشر

این بحران بی سابقه اقتصادی همراه با نا بسامانیهای اجتماعی که در اثر آن بوجود آمده نموداری هولناک از نحوه ادراک بشر است . بسی واضح است که اگر توسعه اجتماعی هدفی و رای بهبود شرائط مادی نجوید حتی بهمین هدف هم نخواهد رسید . هدف مزبور را باید در ابعاد روحانی جستجو کرد . . . ”

دوستان عزیز و خوانندگان گرامی آنچه در این مقال از دستخط معهد اعلی و مقدمه بیانیه (رفاه عالم انسانی) ملاحظه نمودید نه ترجمه رسمی است و نه کمال مطلوب و اقتیاسی بیش نیست ، بنابراین بلحاظ اهمیت موضوع و استفاده از مباحث آن در امر خطیر تبلیغ جا دارد که جوانان و یاران انگلیسی دان و فارسی زبانان پس از انتشار ترجمه رسمی آن جلسات و یا کلاس‌های تزئید معلومات بدون فوت وقت تشکیل دهنند و بطور کامل آنرا مورد مذاقه و امعان نظر قرار دهنند و باین مختصر قناعت ننمایند .

عندلیب

هدف جریان توسعه بررسی میکیم و بوظائف و اقداماتی که برای علمداران آن در نظر گرفته شده می‌پردازیم .

طراحی برنامه های جاری توسعه و عمران اکثرا مبتنی بر مفروضاتی است که اساساً مادی میباشند . بدین معنی که هدف توسعه در کلیه جوامع نوعی است که موفقیت آنها در برخی از نقاط مرّه جهان در نظر گرفته میشود . البته بعضی ملاحظات نیز رعایت میگردد . و اشکال اساسی بر مبنای شالوده توسعه رانج بر مفروضات مادی است لذا با بپایان رسیدن قرن بیستم دیگر نمیتوان از این عقیده پشتیبانی نمود .

واقیعت نمایانگر آنست که فاصله بین اقلیت کوچکی که همه چیز دارند و اکثریت عظیمی که با وضعی دشوار زندگی میکنند روز بروز بیشتر میشود و این وحشتناک است و پیش بینی هانی که بتواند جوابگوی اینگونه مشکلات باشند مصدق نیافته است .



خبر مسرّت بخش :

ایادی عزیز امرالله امة البهاء روحیه خانم علیها بهاء الله در تاریخ ۴۵/۱۰/۲۴ با تفاق سرکار خانم ویولت نخجوانی سفری کوتاه بکانادا نموده و در محفلی که در تورنتو بواسطه محفل روحانی ملی بهانیان کانادا ترتیب داده شده بود و قریب ۱۵۰۰ نفر از یاران تورنتو و اطراف آن و احباء امریکا از شهرهای هم مرز کانادا در آن حفله نورانی شرکت نموده بودند ، حضور یافته و بیاناتی تشویق آمیز در باره امر خطیر تبلیغ و اهمیت خدمت در عالم امر ابراز فرمودند که بسیار نافذ و مؤثر واقع شد و سپس به مونترال تشریف برد و یاران آن دیار را نیز از بیانات خود مستفیض نمودند .

خادمان عندلیب در نهایت خصوع مقدم حضرت خانم امة البهاء روحیه خلم را بکانادا تبریک عرض نموده و از این سفر بهجهت اثر نهایت امتنان را از مُعزّی لها دارند .

عکسهای داخل روی جلد مربوط بسفر اخیر ایشان است که جناب دکتر علی محمد ورقا ایادی عزیز امرالله علیه بهاء الله نیز در آنجا حضور داشته اند .

با تقدیم مراتب امتنان - خادمان عندلیب

از بیانات مبارکه حضرت عبدالبهاء جل ثنائه

(خدمت تبلیغ)

لشکر تا در میدان حرب نباشد معلوم نیست که چقدر پادشاه بآن مهریانی و محبت دارد ، عساکری که در اوطانشان هستند در خانه هایشان هستند ابداً پادشاه لز آنها استفساری نمی کند و ابداً آثار مهریانی و عنایت در حق آنها ظاهر نمی شود وقتیکه در میدان حرب بروند هر روز یک عاطفة جدیدی می رسد . همین طور است نفوس مؤمنین آنهایکه در میدان تبلیغ اند در میدان خدمتند شب و روز آرامی ندارند ، فکری ندارند جز نشر نفحات الله جز احیاء نفوس جز تربیت اشخاص جز خدمت بعلم انسانی ، اینها مظہر عواطف و الطاف جمال مبارک اند . ما حالا اینجا هستیم می بینید هیچ ظهور و بروزی نیست مثل این است نیستم لکن در وقتیکه در امریکا بودیم در اروپا بودیم در میدان خدمت بودیم واضح مشهود بود که جنود غیب و شهاده تائید می کنند نصرت می کنند ... جنود غیب تائیدات جمال مبارک میرسید ، بی در پی بهر جهتی که توجه می کردمن ابواب مفتوح بود حیران میماندیم ، شهرهایی که ما ندیده بودیم با اهالیشان الفت نداشتیم ، اگر ملوک بروند ، با آنها اعتنای نمی کنند بسیاری از شاهزاده های اروپا مثلًا میروند ابداً شمری و اثری نیست . کسی اعتناء نمی کند نهایتش این است که چند روزی در هتل پائین می آیند و مراجعت می کنند ، ما در هر شهری که وارد شدیم نهایت رعایت نهیلت احترام نهایت حسن استقبال مشاهده شد و همچنین مجامع تشکیل می شد انجمنهای متعدد تشکیل می شد میرفتیم در این انجمنها در این مجامع در این کنائس جمیع مردم بنهایت دقت می شنیدند ، بیان از تعالیم جمال مبارک می شد . ظهور این امر از ایران از بدایتش تا نهایتش تفصیل داده می شد . کل اصقاء می کردند ابداً در هیچ مجموعی این میرزا احمد حاضر است بروح مبارک قسم است که در هیچ مجموعی و در هیچ کلیسائی و در هیچ انجمنی نفسی پیدا نشد که اعراض و اعتراض کند کل ساكت و صامت مستمع بودند . با وجود اینکه از عادات حضرات است که اگر در انجمنی و مجموعی کسی صحبت بدارد و نپسندند ، صفير میزند ، پاها بزمین می زند و عربده بلند می کنند تا کسی صوت او را نشنود و کل او را استماع نکنند . مجبور میشود باینکه ساكت شود و از منبر خطابه پائین آید ، حتی در مسجد یهودیها پنجهزار یهود حاضر بودند و صحبت مفصلی مخالف آراء آنها بدرجه ای که وصف ندارد ، در کلیسای یهود اثبات کلمه الهیه حضرت مسیح بدرجه ای بود لشکر غیب چنان هجوم داشت که ابداً نفسی و احدی اعتراض نکرد . بعد که برخواستیم برویم خاخام یهود آمد که حضرات یهود میخواهند دست بدھند و اظهار ممنونیت و تشکر بکنند ، گفتیم من ناخوشم حالت اینکه با پنجهزار نفر دست بدھم ندارم ، گفت ولو معدودی باشد ، بقدر پنجاه شصت نفر آمدند دست دادند و اظهار تشکر کردند . حالا من چه اقتداری ، چه قوه ای چه استطاعتی چه

مقامی ، مجده این بود که تائید جمال مبارک میرسید انوار تائیدات جمال مبارک کلیسا را روشن کرده بود . مردی موسوی فریاد کرد که من بعد از این موسوی نیستم ، این جنود غیب جمال مبارک مرا در این سفر و همچنین سایر احباء را تائید کرد ... جنود شهاده احبابی الهی بودند . این است که میفرماید : بجنود غیب و شهادت نصرت میفرمایم باید در میدان شتافت تا اینکه عون و عنایت سلطان حقیقی ظاهر و عیان شود .

در وقتی که انسان بخدمت مشغول است تر و تازه است ، همیشه در نهایت فرح و سرور امیدوار ، پر روح و ریحان ، بالعکس وقتیکه ساکن است مخدوم کسل بیجان در نهایت پژمردگی مثل انسان مرده میماند و جمیع اوقاتش بهدر میرود ، لکن ساعتی که بعیوبیت آستان مقدس می کزد . هر نوع حیاتی باشد بی شمر است محل خوف و خطر است ... الی آخر بیانه الاحل .

مأخذ ، نجم باختر شماره ۲ جلد ۱۴ مورخ می ۱۹۲۲

از الواح مبارکه حضرت عبدالبهاء در باره تبلیغ (۱)

« الیوم تائیدات الهی شامل نفوسي است که شب و روز به تبلیغ امرالله مشغولند و بنشر نفحات الله مألف

این است مفناطیس عون و صون و عنایت و موهبت حق »

و نیز میفرمایند :

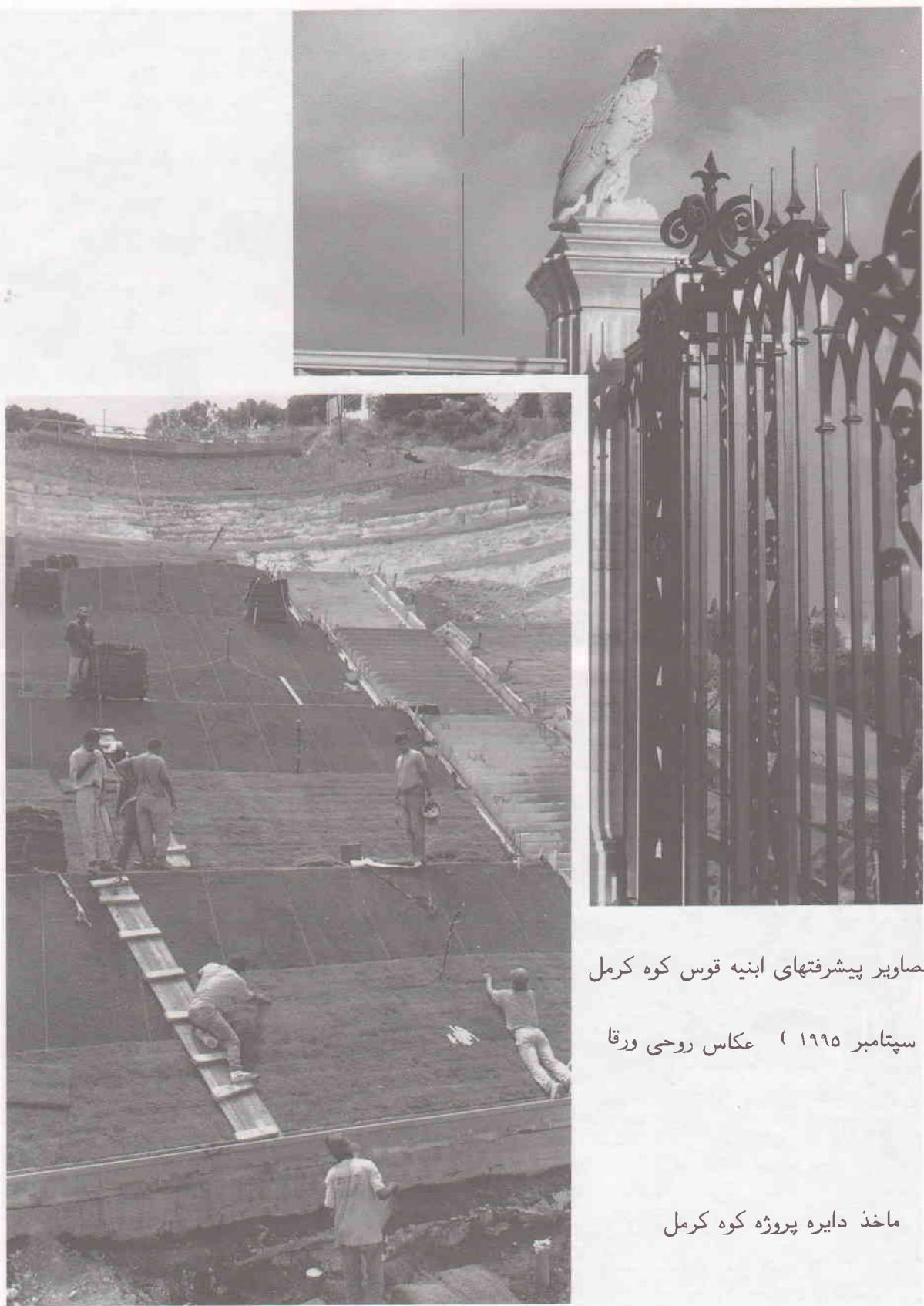
« الیوم اعظم امور و اهم شنون تبلیغ امرالله و نشر نفحات الله است بجميع وسائل بجهت این ترویج قیام باید نمود و الیوم این امر مؤید است و جنود ملکوت ایهی ناصر این مقام و خادم این مقصد .

زمان تأسیس است نه تزیین و وقت وقت ترویج است نه تعديل از خدا بخواهید و دعا کنید که جمیع را موفق بر این امر عظیم نماید و از این موهبت نصیبی بخشد ... »

و نیز میفرمایند :

« ای یاران عزیز عبدالبهاء الیوم اهم امور تبلیغ امرالله است و نشر نفحات الله تکلیف هر نفسی از احبابی الهی این است که شب و روز آرام نگیرد و نفسی بر نیارد جز بفکر نشر نفحات الله ... »

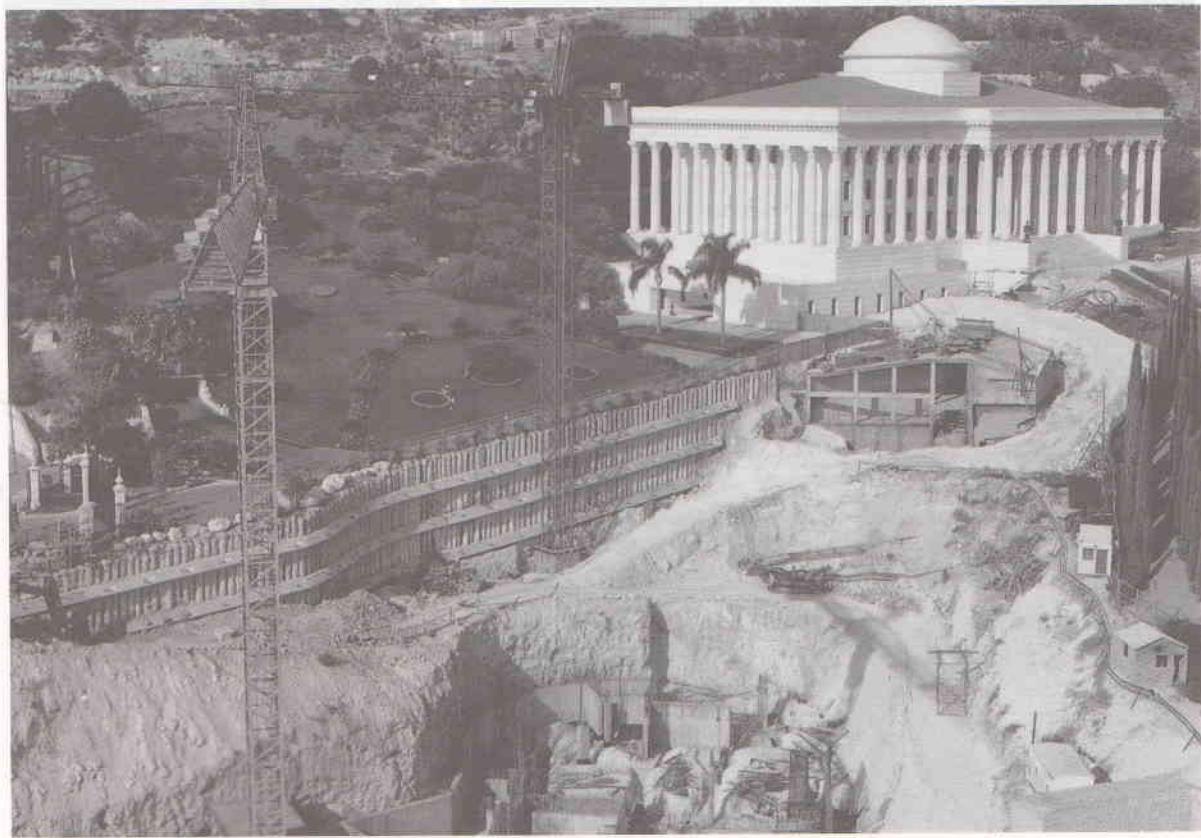
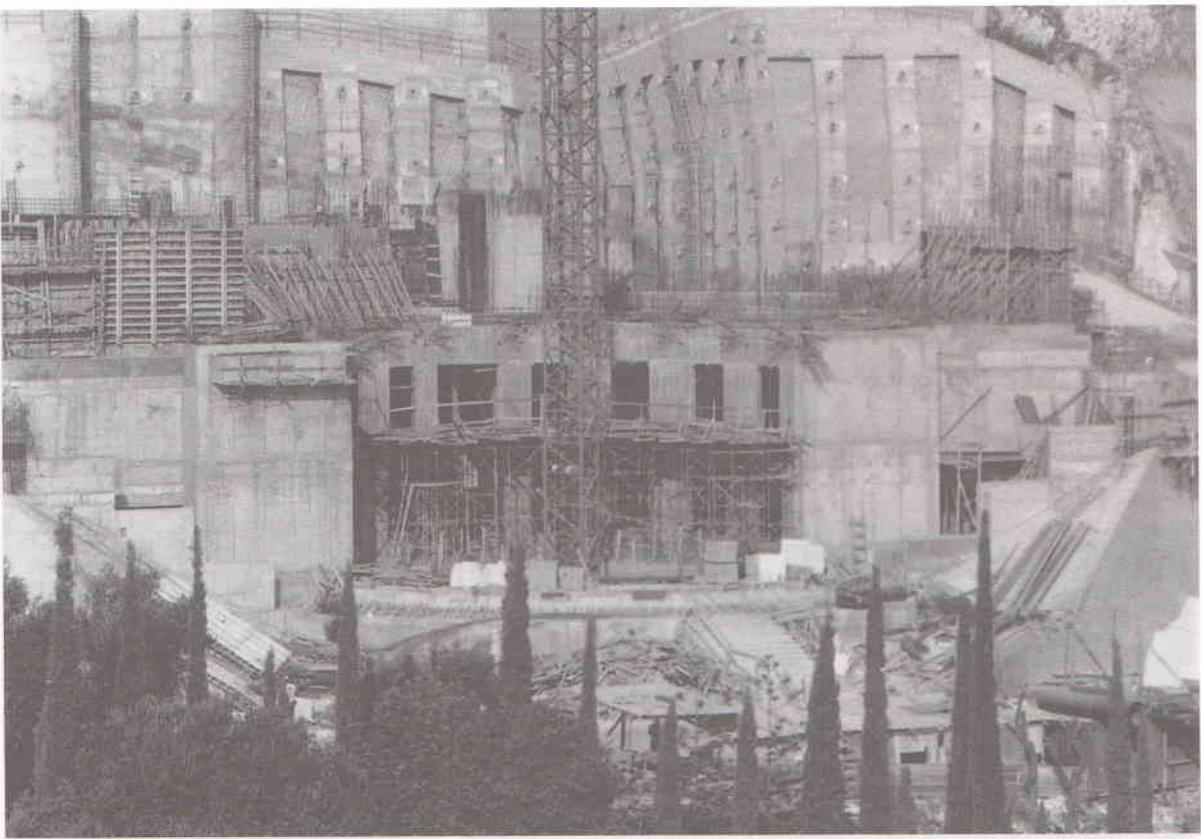
(۱) نقل از مائدۀ آسمانی جلد پنجم



تصاویر پیشرفتهای اینیه قوس کوه کرمل

(سپتامبر ۱۹۹۵) عکاس روحی ورقا

مأخذ دایره پروژه کوه کرمل



معانی و مقاومتی را که بتفکر و تخیل میساخت و پاره روابطی را که بتجربه و تکرار بدست می آورد ، در هم می آمیخت و طرحهای گوناگون از ساختار عالم وجود میریخت ، شکفت آنکه در این تقلیل روانی ، که چندان هم مبتنی بر واقعیات نبود ، نوع انسان چنان شفته کشت ، که کمتر بمحدویت افکار خود اندیشید و بافته های ذهنی خود را غالباً اصیل و معتبر پنداشت ، اما آنچه که اهل تفکر را طی قرون بخود مشغول داشته و میدارد اینست که آیا خلقت کاینات پدیده یک "اتفاق" کور و گمراه بوده است یا یک "مشیت" مدبّر و آکاه ؟ !

گروهی بر آن شدند که بنیاد نظام هستی نمیتواند ثمرة بند و بست ماده و اتفاق باشد ، زیرا ، قوانین فیزیکی و شیمیانی را ، که از روز نخست بر پدیده ها حکمفرماست بهیچوجه نمیتوان تیجه تصادف پنداشت و نبضان حیات کیاهی و جانوری را صرفاً تغییر کیفیت و انتقال انرژی شمرد و فروغ خرد و نبوغ انسان را اعجاز جرقه ماده مرده تاریک دانست .

گروهی دیگر ، در طریق مطالعه جهان طبیعت ، جای پای خدا را نیافته ، اصرار ورزیدند که عوالم معنوی پنداری بیشتر نیست ، علت وجود اتفاق (Chance) صرف بوده و قوام و دوام آنرا نیروی غیبی ایجاد و ایجاد نکرده است . گوناگونی پدیده ها نیز در اثر پیوستگی و کستگی بی امان جواهر مفردة مادی بوده و بمور دهور ، خود بخود ، نظم خاصی یافته است . فرانسیس بیکن ، فیلسوف و سیاستمدار انگلیسی

آفرینش : اراده یا اتفاق

از روزیکه نوع انسان قدم بعرصه وجود نهاد ، همواره در این اندیشه بود که براز پنهان جهان پی برد ، منشاء عالم و حقیقت آدم را در یابد ، علت دکرگونی پدیده ها را کشف کند ، و بالاخره موحد و محرك دستگاه عظیم آفرینش را بشناسد ، اما چون فکر بشری در آغاز شکوفانی بود ، در توجیه ادراکاتش دچار درماندگیها شد و در بیان یافته هایش بافسانه گوئی پرداخت .

نوع انسان در طلوع هوش خود ، رفته رفته بجریان قواعد علی پی برد ، زمان را بگذشته و حال و آینده تقسیم کرد و طبیعت را که با تمام وجود احساس میکرد ، پدیده ای بیماند دانست که بخاطر او بوجود آمده و هریک از جلوه های آنرا ناکزیر آفریننده ای یگانه و بی همتاست که از نیرویی برتر از اندیشه او برخوردار و باداره امور آن در کار است . بعلاوه به تعیین و تخمین مراحل عمر عالم همت گماشت و تصورات خود را شاهد چگونگی خلقت انگاشت و بدینگونه قصه های آفرینش را بساخت . آنگاه بجستجوی نشانه نیروهای ماورای طبیعت پرداخت تا با آنان کنار آید و در مشکلات خود از ایشان استمداد جوید .

بدینصورت ، اساطیر و مذاهب اولیه انسانی پدیدار شدند و بكمک آنها انسان توانست از اجداد حیوانی خود فاصله بگیرد و آداب و سنن اجتماعی و اخلاقی برقرار سازد . مسلمًا عالم وجود بزرگتر از آن بود که در حريم تصوّر انسان جای گیرد ، از اینرو خرد

جزئی از حوزه قابل رویت خویش ، بقياس کلی توسل جسته و بعبارتی مشت را نمونه خروار شمرده اند .

ثانیا . اگر بموجب تئوری بیگ بنگ (Big - Bang) ، که برترین برانگاشت مورد توجه امروز است ، حادث آفرینش با وقوع انفجاری عظیم در ماده اولیه و در لحظه ای کوتاه در گذشته ای محدود و تقریباً معین " ۲۰ - ۱۵ بیلیون سال قبل " تکامل ماده و انرژی را در گوشه ای از آسمان سبب شد ، چرا نمیتوان تکرار آنرا در نقاط دیگر فضا تصور نمود ؟

ثالثا : تئوری بیگ بنگ که تطورات کیهانی را از لحظه ای پس از انفجار تعقیب میکند ، از چگونگی تشکیل و قدمت و طبیعت حالت استثنایی و ثقل گلوله فشرده ماده اصلیه اولیه سخن نمیگوید ، زیرا تصور وجود عالمی قبل از آنرا نشانی از ازلیت عالم کون و دلیلی برای اعتباری اعتقاد بدخلات اتفاق ، در لحظه ای از زمان ، در سرنوشت خلقت میدارد .

رابعا ، جمعی از دانشمندان میگویند که آفرینش از جزئی نوسانی که در مسیر کواتوم اتفاق افتاد ، برخاست و بساخت ماده منجر گشت ، اما نمیگویند که چگونه موجب توزیع یکنواخت آن در فضا گردید ، فیزیک کواتوم که پس از فیزیک نیوتونی تکامل یافت ، بسیاری از مفاهیم عینی و ذهنی ، مفاهیم نجومی و حتی تشخیص اولویت ماده و انرژی را دچار اشکال ساخت . از این پس ، شناخت ماده بعنوان هویتی متشكل از اجزای سخت (Particles) که انرژی را جذب و بصورت امواج مداوم پخش میکنند ، مردود شناخته شد . منطق فیزیک جدید کآواتوم ، این اجزای سازنده را امواج و امواج را اجزاء معرفی میکرد .

میگفت : اتفاق نام چیزی است که وجود ندارد (۱) برخلاف او ، ولتر فیلسوف فرانسوی معتقد بود که : تنها مقام شامخ اتفاق میتواند در باره همه چیز تصمیم بگیرد (۲) .

تفاوت میان دو نظرگاه نشان میدهد که واژه ساده " اتفاق " در چه لایه هانی از ابهامات فلسفی پیچیده است . تعریفی که در فرهنگ لغات از این کلمه می یابیم ، دلالت بر آن دارد که اتفاق اولاً " با اراده و نظم سازگاری ندارد " و ثانیا " شامل مجموعه ای از وقایع و فارغ از هرگونه قاعده و قانون علت و معلولی " است . (۳)

بنابراین ، وقوع هر پیشامد غیر قابل پیش بینی و یا وجود هر پدیده ای را که توجیه آن دشوار باشد ، بسهولت میتوان بدخلات اتفاق نسبت داد ، اما نکته ای که نباید از نظر دور ماند آنستکه علل پیدایش بسیاری از اشیاء و روابط که روزی تصادفی و اتفاقی مینموده ، روز دیگر بواسطه پژوهش‌های انسانی ، کشف و بنچار علمی و منطقی شناخته شده است . در تئوریهای جدید جهانشناسی هم ، اگر چه پرده از بسیاری از رازهای طبیعی برکنار شده ، اما نکات ابهام فراوانی هنوز بجای مانده که اسناد حدوث عالم امکان را بدخلات عامل تصادف و اتفاق ، برای گروه بزرگی از دانشمندان ، بغایت دشوار ساخته است ، زیرا :

اولاً : - کلیة تحقیقات جهانشناسی ، که بر مبنای محاسبات و مشاهدات فضانی و نجومی استوار بوده و با برآز تئوریهای کیهانی منجر گشته ، از دانش عمومی راجع بطرز توزیع و خصوصیات ماده در فضای بیکران ، بی بهره بوده و بر اساس شناختی محدود و

نیز رمزی از اسرار خلقت و تابعی فرمانبردار از نیرویی آگاه و قویتر بوده است.

چه جریان تحول و ترقی عالم وجود را از وحله ای تصور کنیم که ماده و انرژی در تمام جهات پراکنده و با سرعت نور در حرکت می بود ، و چه از برده ای که ایندو احتمالاً حالتی ساکن (Steady State) میداشت ، چنان می بینیم که در روال آفرینش ، باز اتصال کوارک (Quark) تا تشکیل افلاک ، رمزی از شعور و آگاهی نهفته و روندی خاص ، ناظر بایجاد آثار حیات آشکار بوده است و گرنه ، ناگزیر باید پیذیریم که ماده و انرژی حقایق خود را آفریده اند و اتم و مولکول نقش و هدف تطویر و تکامل را بر خود برگزیده اند در چنین حالی ، خلقت همواره یکنواخت میبود و وحدت در کثرتی ، که دخالت خود کلی را ایجاد میکند ، در ممکنات دیده نمیشد .

پل داویس ، که از جمله فیزیکدانان بنام معاصر است ، مینویسد : تنها این حقیقت که عالم وجود از قوانی خلاصه برخوردار و روند آن متوجه ظهور ترکیبات مرکب آلی بوده و این ترکیبات را بقدرتی فرصت داده که آبستن حیات شده و بشکفتمن شعور منجر گردیده ، و یا بعبارت دیگر همینکه عالم آفرینش بخود آگاهی نائل گشته ، برای من دلیل بزرگ و صریحی است که در " پشت پرده " کسی هست و نشان وجود یک طرح مدبرانه در همه جا آشکارا دیده میشود (۱۶) .

رابرت رایت ، مفسر بنام علوم فیزیکی که طرز فکر خود را تئیجه و پروردۀ علوم مادی میداند ، در مقاله مستندی مینویسد : بعقیده کروهی از دانشمندان ، در این عالم چیزی و رای آنچه که بچشم ما میخورد ، در

البته ، یکی از خواص بارز این فیزیک جدید ، توجیه ناپذیری بعضی از قضایای آن بود ، بهمین دلیل ، ریچارد فین من فیزیکدان معروف معاصر ، در یکی از سخنرانیهای علمی خود ، مستمعین را تسلی میداد و میگفت : اگر صحبت مرا کاملاً متوجه نمیشود نگران نباشید ، صادقانه بشما بگویم که فیزیک کواتوم را هیچکس درست نمی فهمد (۱۷)

لهذا ، در استدلال مربوط به عالم آفرینش و انساط متعاقب آن که بگواهی منطق فیزیک کواتوم پشتگرم است ، هرگونه علت نایافته و راز نگشوده را باسانی میتوان ، در مرز ابهام ، بدست قوای اتفاقی سپرد ، بقول جیمز کلیک ، در علم فیزیک کواتوم فرض کلی را بر آن میگیرند ، که برای شناسانی ساختار این عالم ، بهترین روش آنست که مصالح سازنده آنرا یک بیک منزع کنیم تا تنها مواردی باقی مانند که اساسی و ضروری مینمایند ، آنگاه چنین بخود بقبولانیم که تمام مصالحی که فهم ضرورت و اهمیت آنها از عهدۀ ادراک ما بیرون است ، جزئیاتی ناقابل و مسلمًا در خور نسیانند (۱۸)

خامسا ، تردیدی نیست که عالم امکان میدان نسبیت ، دگرگونی ، و اتفاقات است در این جولانگاه نامحدود ، علتها و معلولها یکدیگر را می آفینند ، بهمیگر گره می خورند ، جانشین یکدیگر میشوند ، برهم اثر میگذارند و درهم نفوذ میکنند ، اما هرگاه نیروی اتفاق در جهتی خاص جریان یابد و بصورت عامل انتظامی در ایجاد ترکیبات پیچیده طبیعی و کسب مجموعه اطلاعات لازمه برای ایجاد مواد آلی ارکانیزم حیاتی در آید ، این گمان را تقویت میکند که خود

شاید از هیچ ، از عدم ، اما عدمی که در فیزیک و مکانیک کواترном از آن یاد میشود ، همان خلا نخستینی است که در آن تمام کیمیات فیزیکی نازا بودند ، حال ، اگر ما بهمت اتفاق ، هستی بی از این نیستی بوجود آوریم ، خلاف قواعد فیزیکی عمل نکرده‌ایم (۸)

این قبیل دانشمندان ، پیروان ادیان را متهم میسازند که دیده باسمان دوخته اند که مگر خدا را بیابند ولی خود نیز متهمند که تمام همت خویش را وقف آن ساخته اند که اعتقاد مذاهب را بخلافیت خداوند مدبر توانا ، بی اعتبار جلوه دهنند و حال آنکه کثیری از آنان معتبرند که ظهور ساده ترین مولکول حیاتی ، بطريق تصادفی و اتفاقی ، غیر محتمل و انتساب کلیه صفات رشد و تکامل سلولی با سارار ژنتیکی ترکیبات پروتئین (DNA) اندیشه ای محال و کراف است (۹).

جالب تر آنکه ، در استدلات بعضی از متفکرین در مسئله آفرینش ، نه خدا راه دارد و نه اتفاق . آندره لورلو ، در کتاب قطوری که در نفی وجود خداوند نگاشته است ، مینویسد : ماده اولیه دارای حیات بوده و نیروهای آن باعث خلق پدیده ها گردیده اند ، و چون این قوا ذاتی و از ماده جدایی ناپذیرند ، دیگر در عالم خلق نه جایگاهی برای خداوند وجود دارد و نه مکانی برای تصادف و اتفاق . (۱۰)

سادسا - باید گفت که برانگاشتهای کیهانی عموماً قالب تصویری دارند ، دانسته های علمی انسان بنسبت مجهولات وی هنوز بسیار ناچیز است ، تجسم عظمت ابعاد و تعدد عالم وجود لز حیطة تفکر و تعقل موجود بیرون است ، آنچه را که تنوریها در باب خلقت و

کار است ، یعنی رمزی موّثق و الهی که همه ممکنات را با یکدیگر تلفیق میدهد و مناسب می‌سازد (۷) شواهد فراوان تحقیقات فیزیک نجومی ، حتی یافته هایی که پشتیبان استحکام تنوری بیک بنگ می‌باشند ، بی پرده براین مدعای کواهند که در جریان آفرینش و تکامل عالم خلق ، نقشه و نیت و منظوری در میان بوده است ، زیرا علاوه بر آنکه علت جرقه نخستین بهیج روی مشخص نیست ، تصور بروز کوچکترین تغییر کمی یا کیفی در شرایط اولیه ، قوام ماده و دوام انرژی و انتقال اعجاب انگیز آنرا بانبوه کهکشانها و ثوابت و سیارات پراکنده ، غیر ممکن می‌ساخت . اگر جرم نسبی پروتونها و نوترونها اتم سرموئی عوض می شد ، کاز نیدرزن بوجود نمی آمد و روشان فلکی هرگز پرتو افسانی نمیکردند ، اگر نیروی جاذبه بقدر خردلی افزایش می یافت ، ثوابت نورانی بسرعت می‌سوختند و منظومة سیارات خود را از گرمای جانپرور مادرانه خویش و موهبت پرورش حیات ، حداقل در مزرع خاکی کره زمین ، بکلی محروم می‌ساختند .

بعقیده گروهی دیگر ، که جز ماده و انرژی نیروی دیگری نمی شناسند ، اینگونه افکار که سبب تقویت فلسفه ماورای طبیعی و بیداری احساسات و عواطف خفتة دینی و عرفانی می‌گردد ، « علمی » شناخته نمی‌شود ، از اینرو آنها را از سر تخفیف ، اصطلاحاً مبادی بشر (Anthropic Principles) نامگذاری می‌کنند ، اما بگفته یکی از نویسندها ، اگر از اینان سوال شود که : بالاخره این عالم امکان از کجا آغازید؟ بسادگی می‌گویند :

عالیه و افتدۀ مجرده هر قدر در سماء علم و عرفان طیران نمایند از رتبه ممکن و ماحلۀ فی انفسهم بانفسهم تجاوز نتوانند نمود ” (۱۱) .

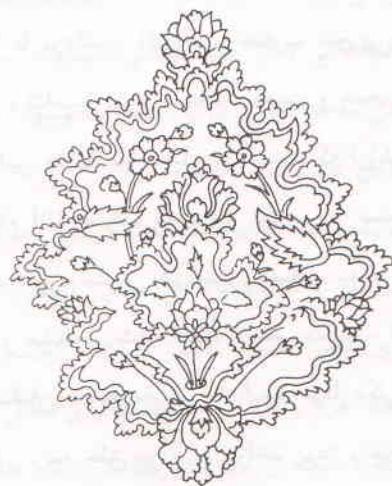
نسبتی که از این راه ، در شناخت حقایق محسوسی برای افراد پیش می‌آید ، سبب می‌شود که برداشت و توجیه امور ، حتی نزد پیشوایان علمی نیز ، همانند و یکنواخت نباشد ، اینشتین ، نابغۀ قرن بیستم ، باوجود آنکه مآل بقبول پویانی زمان و مکان و ارزش قوانین فیزیک کواتوم تن در داد . باز ساده اندیشه وسطی بینی آنرا ، بویژه در روابط منسوب بتشکیل ماده ، نمی‌پسندید ، از اینرو ، با قبول نقش تقدیر (Determination) در آفرینش و نفی بازی اتفاق ، با طنز علمی می‌گفت : خداوند با ما نزد بازی نمی‌کنند ، اما همکاران این دانشمند ، نظرات دیگر داشتند ، پازلس (Pagels) معتقد بود که خداوند البته نزد بازی می‌کند ولی تخته نرد او خانه‌های بیشمار دارد ، نوع انسان ، در هر عهدی ، در یکی از آن خانه‌ها می‌نشیند ، اما ، برای شناخت کلی آن باید بنچار بیکایک خانه‌ها سر برزند (۱۲) ، جوزف فورد برآن بود که : حضرت باری تعالی ، نه تنها با عالم امکان نزد می‌باشد ، بلکه در انداختن مهره‌ها (طاس) تقلب هم روا میدارد ، وظیفه علم فیزیک امروز آنست که رموز تقلب خداوند را بدست آورد و از آن بنفع خود استفاده نماید (۱۲) .

در خاتمه این مقال ، بیان حضرت عبدالبهاء استناد می‌کنیم که می‌فرماید : ” ... از ترکیب و امتزاج این عناصر کائنات غیر متناهی پیدا شد . این ترکیب و ترتیب بحکمت الهی و قدرت قدیمه بیک نظم طبیعی

کتاب و کیفیات آن بیان می‌کنند ، شbahat بشرح حالی ” بیوگرافی ” دارد که نویسنده ای توانا از شخصیتی تاریخی ” الگو مدل ” بنگارد و یا بتصویر و شمایلی که صورتگری چیره دست از او بنماید ، زیرا ، اگرچه هر دو اثر کمابیش نمودار خصایص و خصایل آن شخصند ، اما حقیقت وجودی وی همواره متمایزتر ، برتر ، حقیقتی تر ، واقعی تر و دست نیافتنی تر بوده و خواهد بود .

تئوریهای کیهانی از آنجا که دسترسی و وقوف کامل و محیط بر الگوی خود ” عالم امکان ” ندارند ، تنها بصورت قالبی ، در حد قابلیت فهم و ادراك ذهنی ، معتبرند ، لکن معمولاً ارزش نهانی نداشته و اعتبارشان در آنست که خود بر مقدار شایان توجهی از یافته‌ها (Data) و تحقیقات علمی ذهنی و عینی استوارند ، با این توصیف ، اینگونه تئوریها را که جانشین مدل شده اند ، نمی‌توان معرف حقیقت موصوف شمرد ، چونکه ، حقیقت از هرگونه تعریفات گنگ و مبهم و تخیلات پیچیده و درهم مُبراست . در این برانگاشتها ، در موارد بسیار ، حقایق پدیده‌ها و روابط آنها بتنگناهای قولاب سهل انگاشته و خیالی سپرده شده اند که غالباً با برداشت دلخواه و مطلوب تئوری پردازان از حقیقت ، تناسب دارد ، عدم قطعیت و صحت و شمول مستمر این مدلها باز دلیل بر آنست که ارزش علمی و عملی تمام آنها همواره موقتی و تقریبی و نسبی بوده و برحسب شیوه نگرش هرکس بحقیقت پدیده مادی ، متغیر و مشخص شده است . حضرت بهاء الله در لوح مبارک سلمان ، می‌فرمایند : ” آنچه عرفاً ذکر نموده اند جمیع در رتبه خلق بوده و خواهد بود ، چه که نفوس

4. Time, Vol. 140, No.26, Dec. 1992, P.39
5. James Gleick: "Chaos Making a New Science" , Vicking Penguin, 1987, PP. 184-85.
6. Time , Ibio, P.36
7. Time, Ibio, P. 36
8. Yanic Villediew: " Anatomie de l'univers " , l'Actualite, Vol. 19, No. 12, Aout 1994, P. 34
9. Rifkin, J. Algeny: " A New Word - A new World " , Harmonds worth, Pengin, 1984, P. 231.
10. Andre Lorulot: " , Pourquoi Je Suis Athée ? " : Edition de Lidee Libre, Seine-et-Oise, 1957, P.93
- 11 - رک : منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله ، چاپ لانگهاین ، آلمان ، ۱۴۱ بدبیع ، ص ۲۰۴
- 12 - Robert Barry : " A Theory of Almost Everything", One World, Oxford, 1993, P. 80
- 13 James Gleick: " Choos Making a New Science, P. 314
- 14 - مفاوضات ، ص ۱۲۸
- 15 - خطابات ، ج ۱ ، چاپ مصر ، ۱۹۲۱ ، ص ۲۷۴
- 16 - Pierre, P. Grasse: " Evolution of Living Organism " Academic Press, N.Y., 1977, P.93



ظاهر کشت ، و چون بنظم طبیعی در کمال اتقان و مطابق حکمت ، در تحت قانون کلی ترکیب و امتزاج یافت ، واضح است که ایجاد الهی است نه ترکیب و ترتیب تصادفی ، زیرا که ایجاد اینست که از هر ترکیبی ، کائنی موجود شود . اما از ترکیب تصادفی ، هیچ کائنی موجود نگردد . (۱۴)

مادیون میگویند : « مadam که وجود اشیاء عبارت از ترکیب است و موت اشیاء عبارت از تحلیل چه احتیاج بصنایع قدیر فرید ، ولی آنقدر ملاحظه نسی نمایند که ترکیب منحل بسه قسم میشود : یا ترکیب عناصر تصادفی است ، یا ترکیب لزوم ذاتی است ، یا ترکیب باراده حیّ قدیر ، اکر بگوئیم ترکیب عناصر ترکیب تصادفی است ، باید قائل بمعلول بی علت شویم و این واضح البطلان است » (۱۵)

اکنون اگر اذعان کنیم که با همه قدرت دید عظیمی که علم امروز بما می بخشد ، در مسئله آفرینش ، جز (پرده ای) در مقابل نمی بینیم ، آیا میتوانیم با اطمینان مدعی شویم که در پشت آن پرده " چیزی " نهفته نیست ؟ ! آیا بگفته هانزی پوانکاره ، پذیرش عاملی بنام " اتفاق " در خلقت عالم امکان ، " شاخص میزان جهالت " ما نخواهد بود ؟ (۱۶)

منابع مورد استناد این مقاله :

1. Will Durant: " The Story of Philosophy " , Garden City Publishing Co., N.Y., 1927, P. 135
2. Francis Bacon: ? New Organon " , Cited in: The Story of Philosophy" , P. 179
3. Dictionnaire Littré.

هوشنگ یزدانی



بدون اطلاع خانواده و بدون اجرای مراسم بهائی دفن میگردد . روح پاکش در عالم بالا قرین بهجت و سرور باد . علیه رحمة الله و بهانه از ایشان دو پسر و یک دختر بنامهای فرامرز ، فزاد و زیلا باقی است که بحمدالله کل در ظل امر ثابت و مستقیم میباشد .



شرح حال شهید مجید

جناب یدالله صابریان علیه رضوان الله

یکی از شهدای امر در سالهای اول انقلاب اسلامی ایران جناب یدالله صابریان می باشند . پدر بزرگوارشان که از متمولین و ثروتمندان سمنان و فردی مسلمان بوده با یکی از احباب بنام مفتون آشنا کشته تا اینکه بواسطه پاکی طینت و حسن طویت مفتون جمال حضرت احادیث گردیده بجمع بهائیان می پیوندد . ایشان در سال ۱۲۹۹ شمسی صاحب فرزندی میشوند که نام او را " یدالله " می گذارند .

جناب یدالله صابریان پس از وصول به سن بلوغ شخصا در صدد تحقیق برآمده و به امر مبارک مؤمن و در سک خادمین آئین مقدس بهائی در می آید . چند سال بعد سمنان را به قصد طهران ترک و در آنجا مقیم گشته در سن ۲۱ سالگی با صیبه جناب آزدگان از احبابی کاشان ازدواج می نماید .

جناب صابریان حدود ده سال در سمت منشی محل مقدس روحانی " نارمک " (حومه طهران) به خدمت مشغول و در اواخر ایام حیات پرافتخارش عضو لجنه تبلیغ منطقه ای و مدیر چاپخانه بدیع طهران بوده اند . جناب صابریان در تاریخ نهم فوریه ۱۹۸۲ میلادی توسط پاسداران انقلاب اسلامی دستگیر و زندانی میشود و چون حاضر به تبری از انتصاب به دیانت بهانی نگردید پس از دوسال و دوماه زندانی بودن در تاریخ ۱۲ آپریل ۱۹۸۴ به رتبه پرافتخار شهادت فائز و

دوست

دیده غلط میکند، نیست غلط ، اوست اوست

(نعمی)

از بخت شور ما است که این بود آن نبود

+ هوشمند فتح اعظم (

دوست ما را ، وهمه نعمت فردوس شما را

(سعدی)

تا کنم جان از سر رغبت فدای نام دوست

(حافظ)

مرا ز هر دو جهان حاصل آن نفس باشد

(حافظ)

خبر ندارم اگر دوستان خبر گیرند

(استاد محمد علی سلمانی)

داند که چنو یاک بت دمساز نیاید

(سنائی)

بیا ز گوشه نشینان خبر دریغ مدار

(حاقانی)

جگر پر درد و دل پر خونم ای دوست

(نظمی گنجوی)

ای دوست توراخوانم بر هر درو هر بامی

ای آنکه بود نامت ، راس همه اسا

باز درآمد زدر، جلوه کنان دوست دوست

شرط لیاقت است و طلب قرب دوست را

گرمخیز بکنندم بقیامت که چه خواهی

مرحبا ای پیک مشتاقان بگو پیغام دوست

اگر بهر دو جهان یک نفس زنم با دوست

چنان زغیر توبیگانه کشته ام که ز خویش

رفتست بر دوست نیاید بر من دل

پیام دوست ، نسیم سحر ، دریغ مدار

مرا پرسی که چونم ، چونم ای دوست

دکتر وحید رفعتی

امرا الله . . . حمد خدا را که نفوس نفیسه مبعوث فرمود
که چون بنیان مرصوص مقاومت مهاجمین بر مقام
منصوص مینمایند و چون زجاج سراج امر الله را از
اریاح نقض حفظ میکنند فنعم مثل القوم الذين ثبتوا
علی المیثاق و حفظوا سراج الافق من اریاح الشقاق الا
انهم اعلام الاشراق علی التلول و السهل و الصروح و ابلى
قلل الجبال اما اهل فتور این بیچارگان پیشمانند ولی
پیکان چون از کمان بجست ارجاععش مشکل است النار
و لا العار را فراموش ننمایند لهذا آن حضرت نصیحت
نمایند فمن شاء فليقبل و من شاء فليعرض آن الله
غنى حمید . . . » (۴)

ضرب المثل « النار و لا العار » را به این مفهوم است
اگر فردی در آتش بسوزد بهتر از آن است که در نگ
زندگی کند . خواجه عبدالله انصاری در تفسیر کشف
الاسرار و عدة الابرار در ذیل آیه قرآنیه « فویل
للذین یکتبون الكتاب بایدیهم » (سوره بقره آیه ۷۹)
آورده است که :

« محمد بن حسان گفت - آن چهارکلمه است که
دوخیان به پارسی گویند - وای از نام وای از ننگ
وای از نیاز وای از آز ، وای از نام - یعنی وای بر
من که در دنیا نام طلب کردم ، وای از ننگ که
میگفتم ، نار و لا عار - وای از نیاز یعنی درویشی که
سر همه بلاست . وای از آز یعنی از حرص که قاعده
همه شهوت است . » (۵)

بیت لیث بن سیار که آن را عبدالقدیر رازی در امثال
و حکم خود آورده شاهدی برای این ضرب المثل است
که فرمود :

سیری در آثار مبارکه بهائی چند ضرب المثل

النادر كالمعدوم

حضرت عبدالبهاء در لوح جناب آقا محمد علی خان
بهائی میفرمایند : « ای ثابت بر پیمان خبر وصول به
کرمان رسید و نامه ملاحظه کردید . . . ایران محتاج
تربیت است هنوز نفوس آگاه مهمی در انجمن ایران
جلوه ننموده و اگر باشد النادر كالمعدوم است ولی از
قرار معلوم در آن سامان جوانهای زیرک با استعداد
موجود اگر به کمالات انسانی تربیت شوند سبب عزت
ابدیة ایران و ایرانیان گردند . . . » (۱)

ضرب المثل « النادر كالمعدوم » را دهخدا در کتاب
امثال و حکم خود ثبت نموده و در ذیل آن چنین
آورده است : « نظیر : استثناء قاعده نباشد » و نظیر
ضرب المثل فارسی که می گویند « از یک کل بهار
نمیشود » و یا « از یک پرستو تابستان نشود » (۲)
کلام سعدی ناظر به مفهوم « النادر كالمعدوم » است که
در باب سوم گلستان فرمود : « . . . ای پسر ، در
این نوبت ، تو را فلک یاوری کرد و اقبال رهبری تا
صاحب دولتی به تو رسید و بر تو به بخشایند و کسر
حال تو را به تفقدی جبر کرد و چنین اتفاق نادر افتاد
و بر نادر حکم نتوان کرد . . . » (۳)

النار و لا النار

حضرت عبدالبهاء در لوح جناب آقا میرزا علی در
تبریز میفرمایند : « يا من تشعر عن الذليل في خدمة

المورد العذب كثیر الازدحام

در لوحی که به ظن قوی به اعزاز جناب آقا محمد مصطفی بعدادی در بیروت صادر شده حضرت عبدالبهاء چنین میفرمایند : « هولقیوم - ایها الثابت الراسخ علی عهدالله و میثاقه حضرات مسافرات بعثتہ بر سر شما هجوم نمودند . مثل مشهور است المورد العذب کثیر الازدحام باری شما باید زحمات ما را بکشید چاره ندارید اجرکم علی الذی قدر لكم کل خیر فی ملکوتھ .. . »

عبدالقادر رازی این ضرب المثل را به صورت « « والنهل العذب کثیر الزحام » آورده است . (۱۰) این عبارت مصرع دوم بیت ذیل از بشار بن برد (فوت ۱۶۷ هـ) است که گفت :

« یزدحم النأس علی بابه

و المنهل العذب کثیر الزحام »

مفهوم مصرع آن که آبشخوار گوارا همیشه پر از جمعیت است .

بیت بشار بن برد یادآور ایيات سعدی در کتاب کلستان است که می فرماید :

کس نبیند که تشنگان حجاز

به لب آب شور گرد آینه

هرکجا چشمے ای بود شیرین

مردم و مرغ و مور گرد آیند » (۱۱)

در توضیحات آقای دکتر غلامحسین یوسفی بر بیت « هرکجا چشمے ای » چنین آمده است .

« ... این مضمون راسعدی بصورتهای مختلف گفته است : مشرب شیرین نبود بی زحام

دعوت منعم نبود بی فقیر

(غزلیات ۱۶۵)

« النار لا العار فكن سيدا

فر من العار الى النار » (۶)
دهخدا نیز ضرب المثل « النار و لا العار » را در امثال و حکم خود مندرج فرمود و در ذیل آن چنین آورده است : « سوختن به آتش به که در تنگ زیستن ، تمثیل »

در بزم همه لفظ تو آگنده بدانش
در رزم همه قول تو النار و لا العار
(قطران)

هرکس بجز از تو بجهانداری بنشت
بیدادگر است و ملک بیخرد و مست
دادار جهان ملک جهان وقف تو کردست
نیکو مثلی گفته است النار و لا العار
(منوجهری)

نظیر المتنیة ولا الدنیة » (۷)

کلام اخیر از حضرت امیر المؤمنین است به این معنی که مرگ از پستی و ذلت خوشتر و گوارانتر است . (۸)
حضرت امیرالمؤمنین در یکی از خطب خود به « النار و لا العار » استشهاد نموده چنین میفرمایند :

« .. تقولون : النار و لا العار ! کانکم تریدون ان تکفناه الاسلام علی وجه اتهاما لحریمه و نقضا لیثاقه الذی وضعه الله لكم حرما فی ارضه و امنا بین خلقه ... » (۹)

مفهوم کلام حضرت امیر آنکه شما میگوینید که آتش جهنم بر زندگی با تنک و زشتی مرجع است . اما گونی میخواهید اسلام را بر زمین بیندازید و شرافتش را لکه دار کنید و میثاقش را بشکنید . میثاقی که خدا آن را برای شما وضع فرمود تا حرمی مقدس در روی زمین و پناهگاهی برای خلق او باشد .

ای بر در سرایت غوغای عشقبازان

همچون بر آب شیرین، آشوب کاروانی

(غزلیات ۲۴۴)

تو آن جواد زمانی کز ازدحام عوام

درت به مشرب شیرین کاروان ماند

(مواعظ ۲۲)

در زبان عربی مثل است : آن التندی حیث ترى

الضفاط (مجمع الامثال ۱۲۰/۱) : هرجا ازدحام می بینی

همانا نم آب و باران است، بشارین برد نیز گفته است :

تزدحم (یزدحم ؟) الناس على بابه

والمنهل العذب كثير الاذحام

مردم بر درگاه او انبوه می شوند ، آبشخور شیرین پر

ازدحام است (المتنبی و سعدی ۱۷۲) ، نیز رک :

ارمنان نوید ۵۱ - ۵۲ دو بیت لطیف زیر از غزل

سعدی هم یاد آور مضمون ابیات گلستان تواند بود

ناچار هر که صاحب روی نکو بود

هرجا که بگذرد همه چشمی در او بود

ای کل تو نیز شوخي بلبل معاف دار

کان جا که رنگ و بوی بود گفتگو بود

(غزلیات ۱۲۸)

یادداشت ها

۱ - برای ملاحظه شرح احوال جناب محمد علی خان بهانی

به کتاب آقای عزیز الله سلیمانی موسوم به مصابیح هدایت

(طهران ، مؤسسه ملی مطبوعا ، ۱۲۰ ب ۱ ج ۸ ، ص ۲۲۲ - ۲۷۰) مراجعه فرمائید .

۲ - علی اکبر دهخدا ، امثال و حکم (طهران : امیر کبیر ،

۱۲۶۲ ، ج ۱ ، ص ۲۷۵ و ۱۶۶)

۳ - سعدی ، گلستان (طهران : خوارزمی ، ۱۲۶۸)

تصحیح غلامحسین یوسفی ، ص ۱۲۵

۴ - حضرت عبدالبهاء مجموعه مکاتیب حضرت عبدالبهاء

۱ - طهران : لجنة ملی محفظه آثار ، ۱۲۲ ب ۱ شماره ۸۹ ،

ص ۱۹۲ - ۱۹۳

۵ - ابوالفضل میبدی ، کشف الاسرار وعدة الابرار (طهران

: امیرکبیر ۱۲۶۱) ، ج ۱ ، ص ۲۴۵

۶ - عبدالقدار رازی ، امثال و حکم (طهران : دانشگاه

تهران ، ۱۲۶۸) ، ص ۸۱ ، معنی بیت آنکه « آتش را

برگزین و ننگ را انتخاب مکن پس سرور باش و از ننگ

سوی آتش بگریز . » (ص ۱۰۶)

۷ - مأخذ شماره ۲ ، ص ۲۷۵ ، ابیات منوجهری به نقل از

دیوان او (طهران : زوار ۱۲۶۲ ه ش) به کوشش دکتر

محمد دبیر سیاقی ، ص ۱۵۴ چنین است :

هرکو بجز از تو به جهانداری بنشتست

بیدادگر استای ملک و بی خرد و مست

دادار جهان ملک جهان وقف تو کردست

بر وقف خدا هیچکسی را نبود دست

از وقف کسان دست بباید بسرا بست

نیکو مثلی گفته است « النار و لا العار »

۸ - نگاه کنید به کتاب غرر الحكم و درر الكلم (طهران :

دانشگاه تهران ، ۱۲۶۰) ، ج ۱ ، ص ۹۸ اثر عبدالواحد

تمیمی آمدی ا بشرح جمال الدین محمد خوانساری .

۹ - علی بن ابی طالب ، نهج البلاغه (بیروت : دارالكتب

اللبنانی ۱۹۸۲) ، به سعی دکتر صبحی الصالح ، ص ۲۹۹

۱۰ - مأخذ شماره ۶ ، ص ۲۲۵

۱۱ - سعدی شیرازی ، گلستان (طهران ، خوارزمی ،

۱۲۶۸ ه ش) ، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین

یوسفی ، ص ۶۸

۱۲ - مأخذ فوق ، ص ۲۷۰

دو قسمت قبلی این سلسله مقالات در مجله عنديلیب شماره

۵۲ و ۵۵ به طبع رسیده است بررسی مطالعه شرح مربوط به

سابقه انتشار این مقالات به مجله عنديلیب شماره ۵۲

(ازمستان ۱۵۱ بدیع ، پاورقی مندرجہ در صفحہ ۲۰)

مراجعه فرمائید .

نیستند ولی مشتاق آثار مبارکه و مباحث منتشره در عنديليب ميباشند شخصا آن را تكميل و به عنديليب ارسال داريد تا بعنوان هديه برای آنان بنام شما فرستاده شود و بدینوسیله دلهای آنان شاد و مستبشر گردد.

عندليب

بقيه از صفحه ۴۲

المؤمنين فاعتبروا يا اولى الابصار .
(اوست آنکه بیرون کرد آنرا که کافر شدند از اهل کتاب از دیارشان در اول راندن گمان نبرده بودید که بیرون روند و گمان برده بودند ایشان باز دارندشانست حصارهایشان از خدا پس آمد ایشان را خدا از جائیکه گمان نبرده بودند و انداخت در دلهایشان هراس که خراب میکردند خانهایشان را بدستهای خودشان و دستهای مؤمنین پس عربت گیرید این صحابان دیدها) .

۷۵ - عبدالله بن عمر - ابوالخیر ناصرالدین بیضاوی متولد بسال ۶۸۵ هجری قمری در بیضاء در نزدیکی شیراز و از جمله مفسرین نامی قرآن در بین اهل سنت است . از کتابهای معروفش " انوار التنزيل و اسرار التأويل " .

۷۶ - قرآن کریم - سورة الاسراء یا بنی اسرائیل (۱۷) آیه ۱ - آیه کامل چنین است : سبحان الذي اسرى بعده ليلًا من المسجد الحرام الى المسجد الاقصى الذي باركنا حوله لنزبه من آياتنا انه هوالسميع البصير (دامن پاک بودن آنکه برد بشب بنده اشرا از مسجد الحرام بمسجد اقصی که برکت دادیم پیرامونش را تا بنمایم او را از آیتهای خود بدرستی که اوست او شنواي بینا) .

۷۷ - ايضا سورة ق (۵۰) آیه ۴۱ (و بشنو روزی که ندا میکند ندا کنده از جانی نزدیک)

۷۸ - ايضا سورة ق (۵۰) آیه ۴۲ (روزیکه می شنوند فریاد را براستی آنست روز بیرون آمدن)

۷۹ - خواجه شمس الدین محمد حافظ شیرازی معروف به " لسان الغیب " فرزند بهاء الدین معروف‌ترین شاعر عارف قرن هشتم هجری در ایران ، تاریخ وفاتش را علامه قزوینی بسال ۷۹۲ هجری نوشته است .

دوستان عزیز بهائی و خوانندگان و

مشترکین ارجمند

قریان شما یاران با وفا ، شما و ما هر دو میدانیم که خزان پانیز عنديليب خوشنا را هرگز پژمرده ، افسرده ننماید ولی یکسال بر عمرش میافزاید ، پس با انتشار شماره ۵۶ (مجله حاضر) زمان چهارده سالگی عنديليب سر آمده و این مرغ خوشگو در شدت سرمای شتا آنهم در زمستان کانادا جشن تولد پانزده سالگی یعنی بلوغ شرعی خود را آغاز مینماید ، خیلی هم خشنود است چون همه فصول را بهار میداند و با وجود آنکه مخارجش هم بیش از دو برابر شده ولی قناعت را پیشه خود ساخته و بهمان ۴۰ دلار سالهای قبل راضی است ، ولی بزیان حال به شما یاران وفادار میگوید :

ای دوستان خدا ، این دو ورقه اشتراك داخل مجله را بروداشته بخوانید ، روی یکی از آنها شماره کامپیوتور نوشته شده ، آن ورقه تعلق بمشترك دارد لطفا آنرا زودتر تکمیل و بفرستید تا عنديليب هزینه هایش را بتواند بموقع بپردازد ، ورقه دیگر اشتراك برای یادآوری است که اگر منسوبان و یا دوستان شما مشترك نیستند ، با همت عالی خود آنان را تشویق باشتراك نمائید و یا بعنوان هديه برای احبابی نقاط بعيده و مهاجرین میادین خدمت که بعلت کمی درآمد قادر بپرداخت حق اشتراك

لذتِ روحانی

فرهنگ مقبلین (الهام)

بی فروغت چه کند عالم ظلمانی را ؟
 بی توچون طرد کند خواهش نفسانی را ؟
 میر از یاد خود، این بندۀ زندانی را
 رشگِ فردوس کند ، عرصه شیطانی را
 چون گذارم زکف این روضه رضوانی را
 از خدا میطلبم ، لذت روحانی را
 رنگِ شب تیره کند ، دیده نورانی را
 کی شود قدر کم آن ، درگ سلطانی را ؟

طوطی طبع تو (الهام)، شد از غصه خموش
 آرزومند بود ، ساحت ربانی را

یا بها گر نرسد نور تو این فانی را
 بسته دام دل و خسته ویرانه گل
 ای تو شاهنشه آزاده و آزادی بخش
 یک نسیم از سرکوبیت که عبادتگه ماست
 یاد الطاف تو خلد من و رضوان منست
 خوشی جسم نخواهم، کسرابست و فریب
 روشنی خواهی اگر، دور شواز ظلمت تن
 بفقیری که ز تو جز تو تمّنی نکند

مبنای داوری

دلیله ثابت طبیعی

دیو هوس به معبد دلها خدا شود
 صد آه سینه سوز بلبها ندا شود
 مبنای داوری به نژاد و طلا شود
 اینک برای صاحب خود صد بلاشود
 بنیان پیشرفت ! تملق ! ریا شود
 دین قبله کاه مردم دنیا چرا شود
 هر منطق و دلیل و تحری حیا شود
 عالم چنین بجنگ و جنون مبتلاشود
 در تیرگی جهل جهانی بنا شود

وقتیکه عشق مبتذل و بی بها شود
 روزی که نیست دادرسی اسوی کردگار
 وقتی که مردی وصفا نیست بین خلق
 مهر و وفا که بود مبهات مردمی
 آنگه که کارها بمدار صحیح نیست
 وقتیکه بسته اند صد اوهام گرد دین
 وقتی تعصبات بر افکار چیره شد
 وقتی مدار فخر نشان ها بسینه است
 وقتی چراغ عقل نگیرد ضیاء و نور

درباب بار الله که این خلق بی فنون
 خواهد براین مدار جنون تا کجا شود

(طه)

گذاشته شده در لین دو حرف مستور است . چون جمال مبارک نقاب از چهره برا فکند و مظہر ظہور بر عرش جلال مستوی گشت رموز و اسرار این حروفات مکشفو گشت و ابواب معانی مفتوح گردید و بقول معروف " عروس‌های معانی بی حجاب از قصر روحانی قدم ظہور بعرصه قدم گذاشتند " (۲)، حال بینیم چه معانی و دقائقی میتوان از این حروفات مقطعه استنباط کرد .

۱ - جمال مبارک در آم الکتاب میفرمایند : قوله تعالی : **قُلْ هَذَا لِهِ الْعِلْمُ الْمَكْنُونُ الَّذِي لَنْ يَتَغَيَّرَ لَأَنَّهُ بَدَأَ بِالْطَّاءِ الْمَدَّةِ عَلَى الْإِسْمِ الْمَخْزُونِ الظَّاهِرِ الْمُتَنَعِّنِ الْمُنْبَعِ** " (۴) طه از دو حرف (ط) و (ه) ترکیب شده و (ط) بحساب جمل ۹ و (ه) ۵ میشود چون عدد (ط) با عدد (بهاء) و عدد (ه) با عدد باب مطابق است این آیه اشاره به دو ظہور اعظم حضرت بهاء الله و حضرت باب می باشد . چون ظہور جمالقدم من حيث افاضه اعظم از ظہور حضرت رب اعلی است (ط) در آیه مزبور مقدم بر (ه) است .

۲ -- ولادت جمالقدم در طهران واقع گردید و دو حروف اول کلمه (طهران) طه میباشد " پس در مقامی طه اشاره به محل ولادت محبوب عالمیان است .

۳ - اگر عدد ۵ و ۹ جمع گردد ۱۴ بدست آید ، حضرت رب اعلی در کتاب بیان فارسی ظہور خود را به جوان ۱۲ ساله و ظہور من یظهره الله را به جوان

۱۴ ساله تشییه مینمایند . " (۶)

سن ۱۴ سن بلوغ است و چون ظہور جمالقدم ظہور

در این عصر اعظم که شمس حقیقت از برج اسد طلوع نموده و جمالقدم به اشد اشراق در آفاق و انفس جلوه فرمودند اسرار مودعه کتب قبل مکشفو گشته و باب اسرار بی پایان بر وجه من علی الارض مفتوح شده است . از جمله تفاسیر قلم اعلی بر آیات فرقانیه است که شامل تفسیر سوره والشمس و سوره نور وغیره میباشد . در آغاز بعضی از سور قرآن حروفات جامعاتی بچشم میخورد که بحروفات مقطعات معروف است ، حضرت بهاء الله راجع به این حروفات عالیات چنین میفرمایند قوله الاحلى :

" در حروف مقطعة فرقان اسرار هویه مستور گشته و لنالی احديه در صد این حروف مخزن شده " (۱) در لوح خطاب به میرزا رکاب ساز شیرازی شهید این کلمات عالیات مسطور ، قوله تعالی : " و اما سنت من حروفات المقطعات والصحائف والزیرات فاعلم بان كل واحد من هذه الحروفات لایات للذین يعرفون و فيها رموزات و اشارات و معانی و دلالات لایعقل حرقا منها الَّذِينَ هُمْ كَانُوا فِي رَضْيِ اللَّهِ يَسْلُكُونَ وَ فِي رَضْوَانِ الْعِلْمِ يَحْبَرُونَ " (۲)

شرح و بسط جميع حروفات مقطوعه و تبیین جميع اسرار مودعه در آن مقدور نیست لکن مختصرایکی از آن حروفات را تشریح مینماید و معانی و اشارات مستوره در آن را با استخراج از الواح نازله از اقلام طلعت مقدسه ترقیم مینماید .

یکی از حروفات مقطوعه (طه) است و فی الحقيقة میتوان گفت که اسراری که در سوره " طه " و دیعه

آدم تا ظهور نقطه اولی بشر مراتب مختلفه را طی نموده و از عهد آدم که بشریت مقام نطفه را داشت تا ظهور نقطه بیان که مقام اکساء لحم بود (۷) مظاهر مقدسه همواره بشر را بر پذیرش پیام مقدس جمالبارک مستعد نمودند . سپس ظهور " فتبارک الله احسن الخالقین " واقع شد و در یوم سابع که اشاره به این ظهور اعظم است خداوند بر عرش جلال مستوی کشت . منظور از خداوند در آیه مبارکه جمالبارک میباشد . در قرآن مجید هم اشاره به خلق سموات و ارض گشته ، چنانچه میفرماید : " بدبیع السموات و الارض و اذا قضی امرا فانما يقول له کن فيكون " (۸) کلمه "کن " اشاره به قوه خلقت حق جل جله است ، لیکن معانی دیگر نیز از این آیه استنباط میگردد . " کن " از دو حرف تشکیل گشته ، کاف و نون ، خواهشمندم به دو محاسبه ذیل توجه نماید :

$$\text{کاف} = \text{ک} + \text{ا} + \text{ف} = ۱۰۱ + ۱ + ۲۰ = ۱۳۲$$

$$\text{نون} = \text{ن} + \text{و} + \text{ن} = ۱۰۶ + ۵۰ + ۶ = ۱۶۲$$

حال اگر عدد ۱۰۱ و ۱۶۲ در عدد ۲ تصریب شود اعداد مادون بدست میآید :

$$101 \times 2 = 202 = \text{علی محمد} = \text{رب} ، \text{اشارة به نقطه اولی است .}$$

$106 \times 2 = 212 = \text{باب} (\text{باب از سه حرف تشکیل گشته} : \text{ب} ، \text{ا} و \text{ب})$ ، اگر عدد این سه حرف پیش هم قرار گیرد ۲۱۲ بدست میآید .

پس کلمه (کن) به تمامه اشاره به حضرت رب اعلى میباشد . ناگفته نماند که کاف ایضا اشاره به رتبه (احادیث) و نون اشاره به رتبه (واحدیت) حق جل جله است . کمی از مطلب دور افتادیم .

عقل در جهان است ، ظهورشان به جوان ۱۴ ساله تشبیه شده ، مطلب دیگر آنست که هر ظهور بعد اکمل از ظهور قبل بوده و مظهر ظهور جدید اسرار و معانی بیشتری از ظهور قبل برای مؤمنین و مقلوبین مکشوف میسازد ، بدلیل آنکه استعداد ناس در درک معانی الهی و اسرار ربانی بمراتب بیشتر است . از استعداد ناس در ظهور قبل ، از دوره آدم تا عهد خاتم شش ظهور در عالم ظاهر شده . چون خلق سموات ادیان در یوم سنه با تمام رسید ، حضرت باب اظهار امر فرمودند و چون ظهورشان دارای کمالات ظهورات قبلیه بوده ، بعلاوه به کمالات مختصه بظهور خود که مضاعف ظهورات قبلی است ، ظهورشان بجوان ۱۲ ساله تشبیه گشته .

ظهور جمالقدم که مکمل ظهورات قبلی است به جوان ۱۴ ساله تشبیه گشته ، ۶ ظهور قبل بعلاوه ظهور حضرت باب ۷ ظهور میشود ، ظهور جمال اقدس ابھی دارای جمیع کمالات این هفت ظهور است ، بعلاوه آنکه عظمت این ظهور چنین اقتضاء نموده که شوکت ظهور جمالقدم مضاعف ظهورات قبلی شود و " هفت " چون در " دو " تصریب گردد ۱۴ میشود .

البته احبابی الهی مطلع هستند که مطلب خلق سموات و ارض در سنه ایام که در کتب مقدسه قبل نازل گردیده و کرارا و مرارا مورد بحث علماء و فقهاء قرار گرفته است . در تورات است که خداوند در سنه ایام ارض و سماء را خلق نمود ، این اشاره به سموات ادیان است که در شش روز خلق شد و هر روز بقاعده الهیه هزار سال است در یوم سابع جمالقدم جل اسمه الاعظم بر عرش ظهور مستوی گشتند . از ظهور

نازله از اقلام این دو مظہر حق استنباط میگردد . چون عدد ۱۴۲ را از عدد ۱۵۶ کم کنیم ۱۴ بدست آید که اشاره به (طه) است و همچنین اگر عدد عظیم را بر عدد اعظم تفریق نمائیم ۱۴ بدست می آید .

۷ - در لوح فوق الذکر این کتاب دریات از یراعه غالبه جمال اقدس ابھی نازل ، قوله عز بیانه : " فاعلم بان الفرق فی العدد اربعۃ عشر و هذا عدد الباء اذا تحسب الهمزة ستة لان شکلها ستة فی قائدة الهندسه " میفرمایند اگر همزة کلمه (بھاء) بصورت عدد شش حساب گردد ، در محاسبه عدد چهارده بدست آید .

بھاء = ب + ۱ + ۵ + ۲ = ۶ + ۱ + ۵ = طه
پس طه اشاره به ذات مقدس جمالقدم است که بھاء باشد .

ماخذ

- ۱ - کتاب ایقان صفحه ۱۵۶
- ۲ - ماندہ آسمانی جلد ۴ صفحه ۵۸
- ۳ - کتاب ایقان صفحه ۱۲۶
- ۴ - کتاب مستطاب اقدس آیه ۲۹
- ۵ - سورہ ص آیه ۸۸
- ۶ - ر - ک به کتاب محاضرات صفحات ۶۸۰ - ۶۸۲ و بیان فارسی باب ۱۲ واحد ۲
- ۷ - سورہ مؤمنون آیه ۱۴ (و همچنین سوره حج آیه ۵)
- ۸ - سوره بقره آیه ۱۱۷
- ۹ - مجموعه ای از الواح جمال اقدس ابھی ص ۵۸ (لوح اشراقات)
- ۱۰ - سوره حجر آیه ۸۷
- ۱۱ - ماندہ آسمانی جلد ۴ صفحه ۱۷۴



۴ -- چنانچه ذکر شد (طه) بحساب حروف ابجد ۱۴ میشود . حضرت نقطه اولی نام مبارکشان علی محمد است که از ۷ حرف تشکیل شده ، همچنین اسم مبارک جمال قدم حسین علی است که شامل ۷ حرف است . چون دو هفت را جمع نمائیم چهارده شود . گوئیم که هفت رجعت کرده در دو ظهور متعاقب و ۱۴ ماشare به این دو ظهور اعظم است . این معنی از سورة مثانی هم استنباط میگردد . سورة فاتحه از ۷ آیه تشکیل شده و چون دوبار نازل گردیده ، یکبار در مکه و مرّة اخّرى در مدینه ، گوئیم که عدد هفت دو بار تجلی نموده در دو ظهور اعظم حضرت باب و جمالقدم و هفت چون مضاعف گردد ۱۴ شود . " قد نزلت الخطبه مرتین كما نزل المثانی كرتین " مصدق این بیان و " ولقد اتیناك سبعا من المثانی " مؤید این مقال .

۵ - مطلب دیگر آنکه چون عدد ۹ را بر عدد ۵ تضییب نمائیم ۴۵ بدست آید . این عدد با عدد آدم مطابقت میکند و اشاره است به مظہر ظهور الهی جمالقدم جمل اسمه الاعظم همچنانکه حضرت آدم عصر جدیدی را آغاز نمود که امتدادش شش هزار سال بود و حضرت خاتم آنرا با تمام رساند . همچنین حضرت بھاء اللہ دور بدیعی را آغاز نمودند که امتدادش پانصد هزار سال است ..

۶ - لوحی از جمالقدم موجود است که در آن بسیاری از رموز و معانی را تبیین می نمایند . در لوح مزبور میفرمایند که فرق بین قائم و قیوم ۱۴ میشود ، قائم بحساب جمل ۱۴۲ و قیوم ۱۵۶ است . خوانندگان کرامی توجه نمائید که قائم اشاره بحضرت باب و قیوم اشاره به حضرت بھاء اللہ است . چنانکه از الواح متعدد

هدف از تألیف این کتاب بیان حقیقت است و لذا عنوان کتاب را : الدلیل و الارشاد فی ما هو المراد مـا جاء فی القرآن الکریم فی لقاء رب العباد " تعیین کرده است . سپس بذکر چند آیه قرآنیه پرداخته که آئین یزدانی لن یتغیر است و اختلافی در اصول معتقدات نیست ، آنگاه بذکر مقدمه میپردازد و اسلوب نگارش کتاب را بر نحوه مذاکره بین دو نفر تنظیم مینماید . یکی را مسعود مینامید و دیگری را زید ، مسعود به زید میگوید که هنگام بحث و گفتگوی زید با یکی از رفقایش (۱۲) سخن از قیامت و حیات بعد از ممات بیان آمده و نحوه کلام و شرح و توضیح و تفسیرشان را پسندیده و آنرا مطابق و موافق حقیقت یافته ولی مسئله قیامت روشن نشده است زیرا که گفته‌اند یوم قیامت یوم لقاء الله است پس خداوند عز و جل در چه زمان و در چه مکان در جهان ظاهر شد !! و با این سوال رشتہ سخن آغاز میگردد و مطالب ذیل را در بر میگیرد :

- ۱ - لقاء الله و لقاء مظاہر ظهور و بشارات آن .
- ۲ - صفات و اسماء الہیه در مظاہر مقدسه ظاهر است .
- ۳ - اثبات و حدائیت حق و تعدد انبیاء و رسل -
- ۴ - مقصود از بناء عظیم حضرت بهاء الله است .
- ۵ - ادلہ ثابتہ و احادیث کثیره در حقائیقت امر حضرت بهاء الله .

از آنجا که لقاء الہی و تجلی ربیانی از جمله موضوعات مهمه و معتقدات اساسیه شریعت سمحاء است ، لذا بنقل بعضی از مندرجات کتاب مبادرت میشود

حاج احمد حمدی ملاحسین

فصل چهارم :

مطلوب واردہ در کتب منتشره حاج احمد حمدی " الدلیل والارشاد فی لقاء رب العباد "

این کتاب در ۱۹۶۲ صفحه در قطع متوسط تنظیم و در سال ۱۹۶۱ در مطبع البيان در کشور لبنان بچاپ رسیده است . تدوین این کتاب پس از تالیف کتاب دیگر مؤلف ارجمند بنام التبیان و البرهان بانجام رسیده و نویسنده پس از ذکر حمد و نیاز بدرگاه خداوند بی ابزار از اینکه حق علیم وی را در ردیف پیروان امر جمال عز قدیم محسوب فرموده سپاس فراوان تقدیم میدارد . سرآغاز کتاب چنین است :

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين مالك يوم الدين الذي هدانا الى صراطه المستقيم و دينه القويم و انعش قلوبنا ببهوب نسام عنایته و شرح صدورنا بطلع انوار موهبته و افاض علينا من شابیب رحمته ما جعلنا في زمرة هذه الامة الكريمه امة حضرة بهاء الله ، فلو كان كل جزء من اجزائني لساننا ناطقا بحمده و شكره مدى الدهور والاحقاب لم اف بعشر معاشر ما يجب على لهذا التوفيق العظيم و اصلي و اسلم على رسله و انبیائه لاسیما سیدنا محمد الذي بهدیه اهتدینا لهذا الطريق و اتبعنا حضرت بهاء الله بعد الاجتهاد و التحقیق .

مؤلف پس از خطبة اولیه بلافاصله زبان برفع شباهت گشوده و بمنظور ازاله حجباتِ نفوسيکه ادعـا میکنند بهائیان مسئله الوهیت را بنحو دیگری جلوه میدهند و از صراط مستقیم منحرف شده اند متذکر می گردد که

ذات الهی را بشر خاکی هرگز درک ننماید همچنانکه در قرآن مجید سوره الانعام وارد گشته : « لا تدركه الابصار و هو يدرك الابصار و هو الطيف الخبير » (۱۸)

شاعر نیز میگوید :

بنکه ذاتش خرد برد بی

اگر رسد خس بقعر دریا

و ابراهیم الباجوری (۱۹) میگوید که در حدیث آمده « ان الله احتجب عن البصائر كما احتجب عن الابصار و بالجملة لا يعرف الله الا الله فترك الادراك ادراك و البحث عن ذات الله اشراك » و شاعر عرب نیز در همین مضمون چنین سروده است :

قل لا مری رام ادراکا لحالقه

العجز عن ذرك الادراك ادراك

من دان بالحیرة الغراء فهو

لغایة العلم بالرحمن دراك

و اي شخص اي الا تتحققه

فإن غايتها جحد و اشراك

فالعجز عن ذرك التحقیق شمس ضھی

جرت به فوق جو النسک افالك (۲۰)

ج - لقاء مظاهر ظہور عین لقاء الله است :

حال که لقاء ذات واجب الوجود مستحیل است رب رحیم مظاهر ظہور خویش را در بین بشر گسیل داشته تا اهل عالم از نعمت وصال مستفیض گردند و در قرآن مجید در این باره آمده است : « ان الذين يبایعونک انما يبایعون الله (۲۱) و همچنین البخاری روایت نموده که حضرت محمد فرموده اند « من رَأَى فَقْد رَأَى الْحَقَّ » مستله مهمتی را که حاج احمد بدان اشاره نموده است میسئله حلول و تجلی است و تفاسیر

خواننده گرامی را متذکر میدارد که مؤلف جلیل القدر ادله قيمة خویش را مبتنی بر آیات قرآنی و احادیث اهل سنت قرار داده چه که کتاب علی العموم از برای خوانندگان عرب که اکثریت اهل سنت میباشند نگاشته شده است . ضمنا در متن کتاب از استشهاد بآیات باهره جمال اقدس ابھی و تبیینات مشرقه حضرت عبدالبهاء جز در یکی دو مورد ظاهراً امتناع شده است تا مباداً استیحاشی باقی بماند .

الف - لقاء الهی :

حاج احمد بیان مینماید که جای هیچ شک و تردیدی نیست که خداوند غفار در قرآن مجید و رسول اکرم در احادیث بیشمار به لقاء الله بشارت داده اند و حتی این بشارات در کتب مقدسة سابقه نیز مندرج و مسطور است . فی المثل در سوره البقره چنین وارد آمده است « واتقوا الله و اعلموا انکم ملاقوه و بشر المؤمنین » (۱۲) و همچنین در سوره العنكبوت میفرماید « والذین كفروا بآيات الله و لقائه اولنک ینسوا من رحمتی و اولنک لهم عذاب الیم . » (۱۴) و ایضاً در سوره القيامة میفرماید قوله تبارک و تعالی « وجوه یومئذ ناضرة (۱۵) الى ریها ناظرة (۱۶) ، جميع علماء اسلام از فرق و شعب مختلفه در مسئلله تحقق لقاء خداوند متفق القولند . مثلاً در باره همین دو آیه فوق الذکر از سوره القيامة حديثی که البخاری (۱۷) در این زمینه روایت نموده است را نقل میکند : قال النبی صلی الله علیه و سلم انکم سترون ربکم عیانا و مضمون آن بفارسی چنین است « هر آینه خداوندکار خود را رؤیت خواهید نمود . »

ب - لقاء ذات الهی امکان پذیر نیست :

آیات مبارکه بشرح مسائل پرداخته روح مطلب را روش
و واضح مینماید و برای اهل سنت و جماعت مفید
فانده کلیه قرار میگیرد . مثلا آیاتی از قبیل «
واصطنعتك لنفسی » (۲۲) و ما رمیت اذ رمیت و لکن
الله رمی (۲۴) و انَّ الَّذِينَ يَبَايِعُونَنِّكَ إِنَّمَا يَبَايِعُونَاللهَ
(۲۵) و ما ينطق عن الهوى (۲۶) إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَى
(۲۷) که در جمیع این آیات مقصود از ذکر خداوند
مظہر ظہور الهیست ، بنابراین روش و آشکار میگردد
که لقاء مظاہر ظہور عین لقاء رب غفور است و فرمان
آن طلعت قدسیه فرمان حضرت احمدیه و نهی آن
هیاکل نورانیه نهی خداوند یکانه (۲۸) .

د - مقصود از اتیانی حق اتیان مظاہر امر اوست :
حاج احمد حمدی بمنتور روش ساختن نقش مظاہر
ظهور در عالم انسان بشرح و توصیف مسئلله اتیان حق
که در قرآن مجید و احادیث مختلفه اسلامیه مذکور
گردیده مبادرت مینماید و مینگارد که مظاہر ظہور
مرایایی منزه مقدسه ای میباشد که در مقابل افتاد
درخششنده ذات الهی قرار گرفته اند و این مرایا خود
بنفسه آفتاب نیستند ولی بعلت محیوت و فنای کامل
خویش آنچه را که آفتاب فروزان در آنان میتابد بعینه
بعالم وجود منعکس مینمایند . اینست که در آیات
قرآنیه و احادیث مرویه کهگاه ملاحظه میگردد سخن از
کفتگوی اهل عالم با مالک ام بیان آمده که خداوند
خشند گردیده و یا خداوند مشاهده فرموده و یا
نفوس بلقاء الهی مشرف گشته و یا صحبت از اکل و
شرب و غیره بیان آمده است در حالیکه ذات منبع
لایعرف و لایوصفت از این توصیفات بشری بكلی میرا
است و معلوم و مبرهن است که هدف و مقصد از

علامه ابوالثناه محمود شکری اللوysi (۲۲) و ابن عربی
(۲۲) را نقل مینماید بدین مضمون که کره ماه فاقد
نور و تابش آفتاب است بلکه جلوه بدر منیر از
رویاروئی با آفتاب جهاتاب حاصل میگردد . اللوysi
میگوید « ان القمر فی نفسه ليس فيه من نور الشمس
ما انتقلت اليه بذاتها و إنما هو مجلی له كذلك العبد
ليس فيه من خالقه شيئاً ولا حل فيه وإنما هو مجلی له
و خاصة و مظهر له » اللوysi اضافه مینماید کسیکه
درون آینه هویداست نفس و حقیقت شخص نیست
بلکه ذات شخص برون آینه وجود دارد و آینه تجلی
دهنده شخصی است که مقابل آن قرار گرفته باشد
(۲۴) گفتار ابن عربی نیز تشابه کامل با تفسیر اللوysi
دارد چه میگوید و من المعلوم عقلاً انَّ القمر ليس فيه
من نور الشمس شيئاً وإن الشمس ما انتقلت اليه بذاتها
و إنما كان لها مجلی (۲۵)

همچنین فرق میان اتحاد و امتزاج را نیز با شرح و
تفصیل کامل بیان داشته و نظریات مفسرین دیگری
از قبیل ابن المعتز (۲۶) و علامه شهرستانی (۲۷) و
غزالی (۲۸) و شیخ اسماعیل البروسی (۲۹) و بیهقی
(۲۰) و امام احمد بن حنبل (۲۱) را در این زمینه
مسطور داشته و عقیده الجرجانی (۲۲) را نیز اضافه
نموده که میگوید صفت جمال که از صفات الهیه است
به لطف و رضامندی تعلق دارد و صفت جلالت ربیانی
بقهر و غضب حضرت باری .

بررسی و کنجکاوی و تمعن و تعمق در مطالبیکه حاج
احمد حمدی در این قسمت مطرح مذاکره قرار داده
است خواننده را با مفاهیم و مقاصد غائی مفسرین
قرآن کریم آشنا میسازد و چون خود با استفاده از

مشاهده نمود ولی سعادت نیافت و از شقاوتش نکاست و خرقانی چنین تفسیر میکند که ابوجهل رسول اکرم را مشاهده ننمود بلکه شخصی بنام محمد ابن عبدالله را نظاره کرد و اگر براستی حضرت رسول را رؤیت نموده بود به سعادت ابدی دست مییافت و اینست تفسیر واقعی آیه مبارکه « و تراهم ینظرون الیک و هم لا یبصرون » (۴۲)

و - دلائل ده گانه حاج احمد در اثبات دعوة حضرت بهاء الله :

حاج احمد در سبیل اثبات دعوت حضرت بهاء الله ده دلیل ارائه نموده و برای هر دلیلی از آیات قرآنیه و احادیث اسلامیه و تفاسیر مفسرین مهمن استشهاد کرده است و این تفاسیر عموماً مفصل و خود نیاز به شرح و بسط جدایگانه دارد لذا در این باب ما مختصر اذکر ادله حاج احمد اکتفا مینماییم و علاقه مندان بغور و تمعن بیشتری در این مبحث را بمطالعه صفحات ۹۴ الی ۱۸۲ کتاب الدلیل و الارشاد دعوت مینماییم .

دلیل اول : آنچه دلیل بر صدق دعوت حضرت محمد باشد دلیل بر صدق حضرت بهاء الله نیز خواهد بود . پروردگار عالیان در قرآن مجید فرموده است قوله تعالیٰ : « يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مُّوعِظَةٌ مِّنْ رَّبِّكُمْ وَ شَفَاعًا لَّا فِي الصَّدُورِ وَ هَدِيَّ وَ رَحْمَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ » (۴۴) و مقصود از این آیه مبارکه آنست که حضرت محمد با رسالت آسمانیش ناس را از ظلمت جهالت رهائی بخشید و بروشنانی حقیقت هدایت نمود و در امر خویش صادق بود و بهمین ترتیب حضرت بهاء الله نیز با ظهر خود اهل عالم را از شام تیره آزاد فرمود و به صبح هدایت کبری رهنمون گردید .

جمعی این مقوله مظاهر ظهور الهیند و بس و چون این مقصود و مفهوم معلوم گردید معنی آیات دیگری در قرآن مجید واضح و عیان میگردد از قبیل یوم یبعثهم الله فیحلون له کما یحلون لكم ویحسبون اناثهم على شئ الا انهم هم الكاذبون (۲۹) و این بسی واضحست که قسم نزد کسی نمیتوان بجا آورد مگر آنکه در محضر حاضر بود و یا آیه مبارکه یوم یقوم الناس لرب العالمین (۴۰) بدین معنی که روزی که مردم دیده بروی پروردگار میگشایند بجهت تعظیم و اجلال حق قیام خواهند نمود .

در این باب حاج احمد بنقل ترجمه خطابه مبارکه حضرت عبدالبهاء که در کلیسیای سانت جورج در انگلستان ایراد گردیده است مباشرت مینماید که در آن مولای عالیان شرح و تفصیل اوصاف انبیاء الهی را مذکور میفرمایند (۴۱)

۵ - احتجاب ناس :

با بیان مطالب فوق این مستنه باقی میماند که احتجاب ناس از مظاهر ظهور چگونه تفسیر میگردد در حالیکه در مصحف مجید آمده است کلا انهم عن ربهم يومنذ لمحجوبون (۴۲) و در جواب سوالی که اگر مقصود از رب هر آینه مظاهر ظهور باشد انبیاء و رسول در کوچه و بازار در سیر و گردشند و مردم آنانرا مشاهده مینمایند پس چه دلیلی بر احتجاب ناس باقی میماند ؟ حاج احمد به تفصیل شرح و بسط داده و احادیث مفصله و تفاسیر مقنعه مذکور داشته است که نقل آنها در این مقام بتطویل کلام منجر میگردد و بذکر مطلبی که از ابی حسن الخرقانی نقل شده اکتفا مینماییم . میگوید روزی ابوجهل حضرت رسول را

أَتَى لِذِكْرِكَ مِنْ يَاتِي فِي ذِكْرِنِي
بِأَفْضَلِ الذِّكْرِ فِي نَفْسِي وَ فِي مَلَءِ
ذَاكَ الَّهُ الذَّيْ عَمِتْ عَوَارِفَهُ

أَتَى بِهِ السَّيِّدُ الْمَعْصُومُ بِالنَّبَاءِ (٥٤)

دلیل چهارم : دلیلی است مبنی بر اینکه خداوند پس از ظهور محمدی دو بار تجلی خواهد نمود و این مسئله بر اساس حدیثی است که البخاری و مسلم باز اینی هریره روایت کرده اند و مبنی بر اینکه از رسول اکرم سوال شد آیا در روز قیامت خداوند عالیان را خواهیم دید ؟ در جواب میفرمایند « هل تضارون فی الشَّمْسِ لَيْسَ دُونَهَا سَحَابٌ ؟ » و سائل عرض کرد خیر ای رسول خدا و حضرت فرمود « هل تضارون فی الْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ لَيْسَ دُونَهَا سَحَابٌ ؟ » در جواب نیز عرض کرد خیر ای رسول خدا سپس حضرت فرمود « فَإِنَّكُمْ تَرَوْنَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ (٥٥) »

دلیل پنجم - خداوند وهاب در قرآن مجید چنین فرموده : هل ينظرون إلَّا إِنْ يَاتِيهِمُ اللَّهُ فِي ظُلْلِ الْغَمَامِ وَ الْمَلَائِكَةُ وَ قَضَى الْأَمْرُ وَ إِلَيْهِ تَرْجِعُ الْأَمْرُ (٥٦) و حاج احمد از ابوالثناه آلوسی نقل می نماید که بقول این مفسر عظیم الشأن خداوند تعالی نیازی بذکر و تقيید مکان و زمان ندارد و آلوسی متذکر گردیده که « انَّ مِنْ عِلْمِ أَنَّ اللَّهَ أَنْ يَظْهُرَ بِمَا شَاءَ وَ كَيْفَ شَاءَ وَ مَتَى شَاءَ وَ أَنَّهُ فِي حَالٍ ظَهُورِهِ باقٍ عَلَى اطْلَاقِهِ حَتَّىٰ عَنْ قِيدِ الْاطْلَاقِ مُنْزَهٌ عَنِ التَّقْيِيدِ مُبَرِّئٌ عَنِ التَّعْدُدِ » (٥٧) بلکه شرانط بمنظور جلب توجه ناس بظهور مظہر ظهور است و بهمین مناسبت در قرآن مجید نازل و لتعلمن نباء بعد حين (٥٨) و حضرت رب اعلى نیز بشارت بظهور جمال اقدس ایهی داد و فرمود قوله الاعلى :

دلیل دوم : اگر ملت عرب از نصرت مظہر الهی تخلف نمایند ایرانیان بنصرت حق قیام خواهند نمود ، در قرآن کریم آمده است قوله تبارک و تعالی « وَ إِنْ تَتَوَلَّا يَسْتَبَدِلُ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ (٤٥) » که مقصود آنست که اگر اعراب از نصرت شریعت الله سریچی نمایند خداوند ملت دیگری را بجای آنان بر میانگیزد . و از اینی هریره نقل شده است که ما در محضر رسول اکرم حاضر بودیم زمانیکه سوره الجمعة بر حضرت نازل می شد و وقتی حضرت قرانت فرمود « وَ آخَرِينَ مِنْهُمْ لَا يَلْحِقُوا بِهِمْ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (٤٦) » یکی از حاضرین عرض کرد یا رسول الله ولی حضرت جوابی عنایت نفرمودند و سپس دو باره و سه باره تکرار کرد و سلمان فارسی نیز در جمع حاضر بود . ناگهان حضرت دست مبارک را بر سلمان فارسی گذاردۀ فرمودند « لَوْ كَانَ الْإِيمَانُ عِنْدَ ثَرِيَّا لَنَالَ رِجَالُ مِنْ هَؤُلَاءِ » مفهوم بیان مبارک چنین است : اگر لیمان در ثریا باشد هرآینه مردان اینها بدان دست مییابند (٤٧) .

دلیل سوم : ذکر نباء عظیم است که اشاره بظهور موعود میباشد و در فرقان الهی چنین نازل گردیده قوله تعالی : « عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ (٤٨) عَنِ النَّبَاءِ الْعَظِيمِ (٤٩) الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ (٥٠) كَلَّا سِيَعْلَمُونَ (٥١) ثُمَّ كَلَّا سِيَعْلَمُونَ (٥٢) اَكْرَجَهُ بَيْنَ مُفْسِرِينَ در معنی « نباء عظیم » اتفاق رأی وجود ندارد لیکن اکثریت و متحمله ابن عربی (٥٢) معتقدند که مراد از نباء عظیم بظهور ظهور آینده است و این رتبه در شعر ابن عربی دوشن و آشکار میباشد که میگوید :

من يشاء الى صراط مستقيم (٦٩) و مفسرين اسلامي
متفق الرأيند که مقصود از دارالسلام مدینه بغداد
است. لازم بتذکر نیست که بيت الله العظيم در آن
مدینه واقع شده است . ابن عربی نیز گفته :

فسام الحليم عن اسم الصفات

و افطر ذاتا بدار السلام

و قال انا الحق فاستمعوا

بنور التجلی وحسن الكلام (٧٠)

دلیل هشتم - خداوند علیم در قرآن کریم چنین
میفرماید قوله الحليم : " لهم دارالسلام عند ربهم و هو
ولهم " (٧١) بر جمیع معلوم و مبرهن است که مؤمنین
اویله که مورد ظلم و جور و اذیت و آزار ناس در
ایران بودند در جوار رحمت الهی در مدینه بغداد در
رفاه و آسایش میزیستند .

دلیل نهم - در حدیث آمده است که مظہر ظہور بدو
لغت عربی و فارسی تکلم میفرماید و از عصر بن
الموسى نقل گردیده که از ابی امامه چنین روایت
میکند : " انَّ اللَّهَ إِذَا غَضِبَ أَنْزَلَ الْوَحْيَ بِالْعَرَبِيَّةِ إِذَا
رَضِيَ أَنْزَلَ الْوَحْيَ بِالْفَارَسِيَّةِ " و ایضاً از جعفر بن
الزبیر نقل گردیده که از ابی امامه روایت میکند که ان
کلام الذين حول العرش بالفارسية و انَّ اللَّهَ إِذَا أَوْحَى
امراً فِيهِ يُسَرَّ أَوْحَاهُ بِالْعَرَبِيَّةِ و اذا اوحي امرا فيه شدة
اوحة بالعربیة . (٧٢)

دلیل دهم - آیات قرآنیه و احادیث نبویه دلالت بر آن
دارد که مدینه عکا محل نزول جمال کبریا خواهد
بود و حال بنقل چند فقره از آیات کلام الله مجید
مبادرت مینماید : " يوم نحشر المتقين الى الرحمن وFDA " (٧٣)
و همچنین " هو الذى اخرج الذين كفروا من اهل

" و في سنة التسع اتم بلقاء الله ترزقون " (٥٩)
دلیل ششم : مظاہر ظہور نقاب از کشف امر عظیمی
بر خواهند داشت و بهمین دلیل خداوند کریم در
قرآن مجید میفرماید : " يوم يكشف عن ساق و
يدعون الى السجود فلا يستطيعون (٦٠) خاشعة ابصارهم
ترهقهم ذلة و قد كانوا يدعون الى السجود و هم سالمون
(٦١) فذرني و من يكذب هذا الحديث سنستدرجهم
من حيث لا يعلمون (٦٢) و املی لهم ان کبید
متین (٦٢)

مفسرين صاحب نظری چون طبری (٦٤) و زمخشري
(٦٥) و سائر مفسرين عظام جمیعاً معتقدند که مقصود
از " کشف ساق" کشف غطاء است بدین معنی که در
دور جدید که اعظم و افحش ادوار است استعدادات و
قابلیات بر جمیع احتقاب و اکوار سابقه مزیت و برتری
خواهد یافت و لذا کشف غطاء و ازاله حجبات با
ظهور و تجلی رب غفور تحقق میباشد و اینرا به
" کشف ساق " تعبیر می نمایند و می افزایند که
بهمین مناسبت خداوند حمید در قرآن مجید فرموده
است " فَتُولَّ عَنْهُمْ يَوْمَ يَدْعُ الدَّاعَ إِلَى شَيْءٍ ، نَكْرٌ (٦٦)
چه که در حقیقت هیچ امری نزد بشر پیش از تغییر و
تبديل شریعت منکر نمیباشد . ملا صدرای بیانی بدین
مضمون دارد که اکثر مردم پروردگار را از لحاظ
ستایش خداوندگار عبادت نمیکنند بلکه بستایش
معتقدات خود میپردازند (٦٧) حضرت مولی الوری نیز
در لوح مبارک بافتخار فوری همین مضمون را شرح و
بسط میدهند . (٦٨)

دلیل هفتم - خداوند رحیم در مصحف کریم
میفرماید قوله تعالی : والله يدعوا الى دارالسلام و یهدی

بینش مصدقین جدید از هر جهدی فروگذاری ننموده تا هریک چون سپاه نجات بهداشت و راهنمائی نفوس مشتاقه قیام نمایند و کلمه طیبه الهیه را منتشر کنند و بنیان نظم اداری را در آن نقطه مهم استحکام بخشنند. حاج احمد در این اثناء به تدوین مقالات در شرح و بسط موازین امریه پرداخت و بتالیف کتب استدلایه مشغول گشت تا بدین وسیله در سبیل تبلیغ امرایه همتی والا نماید و آیات قرآنیه و احادیث اسلامیه و تفاسیر مشهوره را در دسترس عموم قرار دهد و پرده سوء نیات را بیکسو افکند و افترانات کاذبه را بکلی مردود سازد و حقائق کتب مقدسه را روشن و واضح نماید و در این سبیل بنجاحی جلیل فائز گشت.

بعد از انقضاء جنگ جهانگیر دوم راهی بغداد شد و با عائله در آن مدینه منوره که به حضانت بیت اشرف اقدس ابھی ثمرة وجود مشرف و متباهی است رحل اقامت افکند و متعاقباً به عضویت محفل مقدس روحانی مرکزی بهانیان عراق انتخاب شد و در میدان خدمات اداری با جدیت و متناثر و صبر واستقامت و شوق و شهامت بعوبدیت آستان حضرت احادیث مفتخر گردید . در میدان تبلیغ و تبشير شرع منیر پیشو اقران بود و در بذل مال در سبیل پیشرفت امر حضرت ذوالجلال قدوه یاران . نویسنده این مقال در اثناء کنفرانس کامپالا پس از عروج مولای توانا بر فرع اسماء اروح العالمین لعنایاته الفداء شاهد و ناظر تواقعیت متعدده صادره از کلک اطهر حضرت ولی عزیز امرالله بود که در موقع شتی با لحنی جان افزا از خدمات صادقانه و تبریعات کریمانه این رادمرد عالیقدر تمجید و تحسین فرموده بودند طوبی له و حسن مآب .

الكتاب من ديارهم لـأول الحشر . . . (٧٤) . بيضاوي (٧٥) و البحارى و ديگران متذکر گردیده اند که مقصود از "أول حشر" مدینه شام (دمشق) است و "آخر حشر" قیام آخرالزمان است . و ایضا در قرآن شریف پروردگار عالمیان میفرماید : "سبحان الذي اسرى بعده ليلاً من المسجد الحرام الى المسجد الاقصى الذي باركنا حوله . . ." (٧٦) این روشن و واضح است که مقامات مبارکه حول مسجد اقصی قرار دارد و ایضا میفرماید " و استمع يوم يناد المناد من مكان قريب (٧٧) يوم يسمعون الصيحة بالحق ذلك يوم الخروج (٧٨) و مقصود از مکان قریب مدینه عکا است که در آن ندای الهی بلند شد .

فصل پنجم

خدمات حاج احمد حمدی در ظل تشكیلات امری حاج احمد پس از اینکه تعدادی را در مدینه بصره بظل سراپرده ایقان وارد نمود آنان را تشویق و ترغیب نمود که منویات قلبیه خویش را مبنی بر ایمان بطلعت احادیه و شریعت ربانیه و عبودیت مصحفه بساحت انور مولای بربه معروض دارند و این مؤمنین جدیده نیز هریک عریضه ای باستان مولای مهربان معروض و بشرف جواب از مرکز امر مالک رقاب مفتخر و متباهی گشتند و مولای توانا آنانرا بخدمت آئین یزدانی و انتشار نفعه ربانی و تشکیل محفل روحانی و انقیاد تام از دستورات آن مرجع اداری تحریص و تأکید فرمودند .

حاج احمد در تزیید معلومات و تحکیم مبانی دانش و

لولک نمود . جامعه بهانی عراق با فقدان این تخبة
بینظیر و قدوہ بیمثیل یکی از وجوده نامی خود را از
دست بداد و لکن زحمات عظیم و خدمات جلیله حاج
احمد الی البد باقی و برقرار خواهد ماند زیرا حاج
احمد نفوس مبارکه ای را بشریعة غراء رهنمون
گردیده و کتب و رسائل بارزه ایرا تالیف فرموده است
که کل نام نامیش را در صفحات تاریخ امر نازینین
ثبت و استوار خواهند داشت .

آرامگاه پرانوارش در مدینه قرار دارد ، علیه رضوان الله
و بهانه و غفران الله و ضیائه .

هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد بعشق

ثبت است بر جریده عالم دوام ما (۷۹)

منابع و مراجع

(اتذکر : ترجمه و مضمون آیات قرآنی بفارسی از کتاب
قرآن مجید چاپ کتابفروشی اسلامیه بخط محمد علی
التبریزی الفروی شوال سنه ۱۲۷۱ هجری نقل گردیده
است .)

۱۲ - مقصود کتاب التبیان والبرهان تالیف حاج احمد
حمدی چاپ سنه ۱۹۶۱ در مطبعة البيان لبنان است .

۱۳ - قرآن مجید - سوره البقرة (۲) قسمتی از آیه ۲۲۲ ،
(آیه کامل اینست : " نساوکم حرث لكم ائمی شتم و
قدموا لانفسکم و اتقوا الله و اعلموا انکم ملاقوه و يشر
المؤمنین ") مضمون فارسی " زنان شما کشت زارند مر
شما را پس بیانید کشت زار خود را هرجا خواسته باشید
و مقدم دارید برای خودتان و بترسید از خدا و بدانید
که شما ملاقات کنندگانید او را و مژده ده گروندگان را)

۱۴ - ایضا - سوره العنكبوت (۲۹) آیه ۲۲ (و آنانکه کافر
شدند بآیتهای خدا و برسیدن بجزای او ان کروه نومید
شدند از رحمت من و آنکروه مر ایشانراست عذایی دردنانک
).

۱۵ - ایضا - سوره القيمة (۷۵) آیه ۲۲ (رویه است در
آنروز برافروخته) .

۱۶ - ایضا - سوره القيمة (۷۵) آیه ۲۲ (بسوی
پروردگارش نگرند) .

فصل ششم

صعود حاج احمد حمدی

حاج احمد حمدی همواره با قوت و صلابت تمام در
خدمت باامر مالک انام مداوم بود تا آنکه خزان عمر
بپایان رسید و برد شتا پدیدار گشت . قامت خمیده
شد و سوی چشم نقصان یافت ، تحرك و تجول
دیرینه از میانه رخت بر بست و صریر قلم از بن
برافتاد ، حاج احمد بسبب شدت کهولت راهی مدینه
بصره گشت تا دم اخیر را نزد افراد دلپسند و احفاد
دلبند عائله سپری نماید . نویسنده این مقال صباحی
چند قبل از آنکه طیر روحش به جهان بالا پرواز نماید
و به شرف لقاء سلطان بقا در ملکوت ابهی فائز شود
در مدینه بصره در جوار بستر منیرش حاضر و بعرض
تکبیر و تهنیت به حضورش موفق گردید . آن نفس
جلیل و عالم تحریر که ایام اخیر زندگانی را میگذرانید
از اخبار انتشار و ازدهار امر الهی جویا گشت و پس
از اطمینان خاطر با محبت و صمیمیت و ملاحظت و
عطوفت خاصی زبان بحمد و ثنای جمال مبارک کشود
که بفضل قدیمش شرف ایمان و ایقان عطا فرموده و
موهبت عبودیت و رقیت ارزانی داشته است و تمنا کرد
که دعا و رجا نمائید و باستان طلعت بها استفاده کنید
که تا نفس اخیر موفق بحمد و شکرانه آستانش گرداند
و در اطاعت و انقیاد بیت العدل اعظم الهی سرکز
منصوص و معصوم شریعت سبحانی مؤید و ثابت و
مستقیم بدارد .

باری اجل محتوم سر رسید و در لیله بیستم ماه می
۱۹۷۱ روح پرتوحش قفس تن بشکست و آهنگ ساحت

- الصولی جمع آوری و بنام " دیوان " تسمیه نموده است .
- ۲۷ - محمد ابوالفتح شهرستانی متولد بسال ۱۰۷۶ در خراسان و متوفی بسال ۱۱۵۲ ، مؤلف کتاب " نهایة الاقدام " و کتاب " الملل و التحل " .
- ۲۸ - امام ابوحامد محمد الغزالی ، متولد بسال ۴۵۰ هجری در طابران طوس خراسان از علمای مشهور صوفیه بود و پس از مدتی از این طریق انصراف نمود و به تدریس فلسفه و فقه پرداخت و سپس به بغداد رفت و به تدریس مشغول شد و آنگاه بدمشق انتقال یافت و راه صوفیه را دیگر بار پیش گرفت و پس از سفر باقاهه و مکه معظمه بایران مراجعت نمود و به نیشابور رفت و در طوی بسطل ۵۰۵ بدرود حیات گفت ، از کتب معروف او در اخلاق و تصوف " احیاء العلوم الدین " و در منطق " معیار العلم " و در فلسفه " مقاصد الفلسفه " است . غزالی صدها کتاب برپشته تحریر در آورده و برادرش احمد غزالی نیز از زمره علماء محسوب بوده است .
- ۲۹ - شیخ اسماعیل حقی البروسی یا الاسکوداری ، متولد بسال ۱۶۵۲ و متوفی در سنه ۱۷۲۵ میلادی از بزرگان اهل تصوف و مؤلف کتاب " روح البیان " و " روح المنشوی " و " فرح الروح " میباشد .
- ۳۰ - احمد بن الحسین ابوبکر بیهقی در سال ۴۵۸ هجری قمری در خسروگرد ایران بدنیا آمد و در شهر بیهق نشو و نما نمود و در شهر نیشابور وفات کرد ، بیهقی یکی از فقهای معروف مذهب شافعی و کتابهای بسیاری تألیف نموده است از قبیل " السنن الکبری " و " السنن الصغری " و " المبسوط " .
- ۳۱ - امام احمد حنبل - متوفی بسال ۲۴۱ هجری ، بنیاد کذار فقه و مذهب حنبلی در اسلام ، مذاهب اربعه در عالم سنت عبارتند از حنبلی ، حنفی ، مالکی و شافعی .
- ۳۲ - علی بن محمد الجرجانی متولد بسال ۱۲۲۹ در نزدیکی استرآباد ، تیمور لنگ او را بسمرقد انتقال داد کتب بسیاری بدو لفت فارسی و عربی تالیف نموده است منجمله کتاب " شرح الوافق " و " کتاب التعریفات " میباشد .
- ۳۳ - قرآن مجید ، سوره طه (۲۰) آیه ۴۱ در قرآن‌هاییکه در ایران بچاپ رسیده است شماره این آیه ۴۲ میباشد و مضمون آن بفارسی چنین است : و گزین کردم تو را برای خودم .
- ۳۴ - ایضاً سوره الانفال (۸) آیه ۱۷ که صورت کامل آن چنین است فلم نقتلهم و لكن الله قتلهم و ما رمي اذ رمي و لكن الله رمى و ليلى المؤمنين منه بلاء ان الله سمیع علیم (پس نکشید ایشان را و لیکن خدا کشت ایشان را و نینداختی تو چون انداختی مشت خاک را و لیکن خدا انداخت و تا نعمت دهد مؤمنان را از خود نعمتی خوب
- ۱۷ - البخاری - محمد بن اسماعیل الجعفی متولد سال ۱۹۴ در بخارا و متوفی در ۲۵۶ هجری در سمرقد از معروفترین مورخین و محدثین و فقهاء و حفظ کنندگان آیات بود . کتابش تحت عنوان " الجامع الصحیح " مشتمل بر هزاران حدیث است . کتب دیگر وی کتاب التوحید ، جامع الکبیر ، مسنن الکبیر میباشد .
- ۱۸ - قرآن مجید - سوره الانعام (۶) آیه ۱۰۲ - ۱ در نیابد او را دیده ها و او در میباشد دیده ها را و اوست باریک بین آگاه) .
- ۱۹ - ابراهیم الباجوری متولد بسال ۱۷۸۴ میلادی در باجور (اقلیم مصر) و متوفی در سنه ۱۸۶۰ - صاحب کتاب " الجوهرة صفحه ۲۶ " و " التحفة الخیریه " است و یکی از فقهای مذهبی شافعی میباشد .
- ۲۰ - مقصود شاعر اینست که شخص قادر بدرک خالق نیست و بی بردن بعجز ، نفس درک حقیقت است و شدت حیرت بوجود خداوندکاری بدایت علم میباشد و انصراف از این مسیر شرک محض است .
- ۲۱ - قرآن مجید - سوره الفتح (۴۸) آیه ۱۰ : " ان الذين يبایعونك انما يبایعون الله يدالله فوق ایدهم فمن نکث فانما ینکث على نفسه و من او فی بما عاهد عليه الله فسیوتیه اجرا عظیماً (بدرستی که آنانکه بیعت کردنده با تو جز این نیست که بیعت کردنده با خدا دست خدا بالای دست ایشان است پس آنکه شکست عهد نمود پس جز این نیست که میشکند بر خودش و کسیکه وفا کند با آنچه پیمان بست بر آن با خدا پس بزودی میدهد او را اجری عظیم .)
- ۲۲ - ابوالثناء محمود شکری الالوی متولد بسال ۱۸۵۶ میلادی و متوفی در سنه ۱۹۲۴ از علمای مشهور کشور عراق ، صاحب کتاب تفسیر بعنوان " روح المعانی " .
- ۲۳ - ابن العربی ، محبی الدین محمد ابن علی الحاتمی الطائی متولد در اندلس (اسپانیا) و متوفی در سنته ۵۲۸ هجری ۱۲۴۰ میلادی در دمشق (سوریه) و از صنادید شیخیه محسوب و ملقب به شیخ الاکبر است . دارای تالیقاتی متجاوز از ۴۰۰ مجلد میباشد که معروفترین آنان " الفتوحات المکیة فی معرفة الاسرار الملاکیة و الملکیة " و " جامع الاحکام " رجوع شود بكتاب المعجم الصوفی ، الحکمة فی حدود الكلمة ، تأليف الدكتورة سعاد الحکیم از نشریات المؤسسة الجامعیه للدراسات و النشر و التوزیع ، بیروت ، لبنان .
- ۲۴ - رجوع شود بمکاتیب حضرت عبدالبهاء جلد دوم .
- ۲۵ - ابوالثناء محمود شکری الالوی - کتاب تفسیر بنام " روح المعانی " .
- ۲۶ - ابوالعباس عبدالله ابن المعتز ، ادیب و شاعر مولود در سنه ۸۶۱ و متوفی در سال ۹۰۸ ، اشعارش را ابوبکر

- ن بحقیقت امدادتان پندی از پروردگارستان و شفانی ری آنچه در سینه هاست و هدایت و رحمتی از برای گروندگان ۱ .
- ۴۵ - ایضا - سوره محمد (۴۷) آیه ۴۰ (بموجب آیه گذاری قرآن چاپ ایران و آیه ۲۸ بموجب آیه گذاری قرآن چاپ بلاد عربیه و ترجمه های انگلیسی) آیه کامل چنین است : ها اتم هولاء تدعون لتنقفو فی سبیل اللہ فنمک من بخل و من بیخل فانما بیخل عن نفسه و اللہ الغنی و انتم الفقراء و ان تتوالوا یستبدل قوما غیرکم ثم لا یکونوا امثالکم (اینکد شما ان کسانید خوانده میشوید تا اتفاق کنید در راه خدا پس از شما کسی است که بخل میکند و آنکه بخل میکند پس باز نیکیرد مگر از خودش و خدا بی نیاز است و شما محتاجانید و اگر روگردانید بدل میآورد گروهی جز شما پس نباشد امثال شما) .
- ۴۶ - ایضا - سوره الجمعة (۶۲) آیه ۲ (و دیگرانند از که لاحق نشند بایشان و اوست عزیز حکیم)
- ۴۷ - مسلم بن الحجاج ابوالحسن القشیری النیشابوری مولود در نیشابور بسال ۲۶۱ هجری و متوفی در همان مدینه و از محدثین معروف عالم اسلامی است و کتابش بنام " صحیح " مشهور است . مولفان کتابهای ششگانه معروف " صحیح " عبارتند از البخاری ، مسلم ، نسانی ، ترمذی ، ابی داود و بقیوی دارمی یا ابن ماجه .
- ۴۸ - مصحف مجید - سوره النباء (۷۸) آیه ۱ - (از چه میپرسند)
- ۴۹ - ایضا - سوره النباء (۷۸) آیه ۲ - (از خبر بزرگ)
- ۵۰ - ایضا - سوره النباء (۷۸) آیه ۲ - (آنکه ایشانند در آن اختلاف کنندگان) .
- ۵۱ - ایضا سوره النباء (۷۸) آیه ۴ - (نه چنین است زود باشد که بدانند)
- ۵۲ - ایضا - سوره النباء (۷۸) آیه ۵ - (پس نه چنین است زود باشد که بدانند)
- ۵۳ - ابن عربی - کتاب دیوان چاپ بمبئی صفحه ۴۲ و ۵۴ - حاج احمد شعر ابن عربی را در صفحه ۱۱۶ از کتاب ارشاد و الدلیل شرح داده و متذکر میگردد که شعر ابن عربی با مفهوم حدیثی که البخاری در کتاب التوحید از ابی هریره روایت نموده مطابقت دارد و اضافه مینماید مقصود از سید معصوم حضرت محمد رسول اکرم است و مراد از عمت عوارفه ظهور حق جل جلاله در بین عباد میباشد .
- ۵۵ - البخاری و مسلم هر دو در کتابهایشان بنام " صحیح " این حدیث را از ابی هریره روایت نموده اند .
- ۵۶ - قرآن کریم - سوره البقرة (۲) آیه ۲۰۶ (آیا انتظار میبرند مگر آنکه آید ایشان را عذاب خدا در سایبانها از بدروستی که خدا شنای داناست) .
- ۲۵ - ایضا - سورة الفتح (۴۸) آیة ۱۰ - رجوع شود بشماره ۲۱
- ۲۶ - ایضا - سوره النجم (۵۲) آیة ۲ (وسخن نمیکند از خواهش نفس)
- ۲۷ - ایضا - سوره النجم (۵۲) آیة ۴ (نیست آن مگر وحیک وحی کرده میشود) .
- ۲۸ - برای مطالعه بیشتری در این زمینه بکتاب : منتخبات آثار حضرت بهاء اللہ چاپ آلمان مراجعه شود .
- ۲۹ - قرآن کریم - سورة المجادلة (۵۸) آیه ۱۹ (روزیکه برانگیزاند ایشان را خدا همگی پس سوکند یاد میکند برای او همچنانکه سوکند یاد میکنند برای شما و می پندراند که ایشانند بر چیزی دانسته باش که ایشانند آنها دروغگویان) .
- ۴۰ - ایضا سوره المطففين (۸۲) آیه ۶ - (روزیکه ایستاده شوند مردمان برای پروردگار عالیان)
- ۴۱ - حضرت عبدالبهاء - خطابه مبارک در کلیسیای سانت جورج در انگلستان ایراد گردیده است و بوسیله قاضی معروف مصر عبدالجلیل سعد بیک عربی ترجمه شد و در روزنامه وادی النیل قاهره شماره ۱۱۲۲ بچاپ رسیده است . مرحوم مغفور عبدالجلیل سعد بیک از زمرة علماء بهائی اقلیم مصر محسوب و کتاب تاریخ نبیل را از انگلیسی عربی ترجمه نموده است . فاضل نحریر مرحوم عبدالحمید اشراق خاوری اعلی اللہ مقامه ترجمه عربی را تلاهیص و بلسان فارسی منتقل و لجنه ملی آثار امری ایران آن را چاپ و منتشر نموده است . عبدالجلیل سعد بیک از جمله نفوسي است که پس از صعود از قبل مولای توانا حضرت ولی عزیز امراهه برتبه ایادی امیرالله ارتقاء یافت .
- ۴۲ - قرآن کریم - سوره المطففين (۸۲) آیه ۱۰ - (حقا که ایشان از پروردگارشان روز چنین هر آینه در حجاب شده کانند) .
- ۴۳ - شیخ ابوالحسن خرقانی - عارف بزرگ قرن چهارم و پنجم هجری صاحب تالیفات بسیار است از قبیل نورالعلوم، از کلمات معروف خرقانی : " الہی خلق تو شکر نعمتهای تو کنند ، من شکر بودن تو کنم نعمت بودن تو است " گویند خواجه عبدالله انصاری (پیر هرات) مزید متاز و جانشین شیخ ابوالحسن خرقانی است ، رجوع شود بکتاب تاریخ عرفان و عارفان ایرانی تالیف عبدالرایبع حقیقت ، انتشارات کومش ، ایران ، شیخ اسماعیل حقی البروسی در کتاب روح البیان صفحه ۲۹۷ تفسیر خرقانی را نقل نموده است . حضرت مسیح نیز بیانی باین مضمون دارد که میفرماید چشم دارند اما نمی بینند گوش دارند اما نمی شنند .
- ۴۴ - قرآن مجید - سوره یونس (۱۰) آیه ۵۷ - (ای

- ابر و فرشتگان و گذارده شود کار و بخدا برگردانیده شود
کارها) .
- ۵۷ - ابوالثناه محمود شکر اللوysi - روح العائى .
- ۵۸ - قرآن مجید - سورة ص (۲۹ آیه ۸۸) و هر آینه خواهید دانست خبرش را پس از هنکامی) .
- ۵۹ - کلمه « حین » بحساب ابجد ۶۸ است و بنابراین « بعد حین » ۶۹ خواهد بود که همان سنه تسع (۹) و سنه دعوت جمال مبارک است . حضرت رب اعلی نیز میرمایند : « وفي سنة التسع اتتم بلقاء الله ترزقون » (مضمن فارسی لفین آیه چنین است : و در سال ۹ شما بلقاء خداوند مرفوق میشود)
- ۶۰ - ایضا سورة القلم (۶۸) آیه ۴۲ - (روزیکه کشف کرده شود از ساق و خوانده شود بسجود پس توانند) .
- ۶۱ - ایضا سورة القلم (۶۸) آیه ۴۲ (که فرو افتاده باشد چشمهاشان فروگیرد ایشان را خواری و بتحقیق بودند که خوانده میشند بسجود و ایشانند تندرستان) .
- ۶۲ - ایضا سورة القلم (۶۸) آیه ۴۴ - (پس واکدار مرا و کسی که تکذیب میکند این سخن را بزودی در نور دیم ایشان را از راهی که نمیدانند) .
- ۶۳ - ایضا سورة القلم (۶۸) آیه ۴۵ (و مهلت میدهیم لیشان را بدرستی که کید من محکم است)
- ۶۴ - محمد بن جریر ، ابو جعفر طبری مولود بسال ۲۱۰ هجری قمری در آمل (طبرستان و متوفی در بغداد صاحب کتابهای " جامع البيان فی تاویل القرآن " و " تهذیب الآثار ")
- ۶۵ - محمود بن عمر ابوالقاسم زمخشri متولد در زمخشri بسال ۵۲۸ هجری قمری و از آنها لغت و نحو و بیان و تفسیر و صاحب تأیفات بسیار میباشد از قبیل " الكشاف فی حقائق التنزيل " .
- ۶۶ - قرآن کریم - سورة القمر (۵۴) آیه ۶ (پس اعراض کن از ایشان روزیکه میخواند خواننده بسوی چیزی ناخوش داشته) .
- ۶۷ - ملا صدرا - صدرالدین محمد ابراهیم شیرازی ملقب به صدرالمتألهین و ملا صدرا و یا آخوند صدرا متولد بسال ۹۸۰ هجری و متوفی بسال ۱۰۵۰ هجری قمری ، ملاصدرا از بنیان گزاران حکمت متعالیه Transcendent Theosophy و صاحب فرضیه های معروف اتحاد عاقل و مقول ، حرکت جوهری و اصالت و وحدت وجود میباشد . از جمله تأییفاتش کتاب الاسفار در تفسیر سورة الفاتحه " برای مزید اطلاع در باره شرح حال ملا صدرای شیرازی رجوع شود بکتاب " از دشتکی تا نراقی - جلد چهارم " و یا " افکار فلسفی ملاصدرا بقلم دکتر سید حسین امین - انتشارات و حید - دختر بزرگ ملاصدرا ملقبه به صدریه با محمد بن مرتضی مشهور بملامحسن فیض کاشانی که از
- اجله فتها و اکابر علماء مذهب تشییع در دوران صفویه است ازدواج نمود . رجوع شود بکتاب کلیات اشعار مولانا فیض کاشانی از انتشارات کتابخانه سنانی .
- ۶۸ - حضرت عبدالبهاء - لوح پروفسور فورال مطبوع در مجلد مخصوص با چند لوح دیگر بواسطه شیخ فرج الله ذکری الكردی تحت عنوان " جواب پروفسور آلمانی دکتر فورال " .
- ۶۹ - قرآن کریم - سورة یونس (۱۰) آیه ۲۵ (و خدا میخواند بسوی سرای سلامت و راه مینماید کسی را که میخواهد بسوی راه راست) .
- ۷۰ - ابن عربی - کتاب موقع النجوم صفحه ۴۱ - حاج احمد حمدی شعر ابن عربی را چنین تفسیر مینماید که مقصود از " قصام الحلیم عن اسم الصفات " آنست که حق از کشف غطاء امتناع میورزد چنانچه حضرت بهاء الله پس از آنکه وحی الهی بر حضرتشان در سجن سیاه چال نازل شده از کشف اسرار الهی امتناع نمودند و در دارالسلام بغداد حجاب اکبر زائل کشت و انوار الهی به اشد اشراف طلوع نمود .
- ۷۱ - قرآن مجید - سورة الانعام (۶) آیه کامل چنین است : لهم دارالسلام عند ریهم و هو ولیهم بما كانوا يعملون (۱) از برای ایشان است سرای سلامت نزد پروردگارشان و او ولی ایشان است بازچه هستند که میکنند) .
- ۷۲ - السیوطی در کتاب اللالی المصنوعة فی الاحادیث الموضوعة صفحه ۶ چنین نقل مینماید که ابراهیم بن علی العمri از عبدالغفار بن عبد الله ابن الزبیر نقل مینماید که عباس بن الفضل از جعفر بن الزبیر حدیث ذیل را از القاسم که از ابی امامه شنیده چنین روایت کرده است . کسانیکه حول عرشند بفارسی صحبت مینماید و وحی الهی اگر در باره امری باشد که در آن یسر و وراحت است بفارسی خواهد بود و اگر در باره امری باشد که در آن شدت است بعربی میباشد . والسیوطی همین حدیث را نیز از ابی عدی نقل مینماید .
- ۷۳ - قرآن مجید - سورة مریم (۱۹) آیه ۸۴ (در قرآن چاپ ایران شماره این آیه ۸۸ است (روزیکه خشن میکنیم پرهیزکاران را بسوی خدای بخششده سواران وارد شده) و مقصود از " روز " روز قیامت است و در احادیث وارد است که مراد از حشر دمشق است ، رجوع شود بکتاب التیان و البرهان جلد دوم تالیف الحاج احمد حمدی که مفصل در این زمینه شرح داده است .
- ۷۴ - ایضا - سورة الحشر (۵۹) آیه ۲ - آیه کامل چنین است : هو الذى اخرج الذين كفروا من اهل الكتاب من ديارهم ل AOL الحشر ما ظننتم ان يخرجوا و ظنوا انهم مانعهم حصونهم من الله فاتهم الله من حيث لم يحتسبوا و قدف فى قلوبهم الرعب يخربون بیوتهم بایدیهم و ایدی

معرفی کتاب

مؤمن که خانم لیلی ایمن بفارسی ترجمه نموده و پیشگفتار دوم بقلم مؤلف محترم راجع به برده داری در قرن نوزدهم نیز حکم صریح کتاب مستطاب اقدس در باره منع برداری و کیفیت اجرای این حکم محکم میباشد ، اسلوب و روش نگارش طوری است که جوانان بهائی که بیش از زبان فارسی، بزبانهای دیگر آشنائی دارند میتوانند مورد استفاده قرار دهند ، در دفتر مجله عندلیب تعدادی از کتاب لنالی سیاه به قیمت ده دلار (۱۰ دلار) آمریکائی برای فروش آماده است که شامل هزینه پست نیز میباشد . کلیه وجوه حاصله به صندوق بین المللی ساختمانهای آرک تقدیم میگردد .

لطفاً کسانیکه مایل با خرید هستند بآدرس عندلیب مکاتبه نمایند .

عندلیب

محاضرات

کمتر کسی از احبابی مهد امرالله وجود دارد که نام فاضل گرانقدر جناب اشراق خاوری علیه رضوان الله راشنیده و با آثار ایشان آشنا نباشد . جناب اشراق خاوری در سراسر عمر خود به سه خدمت بزرگ یعنی تبلیغ و تعلیم و تألیف قائم بودند . ذکر خدمات پر ارزش ایشان در تبلیغ امرالله و نشر نفحات الله در اینجا زائد به نظر می رسد و احتیاجی به توضیح ندارد ، هم چنین ایشان در کلاسهای مختلف و متعدد در شهرهای مهد امرالله سالیان دراز به تعلیم آثار الهیه و معارف امریه به همه احباب

۱ - جناب یعقوب کتیرائی که از ناشران نفحات امر رب الایات و البینات میباشند بعد از تأليف کتاب مفید (ظهور رب الجنود) که بواسطه مؤسسه معارف بهائی بلسان فارسی چاپ و انتشار یافته مبادرت بتأليف کتابی دیگر بنام (قائم موعود) در اثبات ظهور حضرت رب اعلى و جمال اقدس ابھی مُستند با آيات شریفه قرآنیه و احادیث معتبره نموده اند و فصلی از آن کتاب را برای مجله عندلیب فرستاده اند و از قرار معلوم کتاب اخیر بتصویب رسیده و پس از چاپ و انتشار، عندلیب بطور جامع آنرا معرفی خواهد نمود .

موقیت مولف محترم جناب کتیرائی را در تأليف آثار مفیده از حق سبحانه و تعالی خواهانیم .

۲ - کتاب لنالی سیاه :

اخیراً نشریه محفل مقدس روحانی بهائیان آلمان کتاب تاریخی لنالی سیاه بقلم جناب ابوالقاسم افنان را معرفی نموده و اعلام داشته که مؤسسه

Epastiner st Abe 89 Baha'i Verlog
6519 Hofheim Germany

تعدادی محدود تهیه و جهت فروش در دسترس یاران قرار گرفته است ، کتاب لنالی سیاه کتابی است که ساده و روان نوشته شده و در شرح خدام حضرت نقطه اولی و جمال اقدس ابھی میباشد و دارای دو پیشگفتار است یکی بقلم دکتر موژان

و نیز میفرمایند :

» چه بسیار نفوس که در پایان محجوب شدند و چه بسیار نفوس که در نهایت فائز گشتند و بهترین نفوس کسانی هستند که به فاتحه الاطاف و خاتمه الاعطاف فائز شدند . « (۱۱)

و نیز : » حسن خاتمه اعظم موهبت حضرت رحمانی است « (۱۲)

حسن خاتمه بیش از هر امری موكول و منوط به ثبات و صدق در ایمان و وفاداری به عهد و پیمان محبوب امکان است که امیدواریم همه اهل بهاء به آن فائز گردند و البته لازمه این وفاداری خضوع و فروتنی و اقرار به قصور و فتور در بارگاه حضرت مقصود است .

مخصوصاً جوانان بهانی مشغول بودند . سومین خدمت بزرگ ایشان که آثارش همیشه باقی و برقرار است تأثیفات مفید و پر ارزش این عالم ربانی است که همواره مورد استفاده و مطالعه احبابی فارسی زبان قرار گرفته و می کیرد ، از جمله تأثیفات مفیده جناب اشرف خاوری کتاب پر حجم محاضرات را می توان نام برد . ایشان در این کتاب در مجتمع فرضی هر هفته در جمع احباب حاضر شده به سوالات متعدد آنان جواب داده اند . کتاب محاضرات مجموعه عظیمی از اطلاعات متنوعی است که هر کس مطابق ذوق و سلیقه خود مطالبی در میان آنها می تواند پیدا کند .



منابع و مأخذ

- ۱ - ایقان صفحه ۱۶۲
- ۲ - بشارة النور صفحه ۲۸۲
- ۳ - مانده آسمانی جلد ۵ صفحه ۱۲۶
- ۴ - مجموعه الواح کلمات فردوسیه صفحه ۲۵
- ۵ - اخلاق بهانی صفحه ۱۵۱
- ۶ - مانده آسمانی جلد ۵ صفحه ۲۷۱
- ۷ - مجموعه مناجاتها صفحه ۵۰۶
- ۸ - مانده آسمانی جلد ۷ صفحات ۲۲ - ۴۴
- ۹ - اخلاق بهانی صفحه ۱۵۴
- ۱۰ - مانده آسمانی جلد ۵ صفحه ۱۷۹
- ۱۱ - مجله عندلیب شماره ۴۲ - ۴۴ صفحه ۵
- ۱۲ - بشارة النور صفحه ۲۸۲

این کتاب در نشر اول در مهد امرالله در دو جلد مجلز منتشر شد ولی اخیراً لجنہ ملی نشر آثار امری به زبان های فارسی و عربی آلان آنرا در یک مجلد تجدید چاپ کرده و در ۱۲۲۶ صفحه به قطع پستی و جلد زرکوب منتشر کرده است . فهرست اعلام که در آخر کتاب اضافه شده کمک بزرگی به خواننده است . کتاب « محاضرات » هم اکنون به قیمت ۴۲ مارک در مراکز فروش کتب امری در دسترس شما قرار دارد .

Bahai-Verlag
Eppsteinerstr. 89
65719 Hofheim
Germany

ترجمه پیام حضرت حرم روحیه خانم
علیها بهاء الله بمناسبت صعود سهیل علائی
علیه رضوان الله

از دریافت خبر ضایعه ناگهانی صعود سهیل عزیز شدیداً متأثر . او وجودی بود که در جمع علاقمندانی کثیر ، محبوبیتی فراوان داشت و در خدمت باستان جمال مبارک و امر او ، دلاوری بود بی پروا و درین ، قلب همراه قلوب اعضای خانواده بر جسته ، مخلص و مهاجر ممتاز او ، در این فقدان بزرگ متالم . بی تردید اجرش در ملکوت ابھی بسیار عظیم و جزیل و لکن فقدان عنصری و خدماتش به امری که با اخلاص خاص بآن عشق می ورزید ، با حسرت و آسف از سوی افراد خانواده ، دوستان و کثیری از علاقمندانش یاد میشود .

هدردهی عیق من نثار قدسیه خانم ، مادری که در پرتو سرمشق و تعلیمیش شالوده حیات سهیل را تحکیم نمود و نیز به قرینه ثابت قدم و دلیرش لیلیان عزیز ، که با رفتار نمونه و پشتیبانی همه جانبه اش تحولی آنچنان ایجاد کرد که نه تنها در حیات سهیل بلکه در زندگانی فرزندان دلبذشان تأثیر بسزا گذاشت .

بیاد همه شما و از جانب او و شما در اعتاب مقدسه به تقدیم ادعیه قلبیه مألوف خواهیم بود .

با اشواق عیق قلی

امة البهاء روحیه خانم ایادی امرالله

حیفا - اسرائیل ۱۶ آگوست ۱۹۹۵

ترجمه تلگراف معهد اعلی بمناسبت صعود
سهیل علائی علیه رضوان الله

از وصول خبر صعود جناب سهیل علائی شدیداً متالم ، ایشان طی بیش از چهار دهه بعنوان مهاجر مقیم ساموا بخدماتی نمونه و تحسین آفرین قائم و در نشر نفحات و تحکیم و تقویت مؤسسات امریه در سراسر ناحیه پاسیفیک به ایفای نقشی حیاتی و فراموش ناپذیر مألوف و بعضیوت نخستین محفل روحانی ملی پاسیفیک جنوی منتخب و متعاقباً بیش از دو دهه بعضیوت هیئت مشاورین قاره ای اقیانوسیه (Australasia) منصب و مشغول بخدمت بودند .

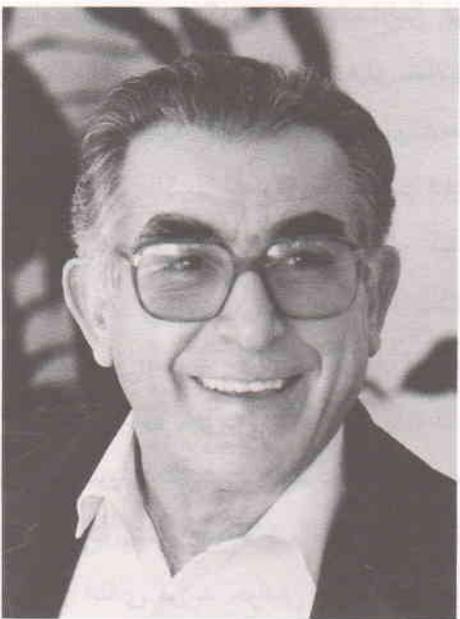
با تحسین زاید الوصف مهریانی او را ، عشق و علاقه اش را به مردم پاسیفیک ، نثار بی درین اوقات حیاتش را در ارتقاء و پیشرفت مصالح آن نفوس ، نقش کارسازش را در بنای مشرق الاذکار ساموا ، وبالآخره تلاش و کوشش را در واپسین لحظات حیات جسمانی در خدمات امریه ، بیاد میآوریم . توصیه میشود بیاد ری محافل تذکر در مشرق الاذکار و جوامع بهائی سراسر ساموا انتقاد یابد . همچنین از محفل روحانی ملی استرالیا رجا دارد در مشرق الاذکار آن سامان مجلس یادبود بر پا دارند .

در اعتاب مقدسه بجهت ارتقای روح پر انوارش در ملکوت ابھی دعا می کنیم ، لطفاً مراتب تسلیت قلبی ما را به والده ، همسر و اعضای خانواده ابلاغ فرمائید .

(ترجمه از انگلیسی)

بیت العدل اعظم

حیفا - اسرائیل - ۱۶ آگوست ۱۹۹۵



شرح حیات و خدمات متصاعد الى الله

جناب سهیل علائی مهاجر عزیز ساموآ

(مطالبی که در این قسمت ملاحظه میفرمایند ترجمه کوتاه شده ای است از سخنرانی سرکار خانم مهناز علائی (وایان کورت) که در جلسه تذکر صعود برادر ارجمند خود در محضر حضرت امة البهاء روحیه خانم و جمعی از دوستان در تورنتو بزیان انگلیسی عرضه داشتند)

سهیل علائی دومین فرزند از شش فرزند متصاعد الى الله نعمت الله علائی و خانم قدسیه امین امین بوده که در ژانویه سال ۱۹۲۷ میلادی در طهران متولد گردید . به تبعیت از صفات ممتازه پدر ، سهیل چه در خدمات امری و چه در زندگانی خصوصی و شغلی ، اصول تعالیم و حیات بهائی را حتی القوه مراعات مینمود . بدیهی است که تبلیغ امراهله در رأس اعمال او قرار داشت . در عنفوان جوانی ، سهیل همراه با برادر ارشد خود در خدمات امریه از جمله عضویت در لجنهای ملی جوانان ، انتشارات و کتابخانه توفیق یافت ، اولین شماره اخبار امری احبابی ایران را بفرم نهائی خشتی آن منتشر سازد .

در سال ۱۹۵۴ با دوشیزه لیلیان ویس (Wyss) از یاران استرالیا در یکی از مدارس تابستانه آشنا شد ، مشارالیها عازم سفر به ساموای غربی بود که این آشنائی حاصل آمد و لیلیان در زمرة باسلان حضرت بهاء الله بحساب آمد زیرا اولین فرد بهائی بود که بآن سامان هجرت نمود . این دو در Fiji عقد ازدواج بستند و ملا سهیل نیز مهاجر ساموآ شد و نهایت کوشش نمود که بتواند در آن نقطه مهاجرتی بماند و بخدمتی قائم شود و بالاخره توفیق رفیق شد و اجازه یافت در آنجا اقامت کند . آنگاه والدین همراه با دو خواهر جوانتر بسال ۱۹۵۵ باو پیوستند . خانواده علائی در سالهای اول مقدمه به معرفی امر الهی به اهالی جزیره پرداختند و سپس به تحکیم اساس امریه مبادرت ورزیدند تا آنکه اولین محفل روحانی در آن جزیره تأسیس گشته و این امر با اجرای یکی از اهداف یاران کانادا طی نقشه ۵۵ ساله جهاد کبیر اکبر مقارن گردید . در سال ۱۹۶۸

در سال ۱۹۴۶ همراه با سایر اعضای خانواده بقصد مهاجرت به افغانستان نقل مکان کرد و پس از یکسال اقامت توأم با سختی و مرارت بدستور مقامات رسمی دولت افغانستان از آنجا اخراج شده و با ایران مراجعت نمودند . در سال ۱۹۵۰ به زلاند رفت و از دانشگاه Massey در رشته کشاورزی فارغ التحصیل گردید و در عین حال در فعالیتهای ورزشی سرآمد اقران بود .

بهائی ، عزمی خلل ناپذیر داشت و معتقد بود همه ما باید در ایجاد قابلیت مؤسسات و تحکیم ایمان یاران افکار و مجهداتمان را متمرکز سازیم ولو اینکه به بھای پیشرفت کندر و آهسته تر نشر فحات الله تمام شود ، چه که مآلًا به پیشرفت واقعی و استحکام اساس امرالله دست خواهیم یافت .

در عین علاقه خاصی که به مردم ساموآ پیدا کرده بود ، هیچگاه صفات و خصوصیات بارز آداب و فرهنگ قومی و بومی خویش را به بوته نسیان نسپرد ، با وجودیکه ۴۵ سال خارج از ایران بود در مکالمه و نگاشتن بزیان فارسی تسلط داشت . غذاهای ایرانی را طبخ میکرد و آداب مهمان نوازی ایرانی را همواره مراعات میکرد .

منشی محفل روحانی ملی ساموآ در سخنرانیش هنگام تدفین او ، او را پدر اهالی ساموا خواند ، سهیل *Malietaoa* همواره با تمام اهالی و از جمله والاحضرت *Tanumafili* دوم رابطه مودت داشت . سهیل نه تنها مبلغ اولین مرد تاجداری بود که بائین الهی گروید ، بلکه با والاحضرت دوست صمیمی و شخص مورد اعتمادش بود . سهیل رابطه رسمی بین والاحضرت و معهد اعلی نیز بود .

سهیل در عین وارستگی و انقطاع از زخارف و امور دنیوی ، از اغذیه مطبوع و گلهای زیبا و فیلم های جدید لذت میبرد ، او آثار بهائی و غیر بهائی را با اشتیاق و وفور مطالعه میکرد ، همه را دوست میداشت و تقریباً میتوان گفت که از عهده انجام هر کار بر میآمد . بطور باور نکردنی امور لوله کشی ، نجاری ، مکانیکی و حتی خیاطی را بخوبی میدانست . برای او «امر غیر ممکن » غیر ممکن بود .

سهیل همراه با دو تن دیگر به عضویت اولین هیئت مشاورین قاره ای منصوب شدند . ایشان برای آنکه بهتر و مؤثرتر بتواند بخدمات امریکه پردازد بر آن شد که استقلال مالی یابد و ناگزیر از شغلی که داشت استعفا داد و با مشارکت همسرش لیلیان مؤسسه کوچک مشاوره و چاپ دائر نمودند و این مؤسسه با گذشت زمان رونق گرفت و بصورت پایگاهی برای ارائه خدمت و ایجاد شغل در جامعه محلی در آمد .

سهیل با اتمام دوره تصدیّش در سمت مشاور قاره ای در سال ۱۹۹۰ که بیشتر بلحاظ شرایط ویره خانوادگی بالاخص بر اثر ابتلای فرزند جوانش به سلطان صورت گرفت در صدد برآمد بیش از پیش اوقات خود را با اعضای خانواده و دوستان گذرانده و بخشی را به سریرستی و رسیدگی بیشتر به امور کسب و کار مصروف دارد و لکن بهر تقدیر عضویت محفل روحانی ملی بهائیان ساموآ پیش آمد و در آن وضع تا واپسین لحظات حیات با سمت رئیس محفل قائم بخدمت بود . در شب صعودش در جلسه محفل روحانی حضور داشت . او بحقیقت مردی روحانی بود که تمام ذرات وجودش را در طبق اخلاص گذاشت و صرف خدمت به مولای محبوبش حضرت بهاء الله نمود . ایمانی قوی داشت و همواره ورد زیانش بود که « عاقبت مائیم و خدا ، اگر رابطه محکمی با او داشته باشیم هیچگاه تنها نخواهیم ماند » او درک دقیقی از تعالیم الهیه ، همراه با کاربرد عملی آن ، داشت . اوقاتش کاملاً وقف پیشرفت امرالله بود . و براین باور بود که مصالح و نیازهای امریکه بر هر امر دیگری تقدم و رجحان دارد .

در اجرای عدالت و استقرار انصاف در امور جامعه

سهیل این جهان خاکی را با عزّت و جلال ترک گفت . در مراسم تدفین او بالغ بر ۵۰۰ تن شرکت داشتند از جمله والاحضرت ، نمایندگان دولت از هر دو ساموا و رهبران و مدیران واقع هر دو جزیره ، رئیس عالیرتبه ای از قبیله Fiji ، مشاورین بنمایندگی بیت العدل اعظم و هیئت های مشاورین قاره ای ، تعداد کثیری از نمایندگان مؤسسات ملی و محلی و نیز دوستان و خویشاوندان از نقاط دور و نزدیک .

جسد شریفش در اراضی مشرق الاذکار ساموا در جوار آرامگاه ایادی امراة الله دکتر یوگو جیاگری بخاک سپرده شد .

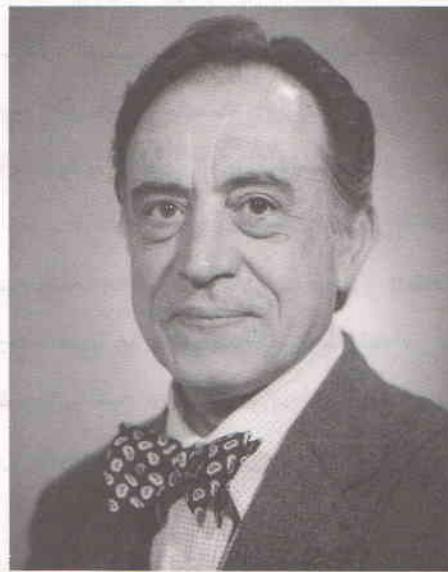
هیئت تحریریه عندلیب صمود ناگهانی سهیل علائی مهاجر مخلص و برجسته امر الهی را بخانواده و سرکار خانم قدسیه علائی مادر ایشان و سایر منسوبیان و وابستگان تسلیت میگوید ، علو درجات در عالم بقا برای این نفس نفیس مستلت مینماید .

عندلیب



سهیل پر از نیرو بود ، حتی در اواخر حیاتش همانند جوانان ۲۰ ساله عمل و فعالیت میکرد . غالباً ساعت‌هایی بکار مشغول بود ، چه در کسب و کار و چه خر خدمت امیره ، هیچ کار برای او « بسیار کوچک » و یا « بسیار بزرگ » نبود ، بارها شده که شخصاً امر حلقه حظیره القدس را بر عهده میگرفت و بدقت انجام میداد و ضمناً در جلسات بزرگ سخنرانی میکرد و با رؤسای دولتها ملاقات و مذاکره مینمود . در محیط کار ، در کنار کارکنان بکار میپرداخت و همزمان مدیریت مؤسسه با او بود و از مذاکره و انعقاد قرارداد با شخصیت ها و نمایندگان مؤسسات بزرگ بین المللی نظری زیراکس ، سونی ، یا میتسوبیشی پروانی نداشت و بخوبی از عهده آن بر میآمد . سهیل باصطلاح انسانی « مردمی » بود که از معاشرت با خرد و کلان و وضعی و شریف یکسان لذت میبرد و با آنان رابطه برقرار میساخت و هیچگاه خود را برتر از دیگران نمیدید و در عین حال نکته سنح ، دقیق و تا حدی سخت گیر بود . مسامحه و تکاهم را چه در خانه و چه در محل کار نادیده نمیگرفت . همواره طالب کمال مطلوب بود و از اطرافیان نیز همین انتظار را داشت . در عین نا آرامی ، فردی معتل و دارای عطوفت و مهربانی کامل بود . دارای طبیعی شوخ و روحیه ای لطیف و بذله گو بود و در این راستا کبوهی نداشت در عین داشتن مشکلات سخت و عدیده ، خم با ببرو نمی آورد و میکوشید اطرافیان و دوستان را شاد و خرم سازد . از همه مهمتر سهیل فردی گشاده دل و گشاده دست بود . دوستانش را در هر نقطه جهان فراموش نمی کرد و با آنان در ارتباط داشت بود .

روز بعد (یکشنبه) در کلیسای کاتولیک شهر کشیشی ضمن اعلام فوت معزی له بعموم تسلیت گفت و تمام ساعت جلسه در کلیسا بدعای آن فقید سعید کذشت .



گرچه همسر و دو فرزند دکتر مدارائی هنوز در ظل امر مبارک وارد نشده اند ولی دکتر عزیز ما بگفتار نیک و کردار پسندیده تک و تنها در آن نقطه دور در نهایت صفا خدمت با مردم الهی نمود و با حسن خاتمه بعال جاودان شتافت ، روحش شاد و روشن در عالم بالا تابناک باد .

این هیئت صعود آن دوست عزیز با وفا را به کلیه بستگان و بازماندگانش تسلیت میکوید و از برای آن نفس پاک علو درجات از حق سبحانه و تعالی مسئلت مینماید .

شرح بالا خلاصه ای از مرقومه جناب دکتر شاپور جوانمردی است .

صعود ناگهانی دکترا ایرج مدارائی

علیه رضوان الله و غفرانه

نفس نفیس دکترا ایرج مدارائی در تاریخ ۲۲ آگوست ۱۹۹۵ در شهر اسپرینگ فیلد Spring Field ورمونت آمریکا در اثر سقوط از پله و ضربه واردہ بر سر به ملکوت بقا عروج نمود .

نامبرده در سن ۱۹۲۵ در مدینه منوره شیراز در خانواده بهائی متولد شد و پس از اتمام تحصیلات در رشته پزشکی از دانشگاه تبریز برای ادامه تحصیل و تخصص و تحقیق راهی آمریکا کشت و پس از اخذ تخصص در رشته اطفال ، نقطه مهاجرتی منفرد اسپرینگ فیلد را برای خدمت بابنه نوع برگزید و مدت سی سال با اخلاق بهائی و محبت و صمیمیت چنان رفتار نمود که پس از صعودش در مراسم تشییع و محفل تذکر که بواسطه احبابی نیو انگلند و بستگانش تشکیل یافته بود از تمام طبقات مردم شهر اعم از مرضا و همکاران و سناتور شهر و کشیش کلیسای پروتستان شرکت نمودند و سجایای اخلاقی و حسن سلوك و صمیمیتش را ستودند . کشیش کلیسا در تجلیل او چنین گفت :

« دکتر مدارائی دریچه نورانی و سرور بقلب من باز کرد و در جلسات متعدد بمن فهماند که عموم پیغمبران الهی از یک مبدء آمده اند و حضرت بهاء الله ظهور کلی الهی در این عصر میباشند » .

ترجمه و تلخیص

جمیله شکیبا نژاد

احترام در بین مردم نموده بود و بر عکس همسرش عقیده داشت فرزندانش آموزش مذهبی لازم دارند و با آنها اجازه داد کلیسائی که مایلند انتخاب نمایند در وقتی که بچه ها بسن رشد رسیدند و می توانستند در اینمورد تصمیم بگیرند خانواده آنها در (ارگان) پورتلند زندگی میکردند . کورتیس به کلیسائی رجوع نمود ولی پس از دو ماه کلیسای دیگری انتخاب نمود . مادر کورتیس بیشتر متوجه کورتیس بود و مایل بود که او روحیه روحانی داشته باشد . چون دریافته بود که او بیش از سایر فرزندانش ظرفیت روحانی دارد . این را مادر حتی در موقعی که طفل شیرخواره را در بغل داشت درک و بعدها نیز و تیکه با اطفال دیگر بیازی می پرداخت درک و احساس نموده بود و این چیزی نبود که با چشم ظاهری دریافته باشد . او طفیل بود که افکار مستقلی داشت ، مادر همیشه سعی داشت روحیه روحانی او را تقویت نماید و همیشه این تقویت روحانی را ادامه میداد . کورتیس پس از اینکه به رفتن کلیسا علاقه نشان نمیداد به امور مختلف پرداخت و به اطاعت پدر از هدر نمودن اوقات دست برداشت و بدنبال مذاهب و فرق مختلف نرفت و با اینکه جوان مذهبی نبود ولی برای امور روحانی ارزش قائل بود . در سن ۱۸ سالگی نه بمدرسه میرفت و نه به کلیسا و مذهب می پرداخت . پدرش از او نا امید شده بود ، چون بفکر کورتیس می پرداخت ، از سرگردانی و از آینده او ترس داشت .

« حکایت کورتیس کلسی »

(سرگذشت جوان آمریکائی است که روضه مبارکه و مقام اعلی را با نور برق روشن نمود) کتاب فوق که در ۱۸۶ صفحه نگاشته شده داستانی از عشق و خدمت است ، با مطالعه آن جوانی را خواهیم شناخت که پس از زیارت حضرت عبدالبهاء عمر خویش را در حصر در خدمت مداومی نمود که از عشق حضرت عبدالبهاء سرچشم میگرفت و اینک قسمتهایی از این کتاب خواندنی و شیرین برای احباب عزیز نقل میگردد .

کورتیس کلسی جوانی بود با تحصیلات کم که با وجود علاقه شدید والدینش و کمال جدیت آنان در هیچ مدرسه و کلاسی دوام نیاورد . علاقه نشان نمیداد . پس از شروع هر کاری آنرا رها و به ایده دیگری میپرداخت . او در سال ۱۸۹۴ در (Sault Lack) در (Utah) متولد شد . در این شهر پدرش اولین کار خود را که مربوط به لوله کشی آب شهر بود طراحی نمود .

کورتیس در خانه مذهبی رشد و نمو ننمود . پدرش دنبال دیانت نبود و عقیده داشت آنچه اهمیت دارد شرافتمند بودن است و اینکه هر قولی عملی در پی داشته باشد ، کورتیس تحت تأثیر عقیده پدر قرار گرفت ولی مادرش (والرینا) بر روی او اثر بیشتری داشت . مادر روح لطیفی داشت و دارای قدرت باطن بود . احساس عمیق و هوش باطن برایش ایجاد

پردازد و چون این کار یعنی ساختن لوله‌ها و الوارها در فضای آزاد انجام می‌شد و به طبیعت او نزدیک بود مورد قبولش واقع شد بخصوص برای پدرش نیز کمک بود . پدر شغلی باو واگذار نمود .

یکروز که در هوای آزاد بکار مشغول بود دفعتاً دچار سردرد شد اعتنای ننمود او را عارضه کوچکی دانست ولی بتدریج درد شدت یافت بطوریکه آن شب از درد نخوابید و روز بعد طبیبی که بمنزل آمد اطلاع داد که به تیغونید مبتلا شده است .

کورتیس در بستر بیماری افتاد ، یکشب درد بحدی شدت یافت که کیسه آب بین که مادرش می‌آورد ثمری نبخشید ، بنچار سرش را در میان بالش فرو برده فغان می‌کرد ، ناگهان ، اتفاق عجیبی افتاد ، یعنی آهنگ فوق العاده زیبای موسیقی که هرگز نظریش را نشنیده بود فضای اطاق را پر کرد . کورتیس رویش را برگردانید و دقیقاً نگاه می‌کرد که در تاریکی اطرافش را به بیند که آیا اطرافیان او هستند که آلات موسیقی را می‌نوازند ولی این آهنگی بود که فقط ممکن بود از یک ارکستر سمفونی عظیمی باشد ، برای لحظه‌ای تکیه داد و غرق دریای زیبائی موزیک شد ، اهمیتی نداشت از هرگجا باشد در تمام وجودش احساس عالی و با شکوه و اصیل رخنه نمود .

او بایستی با کسی از این اعجاز سخن می‌گفت ، مادرش را صدا نمود بمحض اینکه خواست بنشینند صدای موزیک خاموش گردید و وقتی مادرش وارد شده بود صدای موسیقی قطع شده بود ، چراغ را روشن نمود و دید پسرش در بستر نشسته است وقتی بگفته‌های پسرش گوش داد حمل بر هذیان تب

میسیس کلسو (والرینا) مادر کورتیس در سال ۱۹۰۹ مؤمن بدیانت بهائی شد . یک روز با پسرش عقیده بهائی را در میان گذاشت ، او در جواب گفت : مادر میدانی که من به دیانت علاقمند نیستم و مادر دنبال نکرد ولی . . . منتظر موقع مناسب شد .

چند ماه بعد خانواده آنها در واشنگتن زندگی مینمودند ، شبی در منزلشان جلسه تبلیغی داشتند قرار بود یکی از احباء بنام (Roy Wilhelm) رُی ویلهلم در مورد دیانت بهائی صحبت نماید ، مادرش اصرار نمود کورتیس در منزل بماند ولی او ابداً مایل نبود سخنی در مورد دیانت بشنود لذا از خانه بیرون نرفت ولی در کارگاه نجاری خودش در زیرزمین خانه بکار پرداخت . پس از ختم جلسه ویلهلم به کارگاه کورتیس رفت و با او به صحبت پرداخت از همه چیز غیر از دیانت بهائی صحبت نمود و در وقت خداحافظی باو گفت چنانچه به نیوجرزی شرق آمریکا باید آیا امکان دارد که برای بريا کردن کارهای در منزلش باو کمک نماید ؟

وقتی در جواب گفت چنین نقشه‌ای ندارم ویلهلم گفت هرگز نسبت باینگونه امور اطلاعی ندارم " گاهی حوادث عجیب اتفاق می‌افتد ، کورتیس با خود می‌گفت رفتن به نیوجرزی مثل رفتن به چین است . . . ولی حوادث گوناگون و مشاغل مختلف کورتیس جوان را ندانسته و ناخود آکاه به نیویورک کشانید . مدتی کوتاه در کارخانه ماشین فورد با دستمزد بسیار خوب بکار پرداخت و بر حسب پیش آمدی کار را ترک و دعوت پدر را برای ایام کریسمس پذیرفت و به خانواده پیوست . پدر باو پیشنهاد نمود در کارخانه او بکار

شرکت مینمود و روز بروز بیشتر بمطالعه کتب امری میپرداخت.

پدرش که دریافت کورتیس عمیقاً جذب دیانت بهانی شده است سعی میکرد او را بامور دیگر متوجه نماید، از پنجه اطاق میدید کورتیس زیر نور چراغ کوچه نشسته کتاب میخواند و فریاد میزد برای خاطر مسیح برختخواب برو فردا هم میتوانی بخوانی.

مادرش سعی میکرد که به همسرش بفهماند که اینکار برای کورتیس موقتی است برای آینده اش، کم کم کورتیس بسوی کار پدرش مراجعت نمود ولی عطش او برای امر بهانی هرگز فرو ننشست.

در آپریل ۱۹۱۸ به سربازی احضار شد، دوران سربازی برایش تجربه های فراوان بیار آورد بخصوص نامه های محبت آمیز و دلگرم کننده مادرش که مرتبا برای او مینوشت، روح او را تقویت مینمود و اظهار سرور مینمود و از اینکه جنگ را از نزدیک مطالعه میکند و به عواقب وخیم آن بی میبرد و خواهد دانست که صلح تا چه اندازه برای دنیا مفید است و در آینده خواهد توانست سهم خود را برای غیر ممکن ساختن اتحاد و صلح ادا نماید و نیز برای او می نوشت که تنها چیزی که مطمئن هستم آنستکه تو در تحت حفاظت حضرت عبدالبهاء هستی و محفوظ خواهی ماند و یک لوح از حضرت عبدالبهاء را مادرش برای او ارسال داشت که در تمام دوران سربازی باعث شد که او امید را از دست ندهد و محفوظ بماند. کورتیس در این ایام فکر میکرد یکروز بخانه مراجعت میکند و پیش آمدی خواهد شد که زندگی برایش مفهوم و معنی خواهد داشت.

نمود، دستش را روی پیشانی او گذارد کورتیس گفت مادر هیچ ناراحتی ندارم، گفت سردردت چطور است، کورتیس جواب داد وقتی موسیقی شوی شد درد سرم بكلی از بین رفت.

مادر کمی فکر کرد و گفت شاید بتراهم در کتب بهانی چیزی در اینمورد بیابم، به اطاق دیگر رفت چیزی در اینمورد نیافت کتابی برداشت و کنار پرسش نشست و آیاتی چند از فرمایشات حضرت بهاء الله زیارت نمودند. کورتیس پرسید مادر چرا تا بحال در باره این فرمایشات بمن چیزی اظهار ننمودی، مادر گفت ۹ سال سعی نمودم ولی تو ابداً توجهی نشان ندادی. پس از تلاوت آیاتی چند کورتیس اظهار داشت که «این حقیقت است» آنها باز هم بدون آنکه چیزی را که مایل بودند بیابند به تلاوت ادامه دادند وقتی مادر از کنارش رفت کورتیس مدتی بیدار ماند و در باره تغییر ناگهانی فکر میکرد تا آنکه بیادش آمد آنروز در کارگاهش ویلهلم آن جمله عجیب را گفته بود «ما خبر نداریم ولی گاهی چیزهای عجیب اتفاق می افتد»

روز دیگر که دکتر بملقاتش آمد حال او را باور نمیکرد و بر تعجبش افزود. خانم کورتیس بسیار مسرور بود احباء را بمنزلش دعوت نمود و همه علاوه بر عیادت سعی می کردند جوابی برای مسئله کورتیس بیابند، کتب بسیاری را تفحص نمودند اما جوابی نیافتنند.

کورتیس برای حل موضع تشیث به مطالعه کتب امری نمود. ولی این کافی نبود. در همه جلسات بهانی

دقیق ادامه داشت .

یک روز این برنامه تغییر یافت او طبق معمول بر لبه تختخوابش نشسته و مشغول تعویض کفشهایش بود آنچه اتفاق افتاد کاملاً غیر ارادی بود ، همانطور که نشسته بود ناگهان وضع اطاق تغییر نمود دیوارها سفید شد و هیکلی مهیمن با محاسن بلند مشکی در آنجا ایستاده بود که بلباس شرقی ملتبس بود آن هیکل با نزدیک شد و انگشت خود را بیرون آورده بدست ویلهلم نمود و پس از آن انگشتتری ویلهلم را بیرون آورده بدست خودشان نمودند ، ویلهلم اینگونه امور را باور نمی کرد تصمیم گرفت در این باره با کسی صحبت ننماید اما ناخودآگاه آنرا با مادرش در میان گذارد و دریچه قلب را بروی مادر باز کرد .

ویلهلم فراموش نکرده بود که به کورتیس گفته بود « کاهی حوادث عجیب اتفاق می افتد او دانسته بود که چگونه یک امر مستری به حقیقت می پیوندد و این پیش آمد را همیشه بیاد داشت . وقتی مادر ویلهلم اطلاع حاصل نمود که میتواند بساحت اقدس مشرف شود از پرسش خواست که او را همراهی نماید . ویلهلم بهمراه مادرش بحضور حضرت عبدالبهاء مشرف گردید . بیاد داشت که حضرت عبدالبهاء آنچنان او را محکم در آغوش فشردند که احساس مینمود استخوانهایش خورد شده .

ویلهلم در خواب باغ رضوان را دیده بود و پس از زیارت باغ رضوان با کمال تعجب مشاهده می نمود که این مکان را قبلًا دیده است . بدین معنی که بر حسب امر حضرت عبدالبهاء به عکا و بهجی رفت ، قبل از ورود به بهجی کالسکه در کنار باغ رضوان

خدمت سربازی خاتمه یافت . خانه و خانواده کورتیس حالا در نیویورک بود همه چیز در خانه رونق جدید یافته بود . کار مهندسی پدرش اوج گرفته و وضع مادی بهتر و خانه در کمال رفاه بود .

کورتیس فعالیت های امری و مطالعه الواح حضرت بهاء الله را ادامه میداد بدینوسیله توانست فاصله و بزرخ قطع تحصیل را با مطالعه الواح پر کند .

در سال ۱۹۲۰ کورتیس به عضویت محفل روحانی نیویورک انتخاب گردید . او جوانترین عضو محفل بود حال آنکه در آنزمان اشخاص دانشمند بر جسته مثل (Roy Wilhelem) (Horace Holley) عضو آن محفل بودند .

ویلهلم که از قبل با کورتیس آشنائی داشت مجذوب او شده بود و با یکدیگر دوست شدند . کورتیس دوست داشت منزل ویلهلم رفت و آمد نماید چون خانه او در اطراف نیوجرزی در دهکده با مناظر طبیعی که موافق طبع کورتیس بود قرار داشت . در آنجا بود که با هم مشغول ساختن کارگاه ویلهلم شدند ، روزی کورتیس در ضمن کوییدن میخی بر روی تخته ناگهان بیادش آمد که ویلهلم روزی در کارگاه کورتیس از او خواسته بود که به نیوجرزی بیاید و در ساختن کارگاهش باو کمک کند و خندید و با خود گفت « کاهی حوادث عجیب اتفاق می افتد »

اما در قلبش میدانست که بودن در این محل فقط بر اثر هدایت حضرت بهاء الله است . اینک ده سال از آن تاریخ گذشته بود . مادر ویلهلم از احباء اولیه نیویورک بود ولی ویلهلم نمی توانست بقالب و طرح بهائی خودش را تطبیق دهد و زندگیش طبق برنامه ای مشخص و

فیض نمود نکته هایی از خدمت و استقامت ، تواضع ، عقل ، تبلیغ آموخت . یکروز در گرین ایکر مستر گرگوری باو نزدیک شده از او خواستند که باتفاق در مدرسه تابستانه در مورد تبلیغ مطالعه و مذاکره نمایند . کورتیس با خود فکر کرد من و لونیس گرگوری ؟ باور نکردنی است ، ولی بهر حال با تشویق و مشورت بالاخره این مذاکره و مطالعه انجام شد ، معاشرت با امثال اینگونه اشخاص به کورتیس فهماند که همه آنها در یک امر مشترکند و آن اینست که امرالله را در زندگی خود در درجه اول اهمیت قرار دهد .

کورتیس کاهی که فرستی پیش میآمد با ویلهلم نهار میخورد یکروز ویلهلم از او خواست که بدفترش بیاید که کارمهمی با او دارد وقتی وارد دفترش شد متعجبانه پرسید اینجا چرا ؟ وقتی هر دو نفر تنها شدند ویلهلم بدون مقدمه سوال کرد آیا مایلی بحیفا بروی که برای سرکار آقا Master کاری انجام دهی ، کورتیس در وهله اول بنظرش شوخی آمد ولی وقتی معلوم شد جدی است گفت خوب ، البته ، ولی حیفا بسیار دور است و من پولی برای رفت و برگشت ندارم باز هم ویلهلم جمله ای را که مدت‌ها قبل گفته بود بر زبان آورد و گفت : هرگز در این مورد چیزی نمیدانیم . . . « چیزهای عجیب کاهی اتفاق می‌افتد » کورتیس صحبت ده سال قبل در کارگاهش را بیاد آورد و خنید .

چند هفته بعد کورتیس از حضرت عبدالبهاء تلگرافی دریافت نمود « کورتیس کلسی ماذون است » عبدالبیهاء عباس » بمحض دریافت این تلگراف احساسی در تمام وجودش دمید که هرچه زودتر آماده

توقف نمود یکی از احباء ایرانی در آن باغ او را به اطاق سفید کوچکی هدایت نمود که حضرت بهاء الله وقتی بیاغ رضوان تشریف میبردند در آن محل اقامت میفرمودند ، وقتی وارد شد احساس نمود که قبلًا در این مکان بوده است ویلهلم بسرعت رو بیاغ بازگشت در حالیکه میلرزید دیگر توانست این سر و رمز را پنهان بدارد و شدیداً احساس نمود که مایل است آن را با حضرت عبدالبهاء در میان بگذارد .

حضرت عبدالبهاء پس از استماع رؤیانی که در بیداری بوقوع پیوسته بود فرمودند : این رؤیای روحانی بوده است و حضرت بهاء الله شما را برای دیانت بهائی انتخاب نمودند ، از آن روز ویلهلم مؤمن شده بود . ویلهلم سرمشق خوبی برای کورتیس بود، استقامت ، تمسک به عهد و میثاق در همه رفتار و کردار او منعکس بود و میدانست که اطاعت حضرت عبدالبهاء از اطاعت حضرت بهاء الله و هرچه حضرت عبدالبهاء از او میخواستند انجام دهد بدون تأمل انجام میداد .

حضرت عبدالبهاء به قوت ایمان ویلهلم آگاه بودند باین دلیل هرچه دیگران نمی توانستند انجام دهنند از او میخواستند انجام دهد ، اغلب شبها ویلهلم در دفترش می نشست و مشغول تهیه کپی از آخرین الواح حضرت عبدالبهاء میشد و صدھا کپی تهیه و بتمام کشور توزیع می نمود . یکی از این نسخ بدست میس مارثاروت روزنامه نگار جوان پترزبورک رسید که بهائی شد . این نسخه را ویلهلم در فیلادلفیا وقتی که با میس مارثاروت مشغول خوردن غذا بودند بایشان داد . کورتیس از معاشرت بعضی دیگر از احباء نیویورک مثل Hopper Homis & Louis Gregory بسیار کسب

نموده باضافه مقدار زیادی فیلم و از پرسش تقاضا نمود که از اماکنی که حضرت عبدالبهاء رفته اند و جاده هایی که عبور فرموده اند هرچه بیشتر عکسبرداری نماید . کورتیس پاکت پدرش را نگاه کرد رویش نوشتہ بود : پاکت را قبل از سوار شدن کشته باز نکن . پس از حرکت کشته چون پاکت را باز نمود مبلغ ۲۵۰ دلار باو هدیه داده بود ، تعجبی ننمود چون میدانست پدرش باو توجه دارد .

وقتی کشتی بسلح فرانسه رسید با زحمات فراوان و پیش آمد معجزه آسا خود را به ناپل رسانید و با کشتی Esperia بر روی آبهای مدیترانه به سفر ادامه داد ، در آرامش دریا و آسمان صاف روزهای طلائی را بسر برد .

در حین مسافت با کشتی با جوان خوبی آشنا شد که به بیروت میرفت ، علت سفر کورتیس را دریافت او در بیروت چند نفر از احباب را می شناخت هم سفر بودن با این شخص برای کورتیس کمک مؤثری بود ، وقتی به اسکندریه رسیدند با هدایت آن دوست باسانی به ایستگاه قطار رسیدند و با هم به قاهره رفتند ، برای کورتیس همه جا دیدنی بود .

در آن ایام کوه کرمل صخره و سنگ بود و مقام اعلی ساختمانی با سنگهای روشن و شیروانی مسطح داشت ، در ایستگاه جناب لطف الله حکیم و فوجیتا منتظر بودند و او را بزودی شناختند چون تنها جوان آمریکانی بود که پیاده میشد هر دو نفر با تبسم باو به انگلیسی خوش آمد گفتند و کالسکه حضرت عبدالبهاء نیز حاضر بود . کالسکه جلو عمارت که با سنگ ساخته شده بود توقف نمود باو گفته شد

شود ، پدر کورتیس مخالفت نمود و گفت تو تازه کارت را شروع کردی ، قلب کورتیس از مخالفت او آزده شد و پدر باو گفت از من ابدا انتظاری نداشته باش ، چند روز قبل از حرکت ویلهلم هدف این سفر را با او در میان گذاشت و او را بیشتر به هیجان آورد در حالیکه از توانانی خودش در اینمورد شد داشت . او بایستی سیستم الکتریکی را در روضه مبارکه و مقام اعلی و منزل حضرت عبدالبهاء طرح و نصب مینمود ، در حالیکه در بهجی و حیفا برق وجود نداشت ، جنراتور برق را در سه محل نصب کند و آن تجربه بیشتری لازم داشت ، ویلهلم باو اطمینان داد و با خود گفت این مرد وقتی میگوید گاهی اتفاق عجیب می افتد ، میداند که بحقیقت می پیوندد ، ویلهلم ترتیبی داده بود که برای کورتیس راه برگشت وجود نداشت ، بلیط سفر ابیاع شد .

ویلهلم خوانده بود که حضرت اعلی در ماکو حتی یک چراغ در سلول زندان نداشتند او از حضرت عبدالبهاء تقاضا نمود اجازه فرمایند که وسیله الکتریسته تهیه نموده به حیفا ارسال نماید ، حضرت عبدالبهاء در جواب مرقوم فرمودند " سه دستگاه مورد لزوم است " . هنگام حرکت کورتیس جمعیت زیادی از احباب برای بدرقه آمده بودند که با مکانیک حضرت عبدالبهاء تودیع نمایند ، پدر و مادر کورتیس هم در میان جمعیت بودند ولی فشار جمعیت مانع از نزدیک شدن به کورتیس بود ، بهر حال پدر خود را به او رسانید و خدا حافظی ساده نموده پاکتی باو داد ، مادرش توانست خود را باو برساند ، او شب قبل تودیع نموده بود و یک دوربین عکاسی باو هدیه

مسافرخانه زائرین است که حضرت عبدالبهاء در آنجا با زائرین ملاقات میفرمایند.

کورتیس در فکر بود که روپرتو شدن با حضرت عبدالبهاء چگونه خواهد بود ، بنظرش رویا بود ، باور نیکرد به حقیقت پیوسته باشد ، از او خواستند داخل شود چون حضرت عبدالبهاء منتظر بودند بمحض ورود دو نفر از خانمها که یکی شرقی و دیگری غربی بود او را بر سر میز گرد بزرگی هدایت نمودند که اغذیه ایرانی بر روی آن چیده شده بود . پس از لحظه ای ... ناگهان در باز شد و حضرت عبدالبهاء ظاهر شدند ، عبا و عمامه ای برنگ روشن در بر داشتند ، به کورتیس دست داده فرمودند مرحبا ، مرحبا .

پس از اینکه دستهای مبارک را در ظرفی که فوجبینتا آورد شستند ، در سر میز جالس و کورتیس را پهلوی خودشان نشانده بقیه نیز دور میز نشستند ، از کورتیس حال احبابی آمریکا را سوال فرمودند و پرسیدند که از حیفا خوشت آمد ، کورتیس عرض نمود از محیط حیفا خوشش آمده ، فرمودند : این احساس شما برای این است که انبیاء گذشته در این مکان قدم زده اند .

پس از نهار باو فرمودند استراحت نماید ، بزودی باطاقی وارد شد که دکتر حکیم و فوجبینتا با هم در آنجا بسر میرندند . زن جوانی در این موقع وارد شد و یک شاخه پرتقال که ده عدد پرتقال بآن آویزان بود آورد و گفت حضرت عبدالبهاء برای کورتیس عنایت فرمودند .

هر هفته کورتیس از مادرش نامه دریافت مینمود و

اغلب این نامه ها تشویق آمیز بود ، حضرت عبدالبهاء در دو هفته اول کاری باو رجوع نفرمودند و او فرصت یافت که هرچه تعمیر لازم بود انجام دهد ، در گاراژ اتومبیل Ford بزرگی یافت که یکی از دوستان آمریکائی فرستاده بود ولی هرگز برای انداخته نشده بود ، در طرف چند روز کورتیس آنرا برای انداخت و چند بار با آن ماشین حضرت عبدالبهاء را به اطراف کوه کرمل برد .

۱۵ روز گذشت ، کورتیس عادت نداشت بیکار بگردد و نگران کار پدرش بود یکروز بفاصله ۱۵۰ Feet از درب خانه حضرت عبدالبهاء ایستاده بود روحی افنان را دید ، از او پرسید ، که آیا فکر میکنی چه موقع حضرت عبدالبهاء دستور میفرمایند کار را شروع کنم ، قبل از اینکه روحی جوابی بدهد ناگهان درب خانه حضرت عبدالبهاء بشدت باز شد و حضرت عبدالبهاء فرمودند " ما فردا شروع خواهیم کرد " و بعد با تبسم داخل شدند ، این خبر او را مسرور نمود و دانست که حضرت عبدالبهاء از همه افکار او مطلع هستند .

روز بعد حضرت عبدالبهاء به بهجی حرکت فرمودند ، در راه با کورتیس که در محضر مبارک بود صحبت فرموده و او کاملاً مجدوب مبارک کردیده بود . پس از صرف صباحانه حضرت عبدالبهاء بهمراهی کورتیس و روحی به روضه مبارکه تشریف بردن . پس از زیارت هیکل مبارک دستور فرمودند که کورتیس و روحی فرش ها و اثاثیه تزیینی در مقام را جمع آوری و به بیت عبود انتقال دهند . حضرت عبدالبهاء در بین راه حیفا - بهجی از کورتیس سوال فرمودند چطور

روز اول هرچه ابزار کار بود روی میز بزرگی قرار دادند و اسمی آنرا بفارسی و انگلیسی بهم یاد دادند بزودی کار آسان شد . حضرت عبدالبهاء این کار را آسان فرمودند و کورتیس در ظرف ده روز آینده مشغول حفر اطراف مقام اعلی گردید که بداند چگونه نصب سیم برق را طرح نماید که برق را ببالای گنبد مقام اعلی برساند بایستی روز یکشنبه که در پیش بود کار اصلی را شروع می کرد ولی او بسیار علاقه داشت که ایام یکشنبه که حضرت عبدالبهاء در مقام اعلی برای احباء صحبت میفرمایند او هم استماع نماید و بخصوص دوست داشت که از دست مبارک گلاب عنایتی را دریافت نماید . سعی میکرد بهر طریقی هست ایام یکشنبه خود را به حیفا برساند .

در تاریخ ۲۸ اکتبر که یکماه از ورود کورتیس میگذشت طبق معمول صبح بلند شدو بطرف کار رفته مشغول شد پس از لحظه ای حضرت عبدالبهاء ورود فرموده و فرمودند صبح بخیر پسرم ، صبح بخیر پسرم ، حالت چطور است . کورتیس بخود گفت هرگز هیچکس نمی توانست باین حالت باو نگاه کند ، حتی مادرش ، این نگاه در تمام وجودش نفوذ نمود .

کورتیس در گاراژ محل کارش مشغول جمع آوری وسائل کار شد که با آمدن لطف الله حکیم و حسین کهربانی به بهجی رفته کار اصلی را شروع نمایند گرچه عالمی وجود داشت ولی دوری از حضرت عبدالبهاء بمدت دو هفته او را بتفکر وا میداشت . یک روز بخود جرات داده از حضرت عبدالبهاء استدعا نمود که از ماشین فورد استفاده نماید . چون بعضی موقع لازم بود که برای برداشتن بعضی ابزار کار بحیفا برود .

بقیه در صفحه ۶۰

میخواهد چراغ برق را در روضه مبارکه نصب نماید ، کورتیس با اطمینان کامل جواب داد که برق را در زیرزمین با گچه داخلی روضه مبارکه نصب خواهد نمود بطوریکه روشنی برق بر روی کلهای گچه بتابد و چراغهای نفتی را تبدیل به چراغ برق خواهد نمود و بالاخره بعلم قبول فرمودند بله . . . بله . بعد در راه قصر بهجی یکی از احباء را ملاقات فرمودند و به کورتیس معرفی فرمودند که کارش سنگ تراشی بود و بایستی با کورتیس کار می کرد و ابدا زبان انگلیسی نمیدانست ، کورتیس فکر میکرد در نظر حضرت عبدالبهاء همه کارها انجام یافته است . در هنگام عبور از جلو زندان مبارک حضرت عبدالبهاء به نگاه فهماندند که این محلی است که مظهر ظهور زندانی بوده است . کورتیس با دوربین مادرش از منظرة غروب آفتاب روی کرمل و انعکاس ماه بر روی دریا چند عکس گرفت ، در کنار حضرت عبدالبهاء متوجه نشد که چگونه بحیفا رسیده است .

سالها بعد خاطرات عکا و حیفا را در کنار حضرت عبدالبهاء بیاد میآورد و بنظرش می رسید که عالم بعد بایستی مانند مرکز جهانی باشد .

حضرت عبدالبهاء برای آنکه کار برق کشی در عکا و حیفا انجام یابد فرمودند مرتبا بایستی دو هفته در بهجی و دو هفته در حیفا باشی و این روش را تا خاتمه کار ادامه بده و پس از آن شخصی را به کورتیس بنام حسین کهربانی معرفی فرمودند که مکانیک برق بود و فرمودند که باو کمک خواهد نمود ، این دو نفر ابدا زبان یکدیگر را نمی دانستند ولی بزودی کار را شروع نمودند .

دو کنفرانس تاریخی :

سپتامبر در مدرسه بهائی لوهلن ایالت میشیگان امریکا تشکیل یافت . در کنفرانس اول علاوه بر شرح حال کامل و جامع دکتر محمد باقر هوشیار یک نامه و قطعه شعری از مشارالیه خوانده شد که قطعه شعر مزبور ذیلا بخط سراینده گراور میگردد .

گوئی عجیب که حضرت ایوب ای پیر را میراثی نادره چیزیه
نمایش نموده شد . واین غزل یعنی فرزی سروده دکتر فرزور
مروف است

ماکه از پیشیرت گند خاطریاد گمکه از دل عمدیده خود صدیار
هجر بوند ز دل ایش غم را بیخ تاکه خود را تواند بپردم جاده
دل من بارخ دل بیخ هر دم گور جرمهال غوشاید که تو من لشاد
من پس از هجر را آشغ شدم هر کرد اذیت ترک طعن غم هر عینه
گه بیانی و من کاهه کلکت ششم ببردار خست کار بینجا فیض
آخر لام مدان بشکده بیک و عنا شرح حالات ترا کفست بشاد
شور عشن تو رکشت فریز مراس چو که ز دنمه شهسا ز کرم سید
زارم از دست قیامی دیاران شنیست کسی که قیدم شاید ازاد
دو شن در میکهه مستاره صد رهشیار
میشوگر شود باهه آن با پنهاد

در سال جاری ۱۹۹۵ میلادی بهمت و همکاری لجنه مجله امور احباب ایرانی - امریکانی ، محفل مقدس روحانی ملی امریکا دو کنفرانس تاریخی بزیان فارسی منعقد گردید که هر دو کنفرانس جالب و آموزنده بود .

کنفرانس اول بنام (کنفرانس انجمن دوستداران فرهنگ ایرانی) بیاد استاد دانشمند بهائی دانشگاه طهران متصاعد الی الله دکتر محمد باقر هوشیار علیه رضوان الله در تاریخ ۲۶ تا ۲۹ می در شهر اوستن ایلوونی امریکا برگزار شد .



قطعه شعر دوم که خوانده شد از شاعر مشهور و توانای اخیر دکتر مهدی حمیدی شیرازی بود که در رثای دکتر هوشیار برای روی سنگ قبر او سروده و عنوانش (چند کلمه بر یک سنگ است)

اگر چند بر درد هستی دوا است
چنین خواب سنگین ز تو نارواست
برد رنج هستی و خفتندش به
کسی کاو به هستی اسیر هوی سست

دکتر محمد باقر هوشیار

شیراز ۱۹۰۵ میلادی - طهران ۱۹۵۶ میلادی

کنفرانس دوم بنام (مجمع عرفان) با مساعدت صندوق یادبود حاج مهدی ارجمند اعلی الله مقامه از ۸ تا ۱۰

اجازه فرمودند ، در این مدت ۴ یا ۵ مرتبه به حیفا رفت و از این اجازه سوء استفاده ننمود .

در این زمان بیشتر امور برق بهجی انجام و تکمیل شده بود . کورتیس با جناب حکیم و حسین کهربانی در بهجی در خانه کوچکی زندگی مینمودند و حضرت عبدالبهاء در موقع تشریف فرمائی به بهجی در آنجا سکونت میفرمودند .

حضرت عبدالبهاء بسیار مواظب بودند که از لحاظ غذا به کورتیس سخت نگذرد و به آقا سید ابوالقاسم متصدی امور بهجی دستور فرمودند که ترتیب صبحانه، شام و نهار او ترتیبی باشد که او از همه مواد غذایی استفاده نماید . حضرت عبدالبهاء بکار کورتیس سرکشی نمی فرمودند و این حالت اعتماد بود که کورتیس فقط در مرکز جهانی میدید .

کورتیس میدانست حضرت عبدالبهاء کار را تمام شده و هر دو مقام را درخشنان میدیدند .

بعیه در شماره آینده



هوی تا تو بودی اسیر تو بود

خوش آنکس که برخویشتن پادشاه است
زبان خرد چیست بر خاک خلق ؟

یکی مرغ برکوه بنشت و خاست
خرد را به خاک تو باید نوشت
که چون آمد افزود و چون رفت کاست

در کنفرانس ثانی مسائل تحقیقی مورد بحث و فحص نهایت اهمیت را داشت جا دارد که کلیه مسائل مطروحه در مجموعه ای تهیه و انتشار یابد که مسلما بهمت مسئولان و مجریان برنامه ها این امر تحقق خواهد یافت ، مواضعی که در مجمع عرفان مورد تحقیق قرار گرفت عبارتند از :

* روح انسانی و نظریه تکامل در دیانت بهانی

* مروری بر لوح برهان

* شرائف مقدماتی برای مطالعه احکام کتاب مستطاب اقدس

* جزا در آئین الهی

* نظری اجمالی در آثار حضرت باب الباب

* اسرار علم و حکمت الهی

* نکته هایی در باره کتاب مستطاب ایقان

هیئت تحریریه عندلیب انعقاد این دو کنفرانس آموزنده را به مجریان و مسئولان تنظیم و تهیه پرگرام تبریک میگوید و مزید موفقیت آنان را در تشکیل اینگونه کنفرانس های تاریخی و علمی از آستان الهی مستلت مینماید .

شروع کردیم و امسال با ۲۲۰ دانشجو در چهار رشته فنی این دانشگاه فنی شروع بکار کرد ، به پیوست فتوکپی مدارکی را حضورتان میفرستم تا ملاحظه بفرمائید که این دانشگاه چقدر مورد توجه اولیاء امور دولتی و تعلیم و تربیت و نیز محفل محلی ، ملی و مورد عنایات بیت العدل اعظم الهی واقع گردیده است . چنانچه آن هیأت محترم صلاح بدانند مطالبی راجع به این دانشگاه فنی که اولین دانشگاه فنی در این شهر و نیز در امر بهائی می باشد در این مجله ذیقیمت عندليب چاپ شود تا بدین وسیله چنانچه دوستان عزیز الهی که در سایر ممالک جهان هستند و مایلند اطلاعاتی راجع به آن بدانند با ما مکاتبه کنند و شاید این وسیله ای باشد که بعضی جوانان بهائی سایر شهرهای پر جمعیت دنیا که عشق به مهاجرت دارند و میخواهند رشته های فنی را که مورد توجه حضرت بهاء الله می باشد یاد بگیرند باین سرزمین پر برکت روحانی که مورد نظر بیت العدل اعظم الهی است بیایند .

Universidad Técnica Privada
de Santa Cruz
Casilla 4146
Santa Cruz
Bolivia
آدرس:

ضمیمه نامه مندرجہ بالا فتوکپی مدارک مربوطه و عکسهاي جالبي بود ، هرچند مایل بوديم يك يا دو عکس را چاپ نمائيم ولی بعت سیاه بودن فتوکپی عکسها مقدور نشد .
عندليب

تأسیس دانشگاه صنعتی در شهر سانتاکروز بولیویا

نامه ای از خانواده محترم حجری در مورد تأسیس دانشگاه صنعتی در شهر سانتاکروز به عندليب رسید که موجب سرور موفور گردید . شکر خدارا که احبابیش در اطراف و اکناف به نشر نفحات الهیه و خدمت بعلم انسانی مشغول و مألفند .

عندليب موفقیت این خانواده محترم را در تأسیس چنین خدمت بزرگی تبریک میگوید و نامه واصله را عیناً ذیلاً درج مینماید تا یارانی که اطلاعاتی در مورد دانشگاه مزبور خواسته باشند رأساً مکاتبه نمایند .

هیئت محترم مجله عندليب بهائی دامت توفیقاته پس از تقدیم عرض تکبیر الله ابهی امید است که از فضل حق همیشه و در همه حال سلامت موفق و مؤید باشید جای بسیار تشکر و سپاسگزاریست که شما عزیزان اینهمه زحمت میکشید و خدمت بزرگی را در راه امر با این مجله بسیار عالی از لحاظ مطالب و محتویات آن تهیه میفرمائید . این مجله تنها یار و همراه مهاجرین حق می باشد که در دورترین نقاط عالم به خدمتی مشغول می باشند . این حقیران پس از ۱۹ سال مهاجر بولیویا و ساکن شهر سانتاکروز و تجربه در راه تبلیغ امر و تعلیم مسائل اقتصادی و فنی توسط یک آموزشگاه فنی سال گذشته مقدمات تأسیس یک دانشگاه فنی را

حسن خاتمه

اعظم موهبت حضرت رحمانی است

نیستند و روزی باید که ایمان آورند و مصدر خدمات عظیمه شوند و چه بسیار نفوسي که حال ایمان دارند ولی در آخر حیات غافل از حق گردند «(۲) برای دستیابی به حسن خاتمه و احتراز از لغزش باید فروتنی و تواضع پیشه گرفت ، جمال ابھی در ورق سوم از فردوس اعلی به این کلمات عالیات ناطق قوله جل جلاله و عز بیانه .

« ان الانسان مرة يرفعه الخصوص الى سماء العزة والاقتدار واخرى ينزله الغرور الى اسفل مقام الذلة و الانكسار » (۴)

و نیز در لوحی خطاب به جناب عندلیب چنین میفرمایند قوله المنبع :

« يا عندلیب نامه ات رسید و نزد مظلوم ذکر شد و در ایام حزن سبب بھجت و سرور گشت و این کلمه ات بسیار مقبول افتاد الهی بیزار از آن طاعتم که مرا به عجب آورد و مایل آن معصیتم که مرا به عذر آورد اگر چه جمیع آنچه عرض نمودی سبب فرح و تبسم شد ولکن این کلمه را مقام دیگر عنایت نمودیم ان بک لھو المقتدر المختار » (۵)

در همین مقام حضرت مولی الوری خطاب به احبابی نیز میفرمایند قوله العزیز :

« اما وسائل وصول به حسن خاتمه این است که باید از عجب و کبر احتراز نمود و خودپسندی را مبغوض دانست و در جمیع اوقات شرمصار بود و از هواجس نفس و هوی بیزار و از اهل فتور و غرور در کنار و ثابت بر عهد و میثاق و علیکم البهاء الابھی » (۶) از جمله طرق احتراز از این صفت ناپسند و روش نامبارک آنکه شب و روز دست نیاز به ساحت پروردگار

جمال قدس جنان در کتاب مستطاب ایقان به این بیان احلی ناطق قوله عز کبریائه :

« حسن خاتمه مجھول است ای بسا عاصی که در حین موت به جوهر ایمان موقق شود و خمر بقا چشد و به ملاع اعلی شتابد و بسا مطیع و مؤمن که در وقت ارتقای روح تقلیب شود و به اسفل درکات نیران مقریابد . » (۱)

بی گمان علویت و عزت انسان مجرد به کسب لذاند دنیوی و متابعت هواهای جسمانی نبوده و نیست بلکه فخر انسان در حکمت و عقل و اخلاق حسن و عزت نفس اوست چنان که فرموده اند :

« مقصود از حیات در این عالم دنیا آنست که انسان اکتساب فیض ابدی نماید و روی به نور ایمان روشن نماید ، از عین یقین نوشد و به ملکوت الهی بی برد و اکتساب فضائل عالم انسانی نماید . » (۲)

بزرگترین آفته که مانع و رادع انسان در کسب فضائل و ورود به ملکوت رحمانیست انانیت و خودپسندی است زیرا « خودپسندی عجب میآورد ، تکبر میآورد ، غفلت میآورد ، هر بلائی که در عالم وجود حاصل میشود چون درست تحری بکنید از خود پسندی است ما باید خود را به پسندیم بلکه سایرین را بهتر بدانیم حتی نفوسي که مؤمن نیستند زیرا حسن خاتمه مجھول است چه بسیار نفوسي که حالا مؤمن

حضرت عبدالبهاء در یوم هیجدهم صفر سال ۱۲۲۲
هجری قمری در جم احباب در حیفا فرمودند :

» هر کس که به حسن خاتمه فائز شد باید بداند که این اعظم نعمت الهی است در عالم انسانی دیگر موهبتی اعظم از حسن ختم نمیشود ، همیشه باید که مهاها دعا کنیم ، تصرع و زاری نماییم و جزع و فزع به ملکوت ایهی کنیم که به حسن خاتمه موفق گردیم . . . یک ملا محمد تقی بود که در ایام حضرت اعلی مؤمن شد و از مؤمنین خیلی کامل بود و رساله ای در اثبات حضرت اعلی نوشت ، خیلی شخص ممتازی بود به حسب ظاهر معروف و مشهور و عالم و فاضل بود. لیکن بیچاره به سوء ختم مبتلا شد ، آمد رفت به نجف پیش حضرات علماء ، حضرات علماء گفتند که این شخص مرتد است توبه او قبول نیست ، باری چه نسبت ها که غیر ممکن و محال است به حضرت اعلی میداد مفتریات زیاد بود با وجود این هرجا میرفت قلیان میآوردند میکشید بعد نی قلیان را می شستند ، آقا محمد تقی نقشی بود در اصفهان بسیار شخص خوبی بود بعد به درجه ای راجع شد که در نجف رفته بود از آنجا مخصوص آمد حضراتی که از اقربای او هستند و خود آنها را تبلیغ کرده بود ، کفت چون من اینها را تبلیغ کرده ام باید برگردانم شبها نماز میخواند و روزها روزه میگرفت بعد دیگر جمال مبارک فرمودند من او را عفو کردم به جهت این که او یک وقتی زحمت ها کشیده و تبلیغ کرده بود ، حالا این است که حسن خاتمه اعظم موهبت الهی است هر نفسی که به حسن ختم فائز شد او مظہر الطاف الهی خواهد گردید باید آن شخص را خیلی مُکرم داشت « (۱۰) »

بقیه در صفحه ۴۵

بی انباز بلند کنیم و به تلاوت این مناجات دمسار شویم که :

» ای خداوند فضل و عنایتی و حفظ و حمایتی و لطف و صیانتی تا نهایت ایام ممتاز از بدایت گردد و خاتمه الحیات فاتحة الالطاف شود ، هر دم لطف و عنایتی رسد و هر نفس عفو و رحمتی مبذول گردد تا آن که در ظل ممدود و تحت لواء معقود به ملکوت محمود راجع گردم ، تونی منان و مهربان و تونی رب الجود والاحسان « (۷)

باید پیوسته متذکر این حقیقت اصلیه باشیم که حیات بهائی فرد مؤمن باید از جمیع جهات ممتاز سایرین و جامع جمیع کمالات انسانی باشد و توجه به این اندار حضرت بهاء الله نماییم که میفرمایند :

» بسا نفسی که در اصیل از ایهی سدره بقا است و در ابکار از ادنی شجره فنا و كذلك بالعکس لو انت من العارفین . . . چنانچه بسا از عباد که در اول ظهور جمال رحمن به ایمان فائز شده اند و بعد معرض « (۸)

در نتیجه برای حصول به حسن خاتمه باید :
» وقتی که به خودمان نگاه می کنیم به بینیم که از خودمان ذلیل تر ، خاضع تر ، پست تر ، کسی دیگر نیست و چون به دیگران نظر اندازیم به بینیم که از آنها عزیزتر ، کامل تر ، دانا تر ، کسی نیست زیرا به نظر حق باید به جمیع نگاه کنیم باید آنها را بزرگوار به بینیم و خود را خوار و هر قصوری که در نفسی می بینیم آن را از قصور خود دانیم زیرا اگر ما قاصر نبودیم آن قصور را نمی دیدیم ، انسان باید همیشه خود را قاصر و دیگران را کامل به بیند « (۹)

قسمت جوانان

چرا بهائی هستم؟

کلاس تابستانه نوجوانان بهائی طهران

سال ۱۲۶ بدیع مطابق ۱۲۴۷ شمسی

سرپرست شهید عالی مقام جناب دکتر مهندسی

موضوع انشاء - چرا بهائی هستم

نگارنده - ناهید حیاتی (ایزد پناه)

سخنی است خوش عmad کاتب را

که بباید نوشت با خط زر

گفت: دیدم که درجهان هر کس

خود کتابی نوشت یا دفتر

کرچه چندی گذشت و بازخواند

اندر آن یافت نقص های دگر

کای دریغ اینچنین نبایستی

گرچنان بود، بود از این بهتر

این حکایت برای مرد حکیم

بهتر است از خزانه های گهر

عبرت است این و پند و معرفت است

تا بدانی که چیست حال بشر

هرچه کوشیدم که در باره وجود انسان تا آنجا که

قدرت دارم تفکر و تعمق نمایم خود را ضعیف تر و

ناتوان تر احساس نمودم. زیرا تفکر در باره وجودی

که خداوند می فرماید: من عرف نفسه فقد عرف رته
و یا انکه شاعر می گوید:

"رسد آدمی بجانی که بجز خدا نبیند" کاری بس
دشوار و شاید غیر ممکن باشد. وجود انسان منبع
تضادهای بشری است سرشته شده از خوبی، زشتی،
محبت، خشم، اندوه، شادی، زیبائی و غیره است.
کرچه فلاسفه الهی و مادی سالیان سال کوشیده اند
که معماً وجود انسان را حل نمایند ولیکن آنطور که
وجود نامحدود نفس محدود ما طلب می کرد در نیافته
اند. این دسته از فلاسفه کوشیدند که راه بهتر
زیستن را بما بیاموزند و در این زمینه فلاسفه الهی تا
اندازه ای موفق گشتند. ولی از آنجا که این راه بس
طولانی و نامحدود است موقیت آنها بسیار ناچیز و
اندک می باشد. اما انبیای الهی این راه را ساده تر و
سهول تر از آنچه که ممکن بود نمودند.

البته اگر من بجای طراحین سؤال که چرا بهائی هستم
بودم هرگز مبادرت به طرح چنین سوالی نمی کردم،
زیرا که چنین جرأت و جسارتخی در خویش سراغ
ندارم که خود را به معنای واقعی بهائی بنام. این
مطلوب دلیل بر تواضع و فروتنی اینجانب نیست،
تصوّر نرود این کلمات را که حاکی بر عدم لیاقت
خویش میدانم بر طبق عادات روزمره بیان نموده ام،
زیرا که فرق است میان چرا بهائی هستم یا اینکه
چگونه بهائی بشویم، هنگامیکه می گوئیم چرا بهائی
هستیم بهائی شدن برای ما محرز است و فقط اقامه
دلیل نیاز دارد و حال آنکه هیچیک از ما هنوز به
سرحد کمال که همان بهائی بودن باشد ترسیده ایم.
دیانت بهائی به معنای اخص کمالی است که همه ما

آلام بشری است . هنگامیکه پنجه های هترمندی چیره دست بروی سازی بالا و پانین میرود و بانگمه خویش تار و پود وجود را در هم میریزد و یا هنگامیکه شاعری با سروden قطعه زیبائی های دور از دسترس را در نظر ما روشن میسازد زیبائی میآفریند . آئین بهائی نیز با خلقتی جدید از حقایق و کمالات انسانی زیبائی آفرید و عالم بشری را صفاتی جاودانی بخشدید . بیان مبارکه : ان اعملوا حدودی حبا لجمالی ، پس برای وصول بکمالی که عشق راهنمای آنست نباید تنها به کلمه بهائی هستیم اکتفا کنیم . بلکه باید بخواهیم که بهائی حقیقی و واقعی باشیم ، اراده کنیم و طلب نمائیم زیرا که بفرموده جمال اقدس ابهی شرط اول طلب است .

خانم ناهید حیاتی بنا بنوشتۀ خودشان این مقاله را در سنه ۱۲۶ بدیع تابستان ۱۲۴۷ شمسی برای کلاس‌های تابستانه نوجوانان تهیه نموده و شهید مجید جناب دکتر خسرو مهندسی علیه رضوان الله از مشارالیه خواسته اند که برای مجله وزین آهنگ بدیع بفرستند تا در آن مجله انتشار یابد ولی بعلت مهاجرت توفیق این امر را نیافته اند ، حال برای مجله عندلیب که یادآور آهنگ بدیع است میفرستند تا در قسمت جوانان انتشار یابد . عندلیب آنرا چاپ نمود تا یادآور خاطرات خوش دوران گذشته کلاس‌های تابستانه نوجوانان مهد امرالله و مجله وزین و شیرین آهنگ بدیع باشد .

عندلیب

باندازه لیاقت خویش از آن بهره گرفته ایم و هنوز بآن کمال که دور از دسترس ما است دست نیافته ایم . هرچه بیشتر از این راه را طی کنیم بآن کمال نزدیکتر میشویم و ادعا میکنیم که میخواهیم بهائی باشیم . ولی اگر بگوییم که چگونه بهائی شویم یا باشیم وضع بدین منوال نیست . در آنصورت قدرت بحث و تفکر نیز در ما زیاد میشود و میتوانیم برای رسیدن باین کمال کوششی مدبرانه آغاز کنیم و هیچگونه ادعای غیر منطقی نیز نکرده ایم . تصور نیکنم کسی قدرت آن را داشته باشد که بگوید من بهائی به تمام معنا هستم ، زیرا که مثل اعلای دیانت بهائی حضرت عبدالبهاء هستند . پس وقتی بهائی تمام معنا نبودیم یعنی در کمال آن گام برداشته ایم . پس میخواهیم که بهائی باشیم و باید بگوییم که در رسیدن بکمال آن کوشش میکنیم .

دیانت بهائی بمن آموخته است که :

تو نیکی میکن و در دجله انداز
که ایزد در بیانات دهد باز

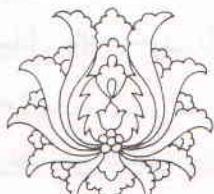
دیانت بهائی میآموزد که انسان باید نیکی کند زیرا که نیکی کردن از فضائل انسانی است . کسی که نیکی نکند انسان نیست ، پس انسان باید نیکی کند . اگر من برای اینکه پاداش نیکی خویش را بگیرم نیکی کنم باین ترتیجۀ میرسم که خود نیکی چیزی نیست و معنا و مفهومی ندارد . پس برای این بهائی هستم که دیانت بهائی فضائل عالیه بشری را بدون هیچ قید و شرطی بمن میآموزد .

آئین بهائی در نظر من تابلوی بسیار زیبائی است از فضائل و کمالات عالیه انسانی ، که چاره ساز یکی از

می‌آید آن زمان

حوریوش رحمانی

بر فراز آسمان نیلگون وفا
پروازی شادمانه نمایند ...
می‌آید آن زمان
که چشم امیدوار بشر
از عمق دورترین نقطه تاریخ
در پیچ و خم تیره ترین لحظه های تمدن
بی صبرانه در انتظارش بوده
می‌آید آن عدالت اعظم
که قلبهای پر ز غم
در زیر گامهای سرد ستم
بخاطرش طیش ناباورانه داشته ...
می‌آید آن زمان
ارج شکوفایی تمدن انسان
که با درخشش آرمانهای جدید
نارسانی اندیشه های دیرینه
در گذشته خاموش
آرام و بی صدا
فراموش میشود ...
می‌آید آن زمان
می‌آید آن زمان



می‌آید آن زمان
که بشر بگونه ای دیگر اندیشد
که تمدن رنگی تازه گیرد
که دیگر پیکر انسانها
در میدان نفرت و بیزاری
در کف بیرحمانه گلوله های جفا
پاره پاره نگردد
که دیگر اشکی بر گونه نفلطد
فریادی در سینه نمیرد ...
می‌آید آن زمان
که بیگانگی به یگانگی گراید
که نفاق رنگ اتفاق گیرد
که یخ های سخت تعصّب
در تللو پر شکوه و گرم حقیقت
قطره قطره آب گردد
که نشانه های حق همه جا
پیدا و آشکار
همچو آفتاب گردد ...
می‌آید آن زمان
که ابلیس جهل از صحنه زمانه
رخت بر بند جاودانه
که دیگر جند شوم جنگ
بر خرابه های نظام کهن
نوخه مرگ سر ندهد
که کبوتران سفید صلح و صفا

جامعه بین المللی بهائی :

جامعه بین المللی بهائی با همکاری نمایندگان محل روحانی ملی آمریکا در سازمان ملل متحده بمناسبت پنجمین سال تأسیس سازمان ملل ترتیب جلسات متعددی بمنظور بزرگداشت این واقعه دادند که جملکی با استقبال عموم مواجه گشتند . فی المثل در جلسه ای که با حضور دبیر سازمان ملل متحده - جناب پطرس پطرس غالی و شرکت برنده جایزه صلح نوبل در سال ۱۹۹۵ Mr.Desmond Tutu اسقف اعظم جناب دزفوند توتو تشکیل یافت . نمایندگان مذاهب مهم منجمله نمایندگان جامعه بهائی شرکت نموده احباء به اجرای سه برنامه مانند اجرای سرود توسط انجمن کُر بین المللی بهائی کالیفرنیای شمالی و همچنین تلاوت مناجات پرداختند . در این جلسه افراد مهم و مشهوری چون پرنس مارکارت از انگلستان و سفرای برخی از ممالک حضور داشتند . قسمتهایی از برنامه های اجرا شده توسط احباء از شبکه تلویزیونی پخش گردید .

کوبا :

سومین برنامه تبلیغی ملی کوبا در طی ماههای فوریه ، مارچ و آپریل بوقوع پیوست ، مبلغین سیار از کشورهایی چون کانادا و کوستاریکا به کوبا تشریف آوردند و به احبابی محلی در این اقدامات و فعالیت های تبلیغی کمک شایان نمودند . اسفار متعدد - ملاقات با افراد برجسته و صاحب نظر و ابلاغ کلمه کسترده و وسیعی در اثر این معاضدت و همکاری بوقوع پیوست . نتیجتاً بیش از چهل نفر با مر بارک

اخبار و بشارات امریه

اقتباس و ترجمه از اخبار بین المللی

اسفار تبلیغی و بین المللی امة البهاء حضرت خانم :
ایادي معظم امرا الله امة البهاء حضرت خانم از تاريخ ۲۹ جون تا ۲ جولای امسال مهمان عالیقدر کنفرانس تبلیغی ناحیه ای در شهر تیرانا پایتخت کشور آلبانی بودند . مقصد این کنفرانس مشورت در باره طرق پیشرفت امرا الله در منطقه بالکان و تعیین اهداف تبلیغی برای کل این ناحیه می بود . در کنفرانس قریب سیصد نفر از ۱۸ کشور شرکت داشتند که اکثراً پس از اتمام کنفرانس عازم اسفار تبلیغی گشتند .

در طول اقامت امة البهاء حضرت خانم در آلبانی دختر رئیس جمهور آلبانی به حضور ایشان شتافته به ملاقات و گفتگو نشست . در پایان این ملاقات حضرت خانم ضمن ابراز عنايت به رئیس جمهور و تحسین از مملکت کوچک ولی تاریخی آلبانی برای جناب رئیس جمهور هدیه ای مبدول داشتند . حضرت روحیه خانم در طول اقامت یک هفته ای حضرتشان در آلبانی مکرراً مورد مصاحبات روزنامه ، رادیو و تلویزیون قرار گرفتند به میرانی که امرا الله در تاريخ پیشرفت و گسترش خویش در این قسمت اروپا هرگز تا بحال باین حد مورد توجه و علاقه وسایل ارتباط جمعی قرار نگرفته بود .

مشاور محترم قاره آسیا جناب الحان سزگی Mr. Elhan Sezgin و یکی از اعضای هیئت معاونت در خدمت جناب گروسمن به شهرها و دهات گوناگون تشریف برده از نزدیک از شهرها - دهات و قراء گوناگون دیدن بعمل آوردن و با مردم از قضی و دکتر و تاجر گرفته تا کشاورز و دانشجو و استاد دانشگاه و شهردار شهر ملاقات و ابلاغ کلمه نمودند . جناب گروسمن در گزارش خویش از این سفر یاد آور موقعیت مغتنم تبلیغی در جنوب ترکیه گشته اند . مثال های متعددی از آمادگی مردم می آورند . از جمله آنکه در مناطق کردنشین ترکیه در موقع میل غذا در یک رستوران هفت نفر از کارکنان رستوران بامره الله ایمان می آورند و یا در آدنا Adena شهری با جمعیت قریب به یک میلیون نفر که تازه رو به ترقی میباشد سه مصاحبه تلویزیونی انجام می گردد که یکی از آنها ۹۰ دقیقه بطول انجماید . این برنامه بقدرتی مورد توجه و تلفن بینندگان قرار گرفت که شبکه تلویزیونی مبادرت به ایجاد و پخش برنامه ای در باره تعالیم امری نمود . در قریب ای دیگر یکی از مسنولین کلیسا از احباب تقاضای نشریت امری نمود تا بتوانند تعالیم و مقاصد امری را به مسیحیان و پیزان آن کلیسا معرفی نمایند .

کانادا :

دختر خانی ۱۹ ساله بنام خانم نوا اشرف که در ایالت بریتیش کلمبیا British Columbia ساکن می باشند اولین جوان و اولین بهانی میباشند که مفتخر به

ایمان آوردن و دو محفل روحانی در دو نقطه مهم کوبا یکی در شرق مملکت و دیگری در غرب تشکیل یافت .

ماداگاسکار :

اولین مدرسه ابتدائی بهانی ماداگاسکار توسط همسر رئیس جمهور ماداگاسکار در ماه می افتتاح گشت ، در این مراسم مقامات مهم مملکتی و وزیر تعلیم و تربیت حضور داشتند . اکثر ناطقین از جامعه بهانی ماداگاسکار بخاطر ایجاد مدرسه در محلی که دور افتاده و دور از دسترس می باشد تحسین و قدردانی بعمل آوردن . نماینده محفل روحانی ملی در بیانات خویش در این جلسه ابراز داشتند که این مدرسه بخاطر احتیاجات جامعه محلی بهانی در آن ناحیه ایجاد گشته و مخارج آن نیز توسط جامعه محلی بهانی و محفل روحانی ملی بهانی پرداخت شده . وزارت آموزش و پرورش معلمین مدرسه را تأمین نموده و سفیر کبیر جزایر موریس کتب مورد لزوم مدرسه را فراهم آورده است . نماینده محترم محفل اضافه نمودند که در تیجه این همکاری و همکامی بود که احباء توانستند درهای این مدرسه را به عموم اهالی محلی باز نمایند .

ترکیه :

جناب گروسمن Mr. Grossmann عضو محترم دارالتبیغ بین المللی اخیرا از اجتماعات بهانی در مناطق شرقی و جنوبی ترکیه دیدار بعمل آوردن و از سرعت پیشرفت امر - فعالیت و پشتکاری احباء قدردانی بسیار نمودند .

جزایر کوک :

جزایر کوک واقع در اقیانوس اطلس و در جنوب شرقی جزایر ساموا بوسعت ۲۲۴ کیلومتر مربع می باشد . اهالی این جزیره از قوم مانوری (Maori) و اکثراً به مشاغل کشاورزی و ماهیگیری مشغول میباشند اخیراً محفل جدید التاسیس تنو او تونگا پس از دریافت بیانیه رفاه عالم انسانی (Prosperity for Mankind) مصمم گشت که بیانیه عظیم و عمیق را گوشزد افراد متین‌ذ و سرشناس نماید . متعاقباً تحت هدایت محفل روحانی ملی جزایر کوک (جزایر کوک شامل دو جزیره می باشد) لیستی حاوی ۱۵۰ نفر منقسم به کروههای مختلف از نظر مقام و رتبه اجتماعی مهیا و آماده گردید . ۲۵ نفر اسامی کروه اول شامل اسامی چون نمایندگان ملکه انگلستان - نخست وزیر و وزرای دولت و روسای قبایل محلی بود . بیانیه رفاه عالم انسانی بدیشان توزیع کشت و متعاقباً از ایشان دعوت بعمل آمد تا در جلسه ای پرسکوه شرکت نمایند . در این جلسه وزیر بهداشت بقدرتی مجدوب نکات این بیانیه قرار گرفت که علناً اظهار تمایل به انتشار و مطالعه این اثر نفیس را در کابینه دولت نمود . اقدام بعدی محفل روحانی توزیع بیانیه مابین روسای ادارات دولتی ، ناظمین مدارس و مدیریان مؤسسات غیر دولتی بود . بدنیال این اقدامات دو فیلم در باره رفاه عالم انسانی یکی بزبان انگلیسی و دیگری بزبان مانوری پخش گردید . عموم این برنامه ها موجب آشنائی بیش از پیش اهالی جزایر کوک با این بیانیه مهم گشت .

دریافت جایزه " فرمان بریتانیش کلمبیا " Order of British Columbia برای سال ۱۹۹۴ کشته اند . خانم اشرف در مدرسه خویش همیشه جزو محصلین مُبّر ز و ممتاز بوده اند . ایشان در سال آخر تحصیلی موفق به کسب جایزه محصل ممتاز از جانب فرماندار کل بریتانیش کلمبیا کردیدند . خانم اشرف در دوران تحصیلی موفق به تشکیل کروه های مختلفی برای ترویج جهانی صلح و حفظ محیط زیست نیز کشته اند .

پاناما :

مرکز منطقه ای بهانی در منطقه چریکی Chiriquí واقع در کشور پاناما در تاریخ ۹ آپریل در حضور ۲۰ نفر افتتاح گشت . مراسم افتتاح که بوسیله محافظ محلی ناحیه ترتیب یافته بود مشتمل بر سه روز جشن و پایکوبی می بود . بسیاری از احبابی منطقه چریکی در ساختمان این مرکز بهانی نقش های مهم و حساسی را ایفا نمودند . این مرکز می باشد در راس کوهی ساخته شود که فاقد جاده مناسب بود . ناچارا احبابی خدوم و فدآکار ناحیه قریب ۲۰ متر مکعب سنگ و شن و ۱۵۰ کیسه سیمان و سایر مواد ساختمانی را اکثراً بر دوش کذاشته ۴۵ دقیقه طی طریق و کوه پیمانی نموده تا به سر تپه رسیده قادر به ادامه ساختن شوند . با چین زحمت و موارنی این مرکز بهانی ساخته و افتتاح گشت و اکنون محلیست برای ایجاد و تداوم انواع و اقسام کلاسهای امری ، جلسات تبلیغی و قس علی هذا .

حبسه :

ناگاساکی Hiroshima to Nagasaki بمناسبت پنجاهمین سال انفجار دو بمب اتمی در دو شهر فوق الذکر دوی امدادی نمودند ، دویدن امدادی از شهر هیروشیما در ساعت هشت و ربع ۶ اگوست یعنی ساعتی که اولین بمب اتمی دنیا در سال ۱۹۴۵ منفجر گردید آغاز شد و مسافت ۴۶۵ کیلومتر بین دو شهر توسط گروه بسیاری از مردم مثل دانشجو ، کشاورز ، تاجر و معلم پیموده گشت . در طول راه تعداد بسیاری از اوراق تبلیغی به مردمی که بر سر راه به تماشا ایستاده بودند پخش گردید . دوندگان سرانجام در ساعت نه و نیم صبح نه اگوست وارد شهر ناگاساکی گشتند . در روز بعد احبا در مراسم بزرگداشت مجروحین و مقتولین جنگ شرکت نموده یک گروه نوازنده موسیقی بهائی از نیوزیلند در پارکی که در بالای آن بمب اتمی ۵۰ سال قبل منفجر گردیده بود به اجرای برنامه های هنری پرداختند . این اقدامات تبلیغی انکاس گسترده در تلویزیون و روزنامه های محلی داشت .

مالاوی :

در سوم اگوست امسال نمایندگان جامعه بهائی مالاوی که شامل هشت عضو محفل روحانی ملی یک عضو هیئت معاونت و دو عضو لجنه ارتباط با اولیای امور بود موفق به ملاقات با رئیس جمهور مالاوی جناب باکیلی مولوزی Mr. Bakili Muluzi شدنیابتدای این ملاقات نمایندگان جامعه امر پس از کسب اجازه از جناب رئیس جمهور به تلاوت مناجات که در مورد

در اواخر ماه جون امسال وزارت امور اجتماعی در حبسه کنفرانسی در مورد مردم آواره در حبسه تشکیل داده از جامعه بین المللی بهائی تقاضا نمود که نمایندگانی چند باین کنفرانس گسیل دارد . در نتیجه دو نفر از احبا به نمایندگی از جامعه جهانی امر در میان دو هزار نفر حضار که اکثراً استادان دانشگاه ، مقامات دولتی و نمایندگان مؤسسات مهم غیر دولتی بودند شرکت نمودند . کنفرانس را وزیر امور اجتماعی در حضور دو وزیر دیگر افتتاح نمود . پس از تعمق و تأمل در گزارش مربوط به آوارگان در حبسه ، حاضرین به گروههای مختلف تقسیم گشتند و هر گروه جنبه ای از این مشکل اجتماعی را مورد مطالعه قرار داد .

نمایندگان جامعه امر لزوم تعلیم و تربیت مخصوص برای نسوان را مورد تأکید قرار داد . قریب صد کیمی از مقاله تابعیت بین المللی World Citizen ship را که توسط جامعه بین المللی چاپ گردید بین حضار و سایر نمایندگان پخش نمودند . در پایان این کنفرانس معاون وزیر امور اجتماعی از نمایندگان جامعه امر تشکر بسیار نمود و از ایشان خواهش کرد که جامعه بهائی حبسه در حل این مشکل اجتماعی کوشش بیشتر بنماید .

ژاپن :

یک گروه بین المللی ۵۰ نفری که از اطراف و اکناف جهان بگرد هم آمده بودند از شهر هیروشیما تا

مغولستان بیان داشتند . در طول کنفرانس شور و شوق بسیاری از احبا بر اینگخته گشت . در روز آخر ۹۵ نفر از ۷۰ شرکت کننده داوطلب خدمات تبلیغی در نواحی مختلف اسپانیا و بخصوص در مناطق جیپسی نشین Gypsy گشتند .

استرالیا :

جامعه بهائی راکدیل Rockdale در استرالیا اخیراً موفق به تشکیل جلسه‌ای بخصوص برای وحدت و الفت بین مردم بومی و غیر بومی استان نیوسات ولز New South Wales گردید . مهمان برگسته این جلسه جناب چورج تامپسون نماینده و عضو مجلس نمایندگان استرالیا بودند . اگر چه ایشان تا قبل از شروع جلسه از امر مبارک اطلاع و آکاهی چندانی نداشتند . ولی حضورشان در جلسه و موافقت و گفتگوی با احبا، باعث شد که نه تنها جناب تامپسون از اهداف و مقاصد عالیه امر مبارک اطلاع پیدا کنند بلکه تحت تأثیر احترام امر مبارک نسبت به بومیان و والا شمردن حقوق و آراء اقلیت‌ها در امر مبارک قرار گیرد . اثر نیک این جلسه در جناب تامپسون بحدی بود که بعداً ایشان در یکی از جلسات مجلس استرالیا به گرمی و نیکی از آئین مبارک یاد نموده رسماً از دست اندکاران جلسه الفت و محبت تشکر و قدردانی کردند.

کامبیا :

محفل روحانی ملی کامبیا پیرو کنگره سران دول در Solial کپنهاك که در مورد توسعه اجتماعی

اتحاد عالم انسانی بود پرداخته سپس تاریخ مجلل امر الهی را معرض داشتند و در انتهی جزو های نفسی The az بیانیه صلح جهانی بیت العدل اعظم الهی Promise of the World Peace را به جناب رئیس جمهور تقدیم نمودند جناب رئیس جمهور ضمن عرض خوش آمد فرمودند که قبل از توسط یکی از دوستان بهانی خویش از اهداف و تعالیم امر اطلاع حاصل کرده بسیار شیفته تعالیم الهی علی الخصوص در مورد وحدت ادیان و وحدت عالم انسانی می باشند . جناب رئیس جمهور در این ملاقات از احبا خواستند که در زمینه های سواد آموزی ، بهداشت اولیه و کاهش فقر در کشور ملاوی فعالیت و همکاری نمایند . اخبار این ملاقات بعداً در روزنامه انگلیسی زبان " اخبار ملاوی " Malawi News درج و پخش گردید .

اسپانیا :

چندی قبل لجه ملی تبلیغ اسپانیا از ۱۰۵ نفر از احبا دعوت نمود که در یک کنفرانس تبلیغی بمدت دو روز شرکت نمایند . هدف از این دعوت و کنفرانس ایجاد شور و شوق تبلیغی در بین یاران بود . دو نفر از فارسان امر الهی سرکار خانم مهرانگیز منصف Mrs. Mehrangiz Munsef که در سال ۱۹۵۴ به کامرون مهاجرت نمودند و جناب شین هینتون Mr. Sean Hinton که در سال ۱۹۸۸ به مغولستان مهاجرت کردند جزو سخنرانان عمدۀ این کنفرانس بودند . خانم منصف در مورد خاطرات خویش از حضرت ولی امرالله و جناب هینتون لطایفی چند از نحوه تبلیغ و وضع زندگی در

می باشد و اکثر قریب به قاتم مردم در خیمه زندگی می کنند . اوضاع دهکده در زمستان بسیار سخت است . سفر تنها بوسیله اسب یا کامیون یا جیپ میسر نمیشود . اگر هوا خوب باشد و اجازه سفر دهد مسافرت از پایتخت به این دهکده متجاوز از سی ساعت طول می کشد تازه سیستم ترابری منظم هم وجود ندارد . هر چند وقت یکبار اتومبیلی بطرف دهکده حرکت می کند . روز و ساعت معینی ندارد . ندای امر مبارک برای اولین بار بوسیله یکی از دانشجویانی که از پایتخت برای دیدار اقامش به دهکده بر می گشت در ماه آگوست ۱۹۹۴ بلند شد . این محصل که دختر خانم جوان می باشد در آن سفر امر مبارک را گوشزد مادر و خواهرش نمود . در سفر بعدی که در ماه ژانویه ۱۹۹۵ در میعت عضو محترم هیئت معاونت در آن منطقه انجام گشت . شوهر خواهر این دختر خانم و عده ای از معلیین تنها مدرسه دهکده نیز بهانی شدند و اولین محفل روحانی تشکیل شد . از ماه ژانویه تا آپریل ۹۵ دیگر هیچگونه تماسی بین اولان باتور و این دهکده چه بوسیله تلفن و چه بوسیله پست میسر نگشت . در ماه آپریل ۴ نفر از احباب مصمم گشتند که اتومبیلی اجاره نموده بدیدار احبابی دهکده بستابند . بعلت سرما و بدی راه اینهم میسر نشد و احباب نیمه کاره بازگشتند . در ۲۹ آپریل دختر خانمی که عضو محفل روحانی دهکده می باشند بدون خبر قبلی و انتظار ناگهانی وارد موتور ملی مغولستان گشتند . ایشان مسافت ۷۰ کیلومتر را در برف پیاده طی طریق کرده سپس با کامیون به شهر دیگری رفته از آنجا با هواپیما به

Development بود کنفرانسی با حضور ۴۰ نفر تشکیل داد . هدف این کنفرانس پخش دو بیانیه « رفاه عالم انسانی » صادره از ارض اقدس و دیگری بیانیه « برنامه عمل صادره » از کنگره فوق الذکر بود .

مدیر وزارت بهبود امور اجتماعی کنفرانس را افتتاح نموده در طول سخنان خویش متعدد و مکررا از بیانیه رفاه عالم انسانی نقل قول نمودند . سپس یکی از اعضا هیئت مشاورین قاره ای و بدیال ایشان منشی محفل روحانی ملی صحبت نمودند ، در خاتمه نماینده سازمان ملل متحد مسئول قسمت توسعه اجتماعی از اقدام محفل روحانی ملی در برگزاری این کنفرانس تجلیل بعمل آورده و متذکر شدند که توسعه اجتماعی از طریق دول و از طریق مردم تواما باید انجام شود . اخبار این کنفرانس در روزنامه ها و تلویزیون درج و پخش گردید .

مغولستان :

تبليغ امراهله در مغولستان بدو طریق صورت می گيرد . یکي بوسیله اعزام مبلغ از جانب محافل روحانی و دیگري بوسیله برگشتن دانشجويان از مدارس به قبایل و قراء و متعاقبا تبلیغ اقوام و آشنایان ، فی المثل دهکده اردن بالگان Erden Bulgan که در شمال غربی اولان باتور Ulaan Bator پایتخت مغولستان واقع شده دارای جمعیتی حدود سه هزار نفر - یك مدرسه - یك اداره پست و یك بیمارستان می باشد . برق در این دهکده هفته دو روز آنهم از ساعت ۷ شب تا ۱۱ شب دایر است . تمام دهکده دارای یك تلفن

پایتخت خود را رسانیده بودند . جالب این بود که احبابی دهکده نه آدرس محل مؤتمر ملی را داشتند و نه از تاریخ دقیق برگزاری مؤتمر باخبر بودند . تنها میدانستند که برای ماه آبریل باید نماینده ای به مؤتمر بفرستند . احبابی دهکده یک نفر را انتخاب و به شرح فوق اعزام داشته بودند .

در ماه می چند نفر از احباء برای تشویق و تحکیم احبابی دهکده دو مرتبه عازم این دهکده شدند . با وجودیکه سفرشان بدون اطلاع قبلی بود معذلك در موقع ورود همگی انتظار ورودشان را داشتند . یکی از اهالی دهکده احباء را در بین راه دید و خبر را فوری به سانرین داده بود احبابی مسافر در طول ۵ روز اقامتشان در دهکده بارها با مردم در توی چادرها صحبت امری نمودند . بسیاری ظرف یک یا چندین ساعت ایمان آوردند . کلاسهای درس اخلاق هر روز بمدت دو ساعت تشکیل می شد و روتق فراوان داشت . در موقعیتی چهار نفر وارد چادر احبابی مسافر شده پس از بجا آوردن تعارفات و آداب با تعجب از احبابی مسافر می پرسیدند که چرا امر مبارک را بایشان معرفی نمی کنند چون احباء لحظه ای دریغ می کردند دیگری از این چهار نفر اصرار میورزید که بیان کنید و تأمل ننمایند ! اینست نمونه ای از پیشرفت امر الهی در خطه مغولستان توسط بازگشت محصلین و دانشجویان .

مجله عذلیب

نشریه مجله روحانی ملی بهاییان کانادا از زبان فارسی

سالیانه ۴ شماره

حق اشتراک : برای کانادا ۴۰ دلار کانادائی
ساپرکشور ۴۰ دلار آمریکائی

نسخه پرواخت : کانادا و آمریکا چک یا نگاری شخصی
و در سایر کشورها فقط حواله یا نگاری « اینترنشنال »

آدرس :

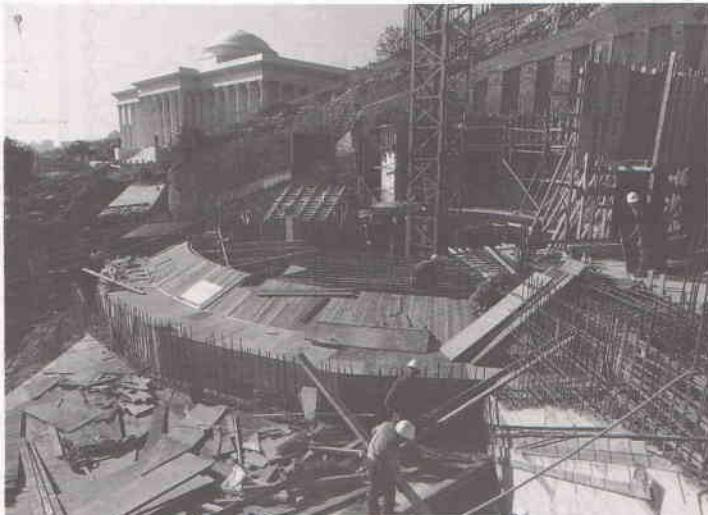
ANDALB
7200 LESLIE STREET.
TORONTO . ON. CANADA L3T 6L8
Fax: (416) 889 - 8184
Tel: (416) 889 - 8168

تعاضداً و ایم درگ و خواست اشتراک برای خود ما بعنوان عده
نام و نام خانوادگی و آدرس کامل ریافت گنده مجله امر قوم فرماید

اخبار مصور



در کشور انگلستان ، آقای هیو ادمسون (Hugh Adamson) دبیر کل جامعه بھانی انگلستان بدنیال مراسمی که در وست مینستر ای به مناسبت " روز مشترک المانع " در سیزدهم ماه مارچ منعقد گردید ، بحضور علیا حضرت ملکه الیزابت دوم شرفیاب شدند .



پروردۀ کوه کرمل : این دروازه تزئینی زیبا که اخیرا نصب گردیده ، رابط بین تراس هشتم و نهم در قسمت تحتانی مقام اعلی می باشد .



" جوانان در حرکت " نام گروهی از بھانیان اتیوبی " کنیا ، تانزانیا و یوگاندا می باشد که در سرتاسر آفریقای شرقی در طی چهارماه اول سال ۱۹۹۵ مسافرت نموده و با اجرای نمایش‌های درام و رقص به تبلیغ امر پرداختند .

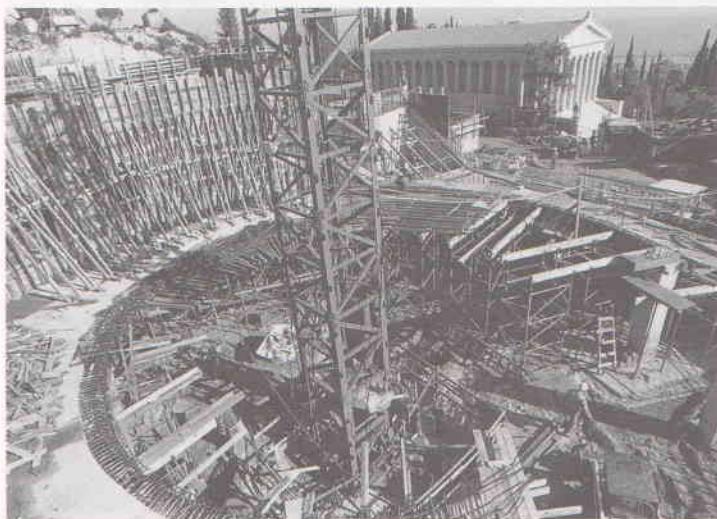
پروژه کوه کرمل ،
تایلونی حاوی تصویر کامپیوتری اولین تراس مقام اعلی در
 نقطه ای از املاک متعلق با مر که اخیرا در آن ساختمانی را
 خراب نمودند نصب شد .



در واناتو Vanuatu حدود ۲۰ جوان در مرکز بهانی لناکل
Lenakel لواقع در جزیره تانا در هفته آخرماه زانوبه برای
شرکت در " انجمن موسیقی " حاضر گشتد .

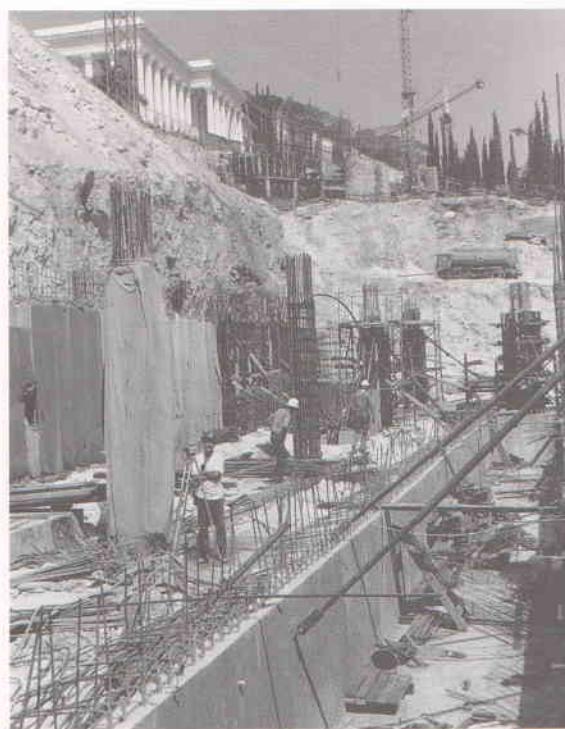
پروژه کوه کرمل : بطرف شرق در محل مرکز مطالعات الواح و
 آثار پیشرفت عملیات ساختمانی بر روی ایوان سنگ فرشی که
 محل نصب ستونهای مرمر ساختمان است ، دیده میشود .





پروژه کوه کرمل

در محل مرکز مطالعات الواح و آثار چهارچوب دیوار خارجی نیم دایره شکل رواق را در سمت چپ می توان دید . فضای داخل دایره ، که به روی آسمان باز می شود جایگاه یک فواره خواهد گردید .



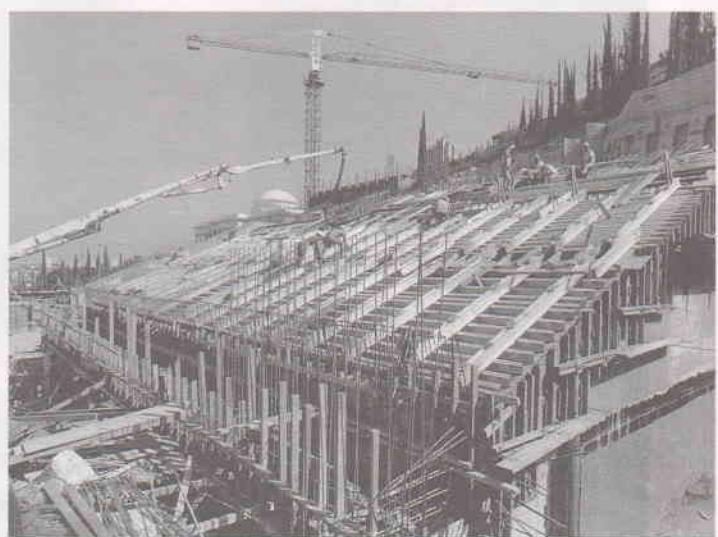
در محوطه دارالتبیغ بین المللی بطرف مشرق مقر بیت العدل اعظم ، کار طبقه دوم آغاز گردیده است .

در کشور مغولستان کلاسهای بهانی کودکان شهرهای اودنبولگان و خارزسکال توسط خانم لونیز لمبرت عضو هیئت معاونت (ایستاده نفر دوم) بازدید شد .



در محوطه مرکز مطالعات الواح و آثار ، سمت غرب مقرب بیت العدل اعظم پلکان و پاتیو (Patio) در جلو ورودی با سیمان بنا میشود .

در محل توسعه دارالاثار بین المللی دستگاه سیمان ریزی در سمت چپ این تصویر دیده میشود که مشغول ریختن سیمان به روی بام است .



نامه هائی از دوستان

۱ - یکی از یاران با تفصیل فراوان شرح خدمات تبلیغی ارزنده سرکار خانم فریده پیمانی علیها بهاء الله را بانضمام مرقومات حضرات ایادی امرالله جنابان علی اکبر فروتن و دکتر علی محمد ورقا و حضرات ایادی که برفیق اعلی شفافته اند جنابان ذکرالله خادم ، جلال خاضع و مراسلات نقوس نفیسه دیکری را که متضمن خدمات تبلیغی مشارالیها و ابلاغ امر مبارک بنفوس مهمه میباشد فرستاده اند که جا دارد خود بصورت جزوء تدوین شود که این امر از عهده عندليب خارج است معهدا خلاصه ای از خدمات گرانبهای این خانم محترمه ذیلا نگاشته میشود و عکس ایشان نیز کراواز میگردد .

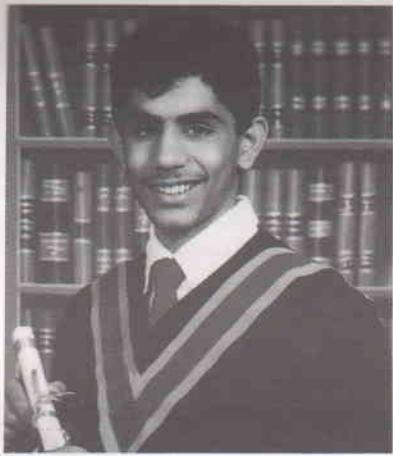
نامبرده از ۱۴ سالگی قدم به میدان خدمت در ایران نهاده و سپس برای ابلاغ کلمة الله بهندوستان و سیلان سفر نموده ، در سن ۲۰ سالگی رهسپار خاور دور شده با برخی از رؤسا جمهور و اعضاء پارلمان ها و استاندارها و شهردارها ملاقات و راجع به تعالیم امر صحبت نموده و با بعضی از تلویزیونها و مجلات و روزنامه ها و رادیوها مصاحبه و امر مبارک را بوسائل دستگمعی بسمع مردمان رسانده است .

مدت هفت سال در حظیره القدس هنگ کنگ خدمت نموده و بپذیرائی از احباء و اداره بیوت تبلیغ مشغول بوده و پنج سال در هاوائی اقامت داشته و افتخار عضویت لجنه ملی تبلیغ چینی ها را در آن دیار را داشته است .



هرچند لازم بود که شرح خدمات باهره
خانم فریده پیمانی بتفصیل در عندليب
انتشار یابد ولی محدودیت صفحات ما
را از انجام این امر باز داشت .

مطمئنیم که مشارالیهابه حب الهی اوقات
حیات را صرف خدمت با مرمالك امکان
نموده اند ، لذا از زحمات و خدمات
با هر شان در صفحه گیتی آثارش
همواره نمودار و اجرش با خداوند
مختر است .



۲ - خانم منیره فرح بخش (انوری) در نامه ای بعنوان یکی از اعضاء هیئت تحریریه عندلیب نوشته اند که فرزند ۱۷ ساله ایشان بنام جمشید فرح بخش با صرف وجهه حاصله از کار کرد تابستانی خود مبادرت به انعقاد جلسه ای زیر نظر لجنه جوانان محل بمنظور تقویت صندوق بین المللی اینیه قوس کوه کرمل نموده که در جلسه مذبور متجاوز از ۱۵۰ نفر نفر شرکت نموده و مبلغ ۹ هزار دلار جمع آوری شده است ،

محفل مقدس روحانی محلی ویلند Welland مراتب بالا را ضمن ارسال وجه به محفل مقدس روحانی ملی بهانیان کانادا اعلام داشته و اقدام این جوان برومند را قابل تحسین و فیر دانسته است . موفقیت نامبرده در خدمات امریه آرزوی دل و جان این مشتاقان میباشد .

۳ - جناب احسان الله موزون چند قطعه شعر برای عنده بسته ایشان که ابیاتی از آنان ذیلاً نقل میگردد :

شد نجوم بارگه با طلعت ابھی قرین	در بدشت این بارقه آمد ز فردوس بربن
فخر جمع مؤمنات و فخر جمع مؤمنین	برقع از رخ بر گرفته فخر نسوان طاهره
حبذا از مکمن قرب آمد و خلد بربن	
زن بمیدان آمد و شد مظہر سازندگی	بسته شد طومار ظلم آمد بهار زندگی
زن که بُد محروم حتی از حقوق اولین	روح آزادی دمیده شده مساوی بارجال
این نکین خلقت و این جلوه روح الامین	
	قطعه دیگر بنام قیامت سروده است ، از جناب موزون متشرکریم .

۴ - دوست بسیار عزیز گرامی جناب جواد قوچانی قطعه شعری از خانم دلیله ثابت طبیی بنام (حیات بهانی) فرستاده که دو بیت اول آن بدین شرح است :

خدایا یاریم کن تا حیات من همان باشد که تو خواهی	
به جز سیر حیات یک بهانی نیست سوی رحمت راهی	
تو را هر لحظه ، ناظر اعمال و هم رفتار خود دانم	
جز تو در نهان و در نهاد و فکر و قلب خویش ننشانم	

و قطعه دیگری بنام موقیت سروده اند که بیت اول آن چنین است :

بنگرم بر خویشتن من کیستم
کیستم من زنده بهر چیستم

سخت میکاوم چو در کنه وجود
راز هستی ها و هر بود و نبود

۵ - آقای کیکاووس فهندز سعدی رباعی زیر را برای عندیلیب فرستاده اند

در باغ دلت اگر که گل کارشدى
بر بوته گل نظر کن و بعد بکار

دانی که چه فرمود خدایم زین باب
در روشه قلب جز گل عشق مکار"

۵ - جناب موسی اخوان دو قطعه شعر از جناب حسین قراچه داغی فرستاده اند که چند بیت از آنها ذیلاً

درج میگردد :

قرة العین طاهره

مرغ دل هردم بسر دارد هوای طاهره
میرسد برگوش جان یکسرندای طاهره

هر کجا جاری بود چون ماجراي ظاهره
بر سرآمد ماجراي کشتی و طوفان نوح

آفرین فرموده بر عهد و وفاي ظاهره
آنکه فرموده است رتکم روز ازل

تا شود روشن مقام و هم ثنای ظاهره
قرة العینش لقب داده همی استاد کل

نام دیگر را میاور در قفای ظاهره
مدّعی راخود بگوگرباورش بیمار نیست

بسنوند تا در سحر ها رینای ظاهره
ساکتند و منتظر در بستر شب عرشیان

خطبه بی پرده و هم بر ملای ظاهره
پرده را از صورت سالوس مفتی برگرفت

بُت بر اندازی نمی آید، بجای ظاهره
یک تنہ بشکافت سقف معبد اوهام را

سر فرود آرد سراپا بر سرای ظاهره
وحی شد بر لوح تقوی تاکه در صدر بلوغ

قطعه دوم بنام بشارات مستمند

بوقت امتحان علم و عرفان
مرا فرمود استادی سخنداں

که آنها نیزند در ملک برهان
زنورین هرچه را دادی بیان کن

از جناب موسی اخوان و شاعر شیرین بیان جناب قراچه داغی متشرکیم

از جمیع دوستانمیکه با عندیلیب مکاتبه نموده اند منویم و سعادت و کامیابی جمیع را از حق

سبحانه و تعالی سائل و آمالیم *

هیئت تحریریه عندیلیب

عکس یادگاری تاریخی

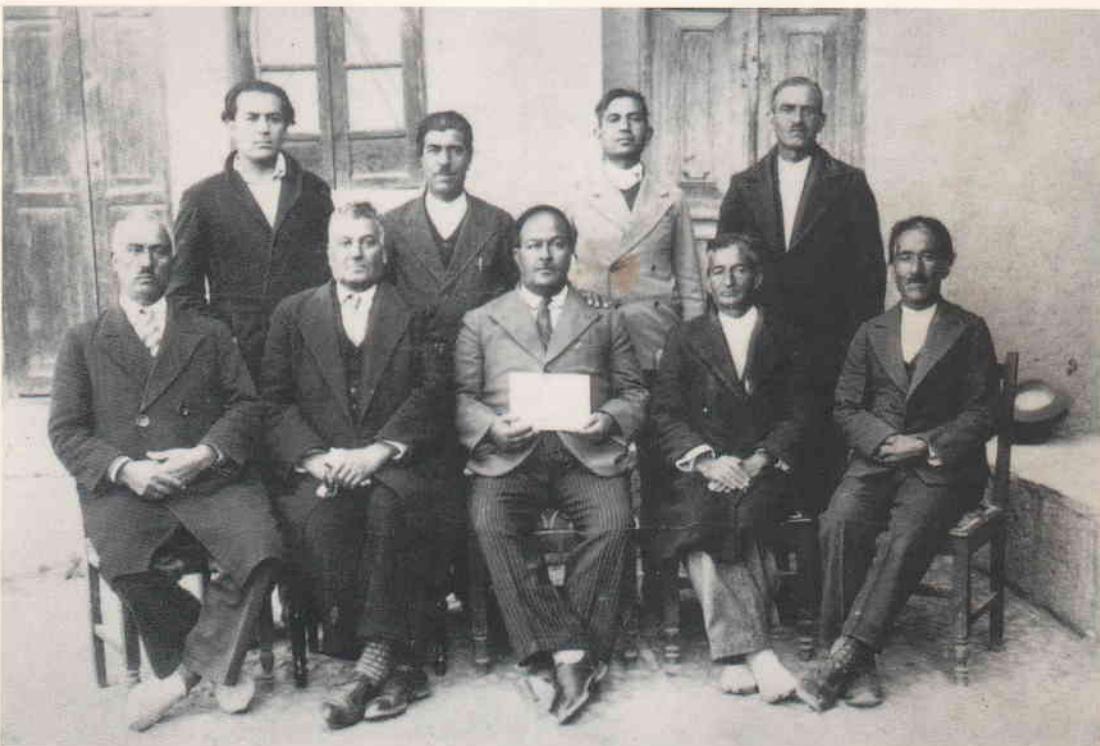
والدین حضرت حرم در میان جمعی از یاران دیده میشوند . (بمناسبت تجلیل از سفر اخیر ایشان بکانادا)



Emeric Sala, Paul Sala, Walter Lohse,
Rosemary Sala, Dorothy Wadel, Patricia's
mother, (Jean Mosher), Eliz. Cowles, Amine-
DeMille, May Maxwell, Sutherland Maxwell,
Else Lohse, Ernest Sala, Fred Ascah, ? Lohse
Patricia Pennington

Photo taken in Maxwell home- Member of
Montreal and St. Lambert Baha'i communities
(about 1940)

'ANDALÍB



اعضای محفل روحانی نجف آباد که حدود ۵۶ سال قبل گرفته شده
از چپ براست ایستاده : جناب ابوالقاسم فیضی ایادی عزیز امر الله ، آقای قربانعلی ورقا ، آقای عطاء الله فروتن ،
آقای عباس روحانی .

نشسته از چپ به راست : آقای دکتر نعمت الله برومند ، آقای جواد هانی ، آقای اسدالله شهیدی ، آقا حاج
نعمت الله روحانی ، آقای اسدالله کلشنی .